

کمیته علمی

معماری بومی ایگوموس ایران

گاهنامه

شماره ۷ / نوروز ۹۱/۱۴۰۰ صفحه





[iran_ciav](#)



committee.bumi@gmail.com

درآمدی بر شناخت

- ۶ درآمدی بر معماری بومی روستایی گیلان / سارا اشتری ماجلان
- ۱۶ چاخانه (چاهخانه) / معصومه طهران
- ۲۲ معماری بومی روستای لات (سیاه مشته) / زهرا نوتج

مقاله

- ۲۸ گونه‌شناسی سردر خانه‌های قدیمی محله جلفا اصفهان / آندره ماروتی
- بررسی تاثیر اقلیم در جهت‌گیری و شکل‌گیری خانه‌ها و معابر در بافت قدیم کرمان / پیمان سلیمانی روزبهانی
- ۴۰
- ۵۰ تزیینات آجری سردر خانه‌های سنتی دزفول / بهزاد وثیق و دیگران
- ۵۸ سلسله مراتب در آلاچیق‌های ترکمن / سپیده ایری

درنگ

- ۶۲ جذام / عرفان امیری آذر

یادبود

- ۶۶ استاد اسماعیل مهربان / حسین حیدری

تصاویر

- ۷۰ منتخب تصاویر ارسالی از معماری بومی

ترجمه

- ۷۸ ترجمه متن شعار سال ۲۰۲۱ ایکوموس / محمدرضا رحیمزاده

گاهنامه کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران (گزارش داخلی)

شماره هفتم نوروز ۱۴۰۰

زیر نظر ایکوموس ایران - کمیته علمی معماری بومی به سرپرستی دکتر سیاوش صابری کاخکی.

صفحه‌آرایی و تنظیم: مهسا عباسی گراوند.

همکاران این شماره به ترتیب الفبا: محمد احمدیان هروی، سارا اشتری ماجلان، عرفان امیری آذر، سپیده ایری، صادق بختیاری، آلاله حجتی، پیمان سلیمانی روزبهانی، معصومه طهران، محمد عباسی، آندره ماروتی، حسین ناصری، زهرا نوتج، بهزاد وثیق.

عکس روی جلد: کوچه باغ‌های تفت، یزد - مهسا عباسی گراوند - ۱۳۹۹.

کلید یادداشت‌ها، گزارش‌ها، مقالات و تصاویر مندرج در این گاهنامه توسط علاقه‌مندان به فرهنگ معماری ایران و اعضا کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران و به هدف اشتراک آزاد دانش و آگاهی‌های جهانی، محلی و بومی در این زمینه تهیه شده است. استفاده از آن‌ها با ذکر منبع آزاد است. کلید مسئولیت‌های ناشی از محتوی آن‌ها بر عهده نگارندگان بوده و پژوهشگران می‌توانند از طریق نویسندگان به اطلاعات تکمیلی دست یابند.

راه‌های تماس با ما و ارسال گزارش، تصویر، مقاله مرتبط با اهداف کمیته:

<http://www.iranicomos.org>
committee.bumi@gmail.com



بر چهره گل نسیم نوروز خوش است

فرارسیدن نوروز ۱۴۰۰ خورشیدی بر همه ایرانیان و دوستانان فرهنگ ایرانی خجسته باد.



موسسه فرهنگی ایکوموس ایران

مقدمه

شماره هفتم گاهنامه کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران به یاد خاطره‌انگیز عدد هفت در فرهنگ ایران بسیار کوتاه‌تر از شماره‌های پیشین آماده گردید و به محضر شما تقدیم می‌گردد. این رویداد، نتیجه شکل‌گیری کارگروه‌های کمیته علمی معماری بومی ایران است که توسط جمعی از کارشناسان علاقه‌مند و باپشتکار این سرزمین، مدیریت می‌گردد.

کمیته امید دارد که سایر کارگروه‌های بوم‌های ایران نیز باهمت دل‌بستگان به سرزمین ایران و دانش معماری بومی رفته‌رفته شکل بگیرد، هرکدام از آن‌ها گاهنامه خود را داشته باشند و این جریان در سرتاسر کشور فراگیر شود.

گاهنامه هفتم به‌جز گشاده‌دستی نویسندگان همراه، از همکاری کارگروه‌های معماری کوچ، کارگروه معماری بومی شمال ایران (گیلان، مازندران، گلستان)، کارگروه معماری بومی شرق فلات مرکزی ایران (کرمان و یزد)، کارگروه معماری بومی جنوب فلات مرکزی ایران (فارس، که خود شماره ویژه‌ای برعهده‌گرفته‌اند) برخوردار گردیده است. اصرار کمیته بر آغاز این مشارکت و ایجاد تعهد در کارگروه بود و از همه دبیرانی که به این درخواست پاسخ داده‌اند، سپاسگزاریم.

کمیته آگاه است که این کار تا چه حد به اهتمام فردی وابسته است اما مشتاق است تا دبیران دلسوز بتوانند این کار را به جریانی محلی بدل کنند، در جلب اعضا برای کار داوطلبانه در معرفی و حفظ معماری بومی سرزمینشان تلاش کنند و آنچه مربوط به خود آن‌ها و فرزندانشان و نسل‌های بعدی این سرزمین است، نگاه‌دارند. این روش مؤثرترین روش در قیاس با تمام شیوه‌هایی است که متکی و منتظر به انجام آن در نظامات اداری و شبه آن‌هاست. بدین ترتیب امید است تا این هسته‌های علمی محلی، رفته‌رفته در نظام حرفه‌ای محلی نقش و جایگاه داشته باشند.

حال که تابه اینجا آمده‌ایم، بیهوده نیست درخواست کنیم که از شماره آتی، کارگروه‌های کمیته، ستون خود را در گاهنامه، منظم با گزارش‌های خود بیارایند و نیز دعوت می‌کنیم از همه علاقه‌مندان معماری بومی ایران که کارگروه‌های بوم‌های دیگر را پویا و سهیم نمایند. در برآمدن روزگار بهاری و نوزد، پیشاپیش با امید به بهروزی و پیروزی و سرافرازی، آرزوی سلامت و شادی به‌ویژه برای همه شما و مردم ایران و همچنین تمامی انسان‌ها داریم.

کمیته علمی معماری بومی ایکوموس ایران

درآمدی بر معماری بومی روستایی گیلان (بخش اول)

معماری روستایی فضایی ساده است که برای ساکنینش در عین سادگی عملکرد و کارایی کافی فراهم آورد. این معماری عموماً تحت تأثیر جغرافیا، اقلیم و شرایط محیطی، معیشت و فرهنگ خرد و کلان، جهان‌بینی و نگاه زیبایی‌شناسانه مردمش در طول زمان و به آهستگی شکل گرفته و بالنده شده است.

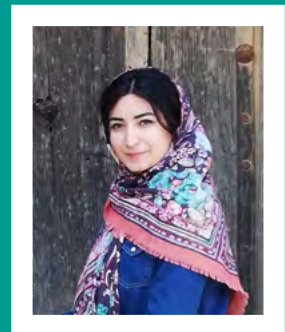
معماری بومی روستایی گیلان نیز با توجه به قرار داشتن در منطقه جغرافیای ویژه با اقلیم و فرهنگ متفاوت از عمده مناطق ایران، دارای ویژگی‌های کالبدی و ساخت و فضایی کاملاً متفاوت و ویژه است؛ بنابراین قبل از آنکه به موضوع معماری بپردازیم لازم است تا به اختصار با استان گیلان آشنا شویم.

معرفی گیلان:

استان گیلان در شمال ایران و در کرانه‌ی جنوب غربی دریای کاسپین قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی آن از رود آستارا در شمال غرب تا مرز جنوبی عمارلو در حاشیه‌ی رودخانه‌ی شاهرود در جنوب در امتداد شمال غربی- جنوب شرقی کشیده شده است. مساحت استان ۱۴۷۱۱ کیلومترمربع است و از جنوب به رشته‌کوه‌های البرز و از غرب به کوه‌های تالش منتهی می‌شود. دارای ۱۶ شهرستان، از کوچک‌ترین استان‌ها و از متراکم‌ترین سرزمین‌های ایران است.

شناخت تاریخی گیلان و محدوده‌های سکونتگاهی:

با توجه به مغفول ماندن گیلان (در گذشته بانام گیلان و طولش دو قوم زبانی_ فرهنگی ساکن در منطقه خوانده می‌شد) از دیدگاه تاریخ و باستان‌شناسی، شناخت کافی از تاریخ این منطقه که به شناخت سکونتگاه‌ها و شیوه سکونت در منطقه کمک می‌کند، وجود نداشته و سؤالات بی‌جواب بسیاری در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی برای کندوکاو بیشتر تاریخ منطقه از نگاه باستان‌شناختی رخ داده است که مجموعاً قدیمی‌ترین سوابق از وجود تمدن عصر سنگ در فاصله‌ی دره رودخانه سفیدرود تا پل رود به‌صورت گروه‌های کوچک ساکن، بوده است. در ابتدا عصر فلز عصر کم‌رنگ شدن اطلاعات تاریخی بوده، اما در عصر آهن به‌ویژه عصر آهن II و III تمدن‌های بسیار مهم مارلیک، دیلمان، تالش و املش در شرق، غرب و جنوب استان به شکلی بسیار بالنده، شناسایی شده‌اند. عصر تاریخی، عصر سکونت نسبی تاریخی_باستان‌شناختی است. مجموعه‌های تمدنی و اجتماعات انسانی عموماً در کوهستان، کوهپایه و در میان جنگل‌ها شکل گرفته بودند و تقریباً از عصر ساسانیان و آن‌گونه که در منابع تاریخی ساسانی هم از نام گیلان (وارنا یا ورننا) یاد می‌شود، مردمان این سرزمین با دستیابی به توانایی کشت برنج در جلگه، به برپایی سکونتگاه در جلگه علاقه نشان داده و روستاها و



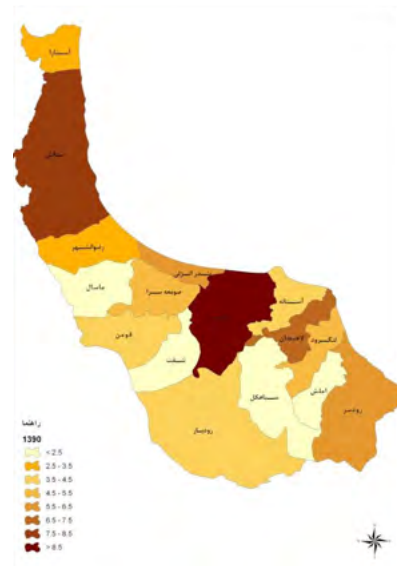
سارا اشتری ماجلان

کارشناس ارشد، معماری / دبیر
کارگروه معماری بومی شمال ایران
(گلستان، مازندران، گیلان)

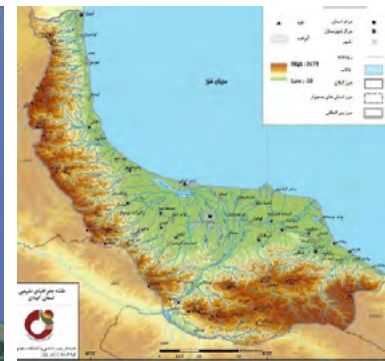
درآمدی بر شناخت



تصویر شماره ۱: پهنه‌بندی تقسیمات سیاسی استان گیلان.



تصویر شماره ۳: تصویر سه‌بعدی از جغرافیای طبیعی استان گیلان (مأخذ: google earth)



تصویر شماره ۲: نقشه جغرافیای طبیعی استان گیلان.

۲. جلگه سراسری گیلان حذفاصل سواحل دریا تا کوهپایه‌ی البرز و تالش، شکل‌گیری آن حاصل فرسایش، حمل و ته‌نشست رسوبات از رشته‌کوه‌ها توسط صدها رودخانه‌ای است که با زهکشی این کوه‌ها رسوبات خود را به‌صورت دلتا به‌جا گذاشته‌اند. نوسانات تراز آب کاسپین نیز در شکل‌گیری و توسعه جلگه نقش داشته است (۴۵۸۳ کیلومترمربع).

۳. کوهپایه ارتفاع ۱۰۰-۷۰۰ از سطح دریا. مناطق کوهپایه‌ای بعد از جلگه بیشترین مساحت از بعد ساکنین را به خود اختصاص داده‌اند. این مناطق با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی خود نقش مهمی در شکل‌گیری حوزه‌های تمدنی و روستاها و شهرهای گیلان داشته است (۳۱۱۲ کیلومترمربع).

۴. کوهستان با ارتفاع ۷۰۰ تا ۲۵۰۰ از سطح دریا. رشته‌کوه البرز توسط دره تکتونیک سفیدرود به دو قسمت تقسیم‌شده است. تفاوت‌هایی در شکل و توپوگرافی دو رشته‌کوه وجود دارد (۵۸۱۰ کیلومترمربع)

۵. کوهستان مرتفع مناطقی با ارتفاع بیشتر از ۲۵۰۰ عموماً بافت درختی و سکونت در آن وجود ندارد (۳۳۰ کیلومترمربع) (فرید مجتهدی، ۱۳۹۱)

آب‌وهوا:

پس‌از آن در اعصار نزدیک‌تر شهرها را به بنا نهادند.

جغرافیای طبیعی گیلان:

جغرافیای طبیعی استان گیلان تحت تأثیر دو عامل بزرگ قرار دارد. نخست دریای کاسپین به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان و دوم رشته‌کوه‌های البرز و تالش که بخشی از کمربند کوهزایی آلپ-همالیا محسوب می‌شوند. برهم‌کنش اثرات این دو عامل در یک فضای جغرافیایی محدود سبب به وجود آمدن جغرافیای طبیعی ویژه‌ای در سرزمین گیلان شده است که در فلات ایران و سرزمین‌های پست حاشیه‌اش منحصر به فرد است.

پهنه‌بندی توپوگرافیک گیلان:

از لحاظ ارتفاع استان گیلان دارای اختلافی از منفی ۲۶ متر در سواحل دریای کاسپین تا ۳۷۰۳ متر در کوه سماموس است. بر اساس این اختلاف و با توجه به نقش ارتفاع در شکل‌دهی آب‌وهوا و چشم‌اندازهای اکولوژیکی متفاوت، استان گیلان را می‌توان از سمت دریا تا کوهستان، به‌صورت تقریبی به پنج واحد توپوگرافیک-جغرافیایی تقسیم کرد.

۱. سواحل دریای کاسپین با عرض متغیر و مساحت کم موازی دریا از آستارا تا چابکسر کشیده شده است.

موقعیت خاص جغرافیایی و قرارگیری در کرانه‌ی جنوب غربی دریای کاسپین و دامنه‌های شمال رشته‌کوه البرز و شرقی تالش، سبب به وجود آمدن آب‌وهوای خاص معتدل و مرطوب در استان گیلان شده است. وجود پهنه‌ی آبی دریای کاسپین، سبب اعتدال دمایی در سواحل و جلگه‌ها و تزریق رطوبت دائمی به جو این منطقه شده است. بارش بیش از ۱۵۰۰ میلی‌متری در سواحل جنوبی دریای کاسپین و کوهپایه‌های جنوبی جلگه‌ی مرکزی گیلان در مقایسه با سراسر فلات ایران، نشان‌دهنده تفاوت آب‌وهوای این منطقه با دیگر قسمت‌های سرزمین ایران است.

بارش: پنج منطقه بارشی از ساحل تا کوهستان در گیلان وجود دارد:
الف. منطقه پربارش ساحلی گیلان که خود شامل سه بخش هسته ساحلی شرق، هسته‌ی ساحلی مرکزی و هسته‌ی ساحلی غرب است.
ب. منطقه کم بارش جلگه‌ی مرکزی گیلان
پ. منطقه پربارش کوهپایه و پیش‌کوه‌های جنوب جلگه‌ی مرکزی
ت. منطقه کم بارش ارتفاعات کوهستان
ث. منطقه کم بارش دره‌های جنوبی گیلان (اسعدی اسکویی و فرید مجتهدی، ۱۳۹۰).

رطوبت: استان گیلان مرطوب‌ترین استان کشور و همچنین مرطوب‌ترین منطقه از سواحل جنوبی دریای کاسپین است. ارتفاعات البرز مانند یک سد کوهستانی از انتقال رطوبت دریای خزر به سمت فلات داخلی ایران جلوگیری می‌کنند و موجب افزایش رطوبت و بارندگی در این ناحیه می‌شوند. با گذار از نوار ساحلی استان به سمت ارتفاعات، به تدریج از رطوبت هوا کاسته شده و ویژگی اقلیم بیلابقی پدیدار می‌شود که در تلفیق با دمای مساعد این مناطق، شرایط بسیار مطلوبی از نقطه نظر احساس آسایش فراهم می‌آورد. به‌طور کلی میانگین رطوبت نسبی در استان گیلان حدود ۸۰٪ هست که این مقدار می‌تواند به حداکثر ۹۶٪ در مهرماه و حداقل ۵۵٪ در تیرماه برسد. رطوبت نسبی در استان گیلان در پاییز و زمستان به حداکثر می‌رسد و در تابستان و بهار کمتر می‌شود، هرچند در تابستان به دلیل گرمای زیاد، شرحی بودن هوا بیشتر احساس می‌شود.

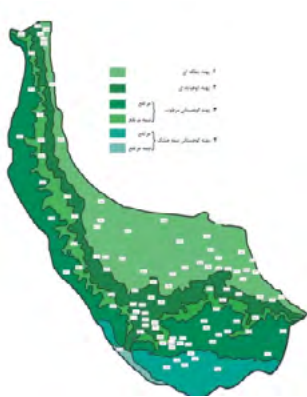
دما: رژیم اقلیمی معتدل خزری حالت متعادلی دارد و نوسان دما بین شب و روز و بین زمستان و تابستان زیاد نیست. به همین جهت تعداد روزهای یخبندان در شهرهای استان گیلان نسبت به بسیاری از استان‌های کشور در حد کمی قرار دارد. البته در سال‌های اخیر خصوصاً پس از سال ۱۳۷۳ به دلیل افزایش گازهای گلخانه‌ای این اختلاف دمای شب و روز کمتر نیز شده است. دمای این استان بین حدود ۳ درجه سانتی‌گراد در دی‌ماه تا حدود ۳۰ درجه سانتی‌گراد در تیرماه متغیر است که این دما در جلگه و سواحل تا ۳۷ درجه سانتی‌گراد نیز ثبت شده است (سازمان هواشناسی استان گیلان).

بادها: در گیلان پدیده کچ باران که مخلوط بارش باران تحت هدایت بادهای شدید غربی و شمال غربی ست در کنار میزان بالای بارش و رطوبت از عوامل اصلی در تخریب مواد و مصالح به کار گرفته در بناست. ویژگی بادهای گیلان این است که بادهایی که از شمال و شمال شرقی می‌وزد، ملایم و بادهایی که از غرب و شمال می‌وزد، سرد و بادهایی که از جنوب می‌وزد گرم است. (سالنامه آمار استان گیلان، ۱۳۸۵)

ویژگی‌های آب‌وهوایی نه تنها بر الگوی ساخت‌وساز و معماری اثر می‌گذارد بلکه نقش مهمی در عمر مفید و ماندگاری بنا در این خطه دارد. رطوبت بسیار بالای استان علاوه بر اینکه در فصل گرم بر دمای محسوس و شرایط آسایش دمایی تأثیر نامطلوبی می‌گذارد، موجب استهلاک سریع‌تر ساختمان‌ها می‌شود. بارش باران و برف موجب خوردگی و فرسایش خاک و پوسیدگی مواد و مصالح که عمدتاً بر پایه گیاه و از خاک و گل هستند، می‌شود.

پهنه‌بندی اقلیمی-معماری استان گیلان:

شرایط آب‌وهوایی یک محل متأثر از شرایط زمین (جغرافیای محل) و هوا (شرایط جوی محل) که با توجه به توپوگرافی منطقه که تفاوت ارتفاعی قابل توجه دارد، سبب شکل‌گیری آب‌وهوای محلی و به دنبال آن واحدهای زیست‌محیطی گوناگون و متنوع در گیلان شده است که بارزترین ویژگی اکولوژیکی آن، جنگل‌های متراکم و متنوع هیرکانی و جلگه



تصویر شماره ۷: پهنه‌بندی توپوگرافیک استان گیلان (مأخذ: طاهباز، جلیلیان، ۱۳۹۰).



تصویر شماره ۶: نقشه رطوبت نسبی استان گیلان.



تصویر شماره ۵: نقشه خطوط هم بارش استان گیلان.



تصویر شماره ۴: نقشه خطوط هم‌دما استان گیلان.

حاصلخیز گیلان است. این پهنه‌ها از نظر ارتفاع از سطح دریا، توپوگرافی، وضعیت اقلیمی، پوشش گیاهی و نوع محصولات زراعی متفاوت هستند. بنابراین استان را بر مبنای ویژگی‌های مختلف در کنار توپوگرافی به چهار دسته متمایز تقسیم کرده و سپس به بررسی ویژگی‌های معماری در این نواحی می‌پردازیم:

الف - نواحی ساحلی

ب- نواحی معتدل و مرطوب شامل جلگه‌های مشرف به دریا و کوهپایه‌های با شیب ملایم البرز شمالی و تالش شرقی

پ - نواحی سرد و مرطوب شامل مناطق مرتفع کوهستانی البرز شمالی

ت - نواحی سرد و نیمه‌خشک شامل مناطق مرتفع کوهستانی البرز جنوبی

کالبد و بافت روستا در گیلان:

سیال بودن ساختار کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در بخش زیادی از عرصه‌های جغرافیایی با تغییر وضعیت زمین پیوند دارد. استان گیلان با داشتن بیش از ۲۶۰۰ سکونتگاه روستایی، یکی از پایگاه‌های اصلی روستانشینی در ایران محسوب می‌شود که علیرغم تغییرات گسترده در نظام اسکان جمعیت از جمله رشد شتابان شهرنشینی، روند رو به افزایش تبدیل نقاط روستایی به شهری و شبکه درهم‌پیچیده نظام شهری - روستایی، همچنان از کانون‌های تولید مواد غذایی و اسکان جمعیت در سکونتگاه‌های خارج از حوزه‌های شهری است.

در این استان اگرچه سابقه اسکان و استقرار انسان از نواحی کوهستانی آغاز شد لیکن در اعصار اخیر

محدوده‌های جلگه‌ای به تدریج در تصرف انسان و فعالیت‌های انسانی قرار گرفت و طی پنجاه سال اخیر به سرعت تغییر یافت. جدایی جغرافیایی و ارتباطی محدوده‌های کوهستانی و قابلیت‌های زیستی و معیشتی

موجب توجه جمعیت به این قلمروها شد و زیرساخت‌های جغرافیایی مناسب زمینه شکل‌گیری سکونتگاه‌ها با ساخت پراکنده و توزیع متوازن بر فضا را فراهم ساخت.

نزدیک به ۳۷ درصد از جمعیت استان ساکن روستاها هستند. بخش جلگه‌ای گیلان با ۳۴٫۷ درصد پهنه استان، ۸۶٫۵ درصد جمعیت آن را در خود جای داده است. این پهنه با شیبی کمتر از ۱ درصد، از سواحل پست خزری تا منحنی تراز ۱۰۰ متر، دارای تراکم نسبی جمعیت ۳۷۷ نفر در کیلومترمربع است؛ اما کوهپایه‌ها و کوهستان‌های گیلان با شیب‌های تند عموماً بیش از ۳۰ درصد و پوشیده از جنگل‌های انبوه جمعیت کمتر و به تبع آن سکونتگاه‌های کمتری را در خود جای داده‌اند. روستاهای این عرصه عموماً کمتر از ۱۰۰ تن و حتی به صورت تک خانوارها بوده و در موارد استثنایی دارای ۲۴۹-۱۰۰ تن یا بیشتر جمعیت می‌باشند (امیرانتخابی، ۱۳۹۴).

در هر روستا و با آب‌وهوای محلی و عوامل مختلف معیشتی، توپوگرافی، شیب دره یا شرایط دشت، الگو و بافت روستا متفاوت، متغیر و متنوع است. روستاهای استان گیلان متناسب با میزان رطوبت و شدت و طول دوره گرما و سرما می‌توانند دارای تراکم و نحوه استقرار متفاوتی می‌باشند.

در پهنه جلگه‌ای / کوهپایه‌ای که رطوبت هوا زیاد است، باید مجموعه‌های ساختمانی و خانه‌ها با فاصله زیاد از یکدیگر ساخته شوند. به علت همین نوع از پراکندگی و فواصل موجود، تشخیص و تمییز مرز و محدوده روستاها در این مناطق بسیار دشوار و گاه غیرممکن بوده است.

در پهنه کوهستانی نیمه مرطوب که رطوبت و دمای کمتری دارد بافت روستایی می‌تواند به صورت مجتمع بوده، یعنی خانه‌ها دارای فاصله نسبتاً کمتری از یکدیگر باشند؛ اما به علت وجود آب‌وهوای محلی و تنوع نمودهای توپوگرافی در ارتفاعات به طور مثال شکل‌گیری مراتع پهناور یا دره‌ها، برخی روستاها در نقاط مرتفع کوهستانی با بافت و تراکم همچون روستاهای جلگه شکل گرفته‌اند.

در نواحی مرتفع پهنه کوهستانی نیمه‌خشک، روستاها باید کاملاً فشرده و متراکم بوده و ساختمان‌ها به یکدیگر چسبیده باشند تا سطح تماس آن‌ها با فضای آزاد به حداقل ممکن کاهش یابد. در قسمت‌های کم ارتفاع‌تر جنوبی و دره سفیدرود، تراکم بافت روستا بستگی به شیب زمین، توپوگرافی و سایر عوامل محیطی دارد که می‌تواند فشردگی کمتر از ارتفاعات داشته باشد. این شرایط اقلیمی نیمه‌خشک علاوه بر جنوب گیلان، در غرب و در مرز گیلان با استان اردبیل و در دامنه‌ی غربی کوه تالش نیز وجود دارد که باعث شکل‌گیری بافت روستایی به صورت فشرده و درهم‌تنیده می‌شود.

سلسله‌مراتب فضایی در روستاهای گیلان



تصویر شماره ۷: پراکندگی روستاهای ساحلی، جلگه‌ای، کوهپایه‌ای و کوهستانی استان گیلان.



تصاویر شماره ۸ و ۹: تصاویر ۲ بعدی و ۳ بعدی بافت روستایی واقع در جلگه (روستایی در شهرستان شفت مأخذ: google earth).



تصاویر شماره ۱۰ و ۱۱: تصاویر ۲ بعدی و ۳ بعدی بافت روستایی واقع در مناطق کوهستانی مرطوب (روستای ناو در اسالم، مأخذ: google earth).



تصاویر شماره ۱۲ و ۱۳: تصاویر ۲ بعدی و ۳ بعدی بافت روستایی واقع در مناطق کوهستانی نیمه خشک جنوب و غرب (روستای انبوه در رودبار، مأخذ: google earth).

قراردادی و دولتی خاک و زمین بر مبنای تقسیم‌بندی بخش و شهرستان و استان است. محل از چندین محله تشکیل می‌شود. افراد ساکن در محله‌های هر محل و افراد غیر ساکن، تحت نام محل با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

محله: با توجه به نوع پراکندگی گسترده روستایی و اقامت خانوادگی در گذشته، هر محل به محله‌های کوچک‌تر جهت شناسایی و آدرس‌دهی سنتی تقسیم می‌شده است. هر محله یک واحد آبیاری بوده و ممکن است از ده‌ها و صدها خانه تشکیل شود. محله عنصر هویت مدار و با تعلق تام

سلسله‌مراتب در روستای گیلان از فضای عمومی پوشیده از درخت و گیاهان مختلف که به صورت کاملاً ارگانیک رشد کرده‌اند با گذرهای پرپیچ‌وخم که در طول زمان با اضافه شدن یک‌به‌یک خانه‌ها در میان شالیزارها و باغ‌ها شکل گرفته، شروع شده و به کوچک‌ترین واحدهای آن یعنی پرچین خانه‌ها، باغ و مجموعه خانگی ختم می‌شود. هر روستا در قلب خود مجموعه‌ای از خدمات عمومی مثل نانوايي، قهوه‌خانه، آرایشگاه، نجاری، آهنگری، کارخانه برنج، خیاطی، خواربارفروشی و ... عرضه می‌کند. محل: واحد بزرگ که بیش از نقش هویتی، حاصل تقسیم‌بندی‌های

ساکنینش است.

می‌کند، شکل ظاهری بنا از نظر نوع سقف، کرسی چینی و مصالح، نسبت فضاهای باز و نیمه‌باز به فضاهای بسته و سازمان فضایی بخش مسکونی خانه است. این تفاوت‌ها ناشی از جغرافیا، اقلیم، فرهنگ و نوع معیشت بوده که در بخش حاضر تأثیر نوع جغرافیا و اقلیم بر ساخت‌وساز بررسی شده و به سایر عوامل در یادداشت‌های دیگر پرداخته خواهد شد.

الف - نواحی ساحلی

کومه‌های صیادی روی زمین خشک، ساحل ماسه‌ای و زمین باتلاقی (روی پایه‌های چوبی) در کنار پهنه‌های آبی از دریا و رودخانه و تالاب ساخته می‌شوند اما صرفاً به‌عنوان مکانی موقت برای گذران زمان انتظار یا سرپناهی برای در امان ماندن از خطرات طبیعی و جوی برای ماهیگیران و شکارچیان شناخته می‌شوند.

- مکانی موقت
- ساختاری ساده و ابتدایی
- مصالح ساده و در دسترس، فراهم‌شده از تالاب و ساحل و زمین‌های اطراف پهنه‌های آبی

با اسکلتی مرکب از چوب و نی، دیوار و بام آن با لی (گیاهی اطراف مرداب که نوع مرغوب آن به کار حصیربافی نیز می‌آید) و مَلَج (نی‌های نازک) پوشیده شده است. این بنا با بام دو شیبه (هشتی)، مستقیم و بدون دیوار بر سطح زمین اتکا دارد. کومه صیادی با تشکیل تعاونی‌ها و پره‌های ماهیگیری با توجه به حضور افراد بیشتر مشغول به کار در محل، ابعاد بزرگ‌تر و شکلی به‌صورت بنای کامل دارای دیوار و سقف و درگاه به خود گرفتند.

ب- نواحی معتدل و مرطوب شامل جلگه‌های مشرف به دریا و

کوهپایه‌های با شیب ملایم البرز شمالی و تالش شرقی

بخش جلگه‌ای شامل اراضی همواری است که به علت تغییر شرایط آب‌وهوایی، عقب‌نشینی دریای کاسپین و تراکم آبرفت رودها به‌ویژه سفیدرود، با عقب‌نشینی‌های متفاوت از دریا و ارتفاعی کمتر از ۱۰۰ متر از سطح دریا شکل‌گرفته است. بخش کوهپایه‌ای دارای ارتفاعی بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ متر از سطح دریا است. این پهنه دارای شیب ملایمی از سمت جنوب به شمال و از غرب به شرق بوده و در دامنه‌های شمالی البرز و شرقی کوه‌های تالش واقع شده است. در این پهنه، روزها حدود ۶ ماه از سال نیاز به سایه وجود دارد و در ۲ تا ۴ ماه از این اوقات وجود کوران هوا برای تعدیل شرایط ضروری است. شب‌های این ایام معتدل و خواب شبانه در هوای آزاد مطلوب است. این پهنه دارای تابستان‌های نسبتاً گرم و مرطوب در ماه‌های خرداد تا شهریور است که با استفاده از کوران هوا قابل کنترل است. در معماری بومی روستاهای این منطقه، برای مقابله با این مشکلات، راهکارهای زیر اتخاذ شده است:

همسایگی: همه محوطه‌های در معرض دید که صدای ساکنانشان شنیده می‌شود، دومین دایره تعلق اجتماعی افراد پس از محوطه است. گاهی برادران و پسرعموها گاهی برحسب تقسیم، فروش و واگذاری زمین، گروهی دیگر از افراد در آن ساکن هستند. همسایه‌ها ارتباط اجتماعی و اقتصادی روزانه و وابسته‌ای دارند. به‌ویژه در کشاورزی و آبیاری، زندگی همسایگان متأثر از همکاری و همیاری باهم است.

پرچین (چَپِر / رَمِش/ پرده): محوطه خانه‌ها و باغات بیشتر با پرچین‌های چوبی یا رَمِش محصور می‌شوند. پرچین‌های چوبی علاوه بر مشخص نمودن محدوده خانه و باغات، از ورود حیوانات به باغ‌ها و خانه‌ها جلوگیری می‌نماید. عناصر تشکیل‌دهنده پرچین‌ها متناسب با گیاهان و درختان بدون محصولی است که در محل زندگی افراد می‌رویند. نوع دیگر حصارهای بکار رفته در روستا چَپَر نام دارد. چپر‌ها نیز با شاخ و برگ درختان حرص شده ساخته می‌شود. پرده به پرچینی ساخته‌شده از نی گفته می‌شود.

بَلْت / بَلْتَه / بَرَنگه: تیرک‌های چوبی افقی و عمودی است که به‌صورت کشویی باز و بسته می‌شوند و عملکرد ورودی برای محوطه حیاط خانه را دارند.

خانه پیش/حیاط/سرا: محلی برای کاشت سبزیجات، مرکبات، پرورش دام، طیور و ساخت تأسیسات کشاورزی است. همچنین محلی برای اجتماع، کار گروهی، برگزاری مراسم‌های شادی و غم، استراحت و خواب در تابستان هستند. به‌صورت کلی با توجه به زندگی وابسته به طبیعت و محیط اطراف در گیلان، حیاط یک عرصه‌ی بسیار مهم زندگی به سبک برونگرا در گیلان است.

گروه‌های خانگی: مجموعه‌ای از یک یا چند خانه درون پرچین، گروه‌های خانگی به وجود می‌آورند که هر گروه ه خانگی محل زندگی یک خانواده بزرگ از مالک اصلی و فرزندان وی است. هر مجموعه خانگی محاط در بخش بزرگی از شالیزارهای اطراف و در قلب باغستانی زیبا است.

تأسیسات کشاورزی و دامداری: این تأسیسات شامل تیلِمبار/تیلواوار (خزانه برنج)، تَوَلَه/طویلَه (طویلَه دام)، کَرک لان/لون (لانه مرغ)، چاه، کَلَه گاه (اجاق موجود در حیاط)، کندوج/کروچ (محل نگهداری برنج)، موسترا/ مستراح می‌باشند و از جمله بناهای فرعی هر مجموعه خانگی محسوب می‌شود (حسن پور لمر، ۱۳۹۳ و برومژه، ۱۳۷۰).

ک/خُونه: به دو زبان تالشی و گیلکی نامی است که هم به مجموعه محوطه خانه و خود بنا و هم به سازه‌ای که مخصوص زندگی بناشده است، اطلاق می‌شود.

ویژگی‌ها کلی معماری خانه در پهنه‌های اقلیمی معماری بر مبنای توپوگرافی:

آنچه معماری پهنه‌های مختلف این منطقه را از یکدیگر متمایز



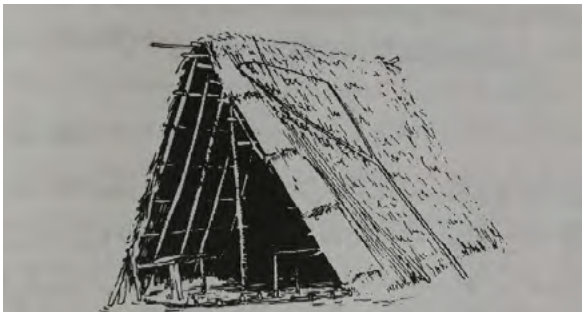
تصویر شماره ۱۵ : نمونه‌ای یک گروه خانگی با تمام عناصر موجود درون آن.



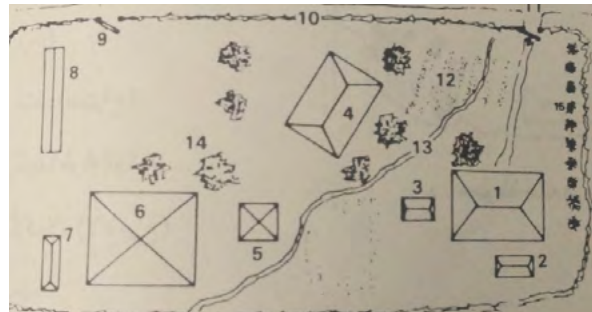
تصویر شماره ۱۴ : نحوه پراکندگی محوطه‌های خانگی در میان باغ‌ها و شالیزارها (مأخذ: google earth)



تصویر شماره ۱۶ : نمودار سلسله‌مراتب فضایی از روستا تا خانه



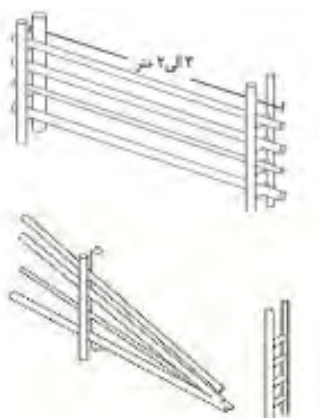
تصویر شماره ۲۰ : کومه‌های ماهیگیری و پناهگاه شکارچیان روی ساحل (برومژه، ۱۳۷۰).



تصویر شماره ۱۷ : شمای یک گروه خانگی با چند خانه (برومژه، ۱۳۷۰).



تصویر شماره ۲۱ : پهنه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای کم شیب استان گیلان (طاهباز، جلیلیان، ۱۳۹۰).



تصویر شماره ۱۹ : تصویر بلت.



تصویر شماره ۱۸ : نمودار سلسله‌مراتب فضایی در هر گروه خانگی.

- تأمین سایه، از طریق گسترش بام ساختمان و کاشت درخت
- برقراری جریان هوا در اطراف و زیر ساختمان، از طریق ایجاد گریه‌رو در زیر و فضای باز در اطراف بنا
- استفاده هم‌زمان از سایه و باد (در طول روز و شب) به کمک ایوان یا تالار احداث‌شده در اطراف بنا
- در این پهنه، بارش باران زیاد بوده و تا ۲۰۰۰ میلی‌متر در سال نیز می‌رسد که در پاره‌ای از مناطق در فصول سرد با باد همراه شده و تولید کج باران می‌کند.
- تخلیه سریع آب باران، به کمک بام شیب‌دار (غالباً چهار شیب)
- کنترل باران توأم با باد، از طریق گسترش سطح بام در جبهه رو به باد غالب
- کنترل کج باران، از طریق پایین آوردن لبه‌های بام تا نزدیک سطح زمین
- تخلخل زیاد و گشودگی بسیار در حجم و نمای بنا در سردترین ایام، ۲ تا ۳ ماه از سال روزها و حدود ۶ ماه شب‌ها باید ساختمان را گرم نمود، در این مواقع جریان باد با احساس سرما همراه است و در حدود ۳ ماه شب‌ها امکان وقوع سوز باد (باد همراه با سوز سرد)



تصویر شماره ۲۴: نمونه‌ای از خانه در جلگه غرب گیلان (مآخذ: پایگاه تالش شناسی).



تصویر شماره ۲۲: نمونه‌ای از خانه در جلگه شرق گیلان، ۱۳۹۳. تصویر شماره ۲۳: نمونه‌ای از خانه در مرکزی گیلان (کتاب گیلان، ۱۳۸۰).



به شرق است. در این پهنه در گرم‌ترین زمان، روزها حداکثر در ۱ تا ۲ ماه از سال نیاز به سایه وجود دارد و وجود کوران هوا برای خنک کردن ضروری نیست. در این ایام شبها خنک است و خواب شبانه در هوای آزاد مطلوب نیست؛ بنابراین می‌توان گفت که منطقه مورد بحث دارای تابستان‌های خنک است. راهکارهای انتخاب‌شده در این پهنه به شرح زیر است:

- جلوگیری از برخورد بادهای سرد به ساختمان‌ها از طریق احداث بافت به صورت مجتمع نسبتاً متراکم
- پیش‌بینی حداقل فاصله بین واحدهای مسکونی به منظور برقراری جریان هوا و خشک شدن رطوبت
- پیش‌بینی فضای واسط میان داخل و خارج، به کمک احداث فضای نیمه‌باز رو به جنوب در جلوی بازوها
- در این پهنه، بارش باران حداکثر تا حدود ۱۲۰۰ میلی‌متر در سال است. این حجم از باران نیاز به احداث سقف‌های شیب‌دار را در این منطقه ضروری کرده است.
- تخلیه آب باران، به کمک ساخت بام شیب‌دار به صورت دو شیب و چهار شیب
- کنترل باران توأم با باد (کج باران)، به وسیله پیش‌آمدگی لبه‌های بام از سطح نمای طبقه پایی
- فضای باز ۲ یا ۳ طرفه، مهم‌ترین آن رو به جنوب تا ۶ ماه از سال روزها و ۸ تا ۱۲ ماه شبها باید ساختمان را گرم نمود، در این مواقع جریان باد با احساس سرما همراه است و در حدود ۴ تا ۸ ماه شبها و یک ماه روزها امکان وقوع سوز باد وجود دارد. بادهای زمستانی از شمال و شمال غربی می‌وزد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که این منطقه دارای زمستان‌های سرد است که از آبان تا فروردین ادامه می‌یابد.
- محافظت از بخش زمستانی در ارتفاعات بالاتر از طریق استقرار بخش دامی در زیر بخش مسکونی
- ساختمان‌های دوطبقه و در سمت شمال و گاه غرب

وجود دارد. جهت وزش بادهای زمستانی از شمال تا شمال غربی امتداد دارد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که این منطقه دارای زمستان‌های نسبتاً سرد است که از دی تا اسفند ادامه می‌یابد:

- تفکیک فضاهای تابستانی و زمستانی، از طریق قرار دادن زمستان نشین در طبقه همکف با سقف کوتاه و در و پنجره محدود و تابستان نشین در طبقه اول با سقف بلندتر و به دو صورت فضای نیمه‌باز و فضای بسته با در و پنجره‌های متعدد
- دور کردن فضاهای گرم‌از تابستان‌های تابستانی، از طریق قرار دادن مطبخ در داخل یا مجاورت بخش زمستان نشین (در تابستان در فضای سرباز یا ایوان)
- جداره‌های ضخیم با ظرفیت حرارتی بالا (طاهباز، جلیلیان، ۱۳۹۰)
- در جلگه و کوهپایه شرق، غرب و مرکز گیلان ویژگی‌هایی منحصر به فرد در هر منطقه که تحت تأثیر توپوگرافی و آب‌وهوای محلی ویژه خود قرار دارند، تفاوت‌هایی گاه قابل توجه وجود دارد به این تفاوت‌ها در یادداشت‌های بعدی به تفصیل پرداخته خواهد شد؛ بنابراین به صورت کلی ویژگی‌های مشترک قابل استخراج است:

- عدم در هم تنیدگی بنا یا بناها (برای مقابله با رطوبت بالای هوا)
- جدا کردن بنا از زمین (برای مقابله با رطوبت بالای خاک و برقراری کوران)
- چهار شیبی بودن بام با شیب زیاد برای هدایت باران‌های مداوم
- وجود یک تا چهار ایوان در نمای بیرونی بنا برای بهره‌مندی از باد موافق برای ایجاد جریان مطلوب هوا و مقابله با باد ناموافق
- ته‌ریزی مستطیل کامل یا نزدیک به مربع

پ - نواحی سرد و مرطوب شامل مناطق مرتفع کوهستانی البرز شمالی

پهنه کوهستانی مرطوب، در ارتفاع بالاتر از ۵۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته و دارای شیب نسبتاً زیادی از سمت جنوب به شمال و از غرب



تصویر شماره ۲۵ : پهنه کوهستانی مرطوب استان گیلان (طاهباز، جلیلیان، ۱۳۹۰)
 تصاویر شماره ۲۶ و ۲۷ : نمونه‌ای از خانه‌ها در مناطق کوهستانی مرطوب کم ارتفاع تر (کوهستان سیاهکل: نگارنده، ۱۳۹۲ و تالش: کتاب گیلان، ۱۳۸۰).



تصاویر شماره ۲۸ و ۲۹ : مجموعه خانگی در مناطق کوهستانی مرتفع تر (ارتفاعات ماسال: نگارنده، ۱۳۹۷ و رضوانشهر: کتاب گیلان، ۱۳۸۰).

- ساختمان بناهای یک طبقه (طاهباز، جلیلیان-۱۳۹۰)
- ویژگی‌های کلی بناها در این پهنه به شرح زیر است:
- خانه‌های درهم کشیده و جمع شده تر
- قرارگیری خانه روی زمین (بدون کرسی) یا قرارگیری درون زمین و تکیه دادن به شیب زمین و یا بنای دوطبقه و ایجاد عایق گرما توسط دام در همکف
- ته ریزی نزدیک به مربع
- میزان ایوان و فضای باز کمتر
- سقف با شیب کمتر نسبت به جلگه
- جلوگیری از ورود بادهای سرد به داخل مجموعه، از طریق احداث بافت فشرده و متراکم
- قرارگیری بناها در مجاورت یکدیگر
- جلوگیری از نفوذ هوای سرد زمستان به داخل بنا به وسیله احداث واسطه‌ای نظیر ایوان، میان اتاق و حیاط
- جنگل نشینان و دامدارانی که زندگی آنان علاوه بر جلگه‌ی پایین دست، به کوهستان بالادست نیز وابسته است، بخشی از زندگی خود را در محلی مابین این دو فضا بنا می‌کنند تا در وقت نیاز و به اقتضا به بالادست یا پایین دست بروند. در ارتفاعات عموماً تک بناهایی چند عملکردی ساده و تک عرصه‌ای به صورت کلبه وجود دارند که متناسب با امکانات موجود از چوب یا سنگ بنا می‌شوند و عمدتاً دارای بام دو شیبه و تخت کوب هستند.
- فضای باز تنها یک طرفه رو به جنوب با سه طرف بسته و یا گاهی با چهار جداره کاملاً بسته
- ت - نواحی سرد و نیمه خشک شامل مناطق مرتفع کوهستانی البرز جنوبی
- جداره‌ها بسته، حجم کوچک تر و تخلخل در حجم و نما نزدیک به صفر
- پهنه کوهستانی نیمه خشک دارای ارتفاعی بین ۳۰۰ تا کمی بیشتر از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا بوده و شامل شیب‌ها و دره‌های سمت جنوب ارتفاعات البرز است. در این پهنه در ایام گرم سال، چهار ماه با ایجاد سایه در روز می‌توان هوا را خنک نمود. در این ایام شب‌ها نسبتاً سرد است. در مجموع می‌توان گفت تابستان‌های این منطقه خنک است.
- در این پهنه، بارش باران کمتر از ششصد میلی‌متر در سال است.
- عدم دریافت باران زیاد، طراحی بام مسطح برای خشک کردن محصولات کشاورزی
- در سردترین ایام، در پنج تا شش ماه از سال روزها و در ده تا ۱۲ ماه از سال شب‌ها باید از وسایل گرماساز در داخل ساختمان استفاده نمود. در این ایام جریان باد با احساس سرما همراه است. در هفت ماه شب‌ها و ۳ ماه روزها احتمال وقوع فاکتور سرمای باد وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت این منطقه دارای زمستان‌های خیلی سرد است که از آبان تا اسفند ادامه دارد و استفاده از وسایل گرماساز را ضروری می‌سازد.



تصویر شماره ۲۵: پهنه کوهستان نیمه‌خشک استان گیلان (طاهباز، جلیلیان، ۱۳۹۰).

- محافظت از بخش زمستانی در ارتفاعات بالاتر، از طریق استقرار بخش دامی زیر بخش مسکونی در
- ساختمان‌های دو طبقه و در سمت شمال و گاه غرب ساختمان بناهای یک طبقه
- مصالح، فنون ساختمان، سازه، بام و جزییات دیگر نیز متناسب با پهنه‌های اقلیمی-معماری متغیر و در هر پهنه در روستاهای مختلف بسیار متنوع است، این دسته از ویژگی‌های معماری بومی گیلان در یادداشتی دیگر بررسی خواهد شد.

منابع

- احمدی، روح‌بخش، فلاح قوی‌بازو لیالستانی، گل زاد ننه کران، حسن بیگی، آذرهوش فتیده، استان شناسی گیلان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱.
- امیرانتخابی، شهرام، روش بهینه سطح‌بندی سکونتگاه‌های روستایی استان گیلان از نظر توسعه‌یافتگی، مطالعات و برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال دهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۴. صفحات ۲۹-۴۶.
- برومژه، کریستیان، گوشه‌گیر، علاءالدین (ترجمه)، مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان (مطالعات مردم‌شناسی). موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با همکاری استانداری گیلان. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۰.
- حسن‌پور لمر، سعید، گونه‌شناسی خانه‌های سنتی شهرستان تالش، نمونه‌موردی: روستای خاله سرا ۵۷، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۷، پاییز ۱۳۹۳. صفحات ۱۱۷-۱۳۱
- طاهباز، منصوره، جلیلیان، شهربانو، شاخصه‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵، پاییز ۱۳۹۰. صفحات ۲۳-۴۰.
- مرکز آمار گیلان
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان
- اداره کل هواشناسی گیلان

پایان بخش اول



تصاویر شماره ۳۰ تا ۳۴: نمونه‌ای از بافت خانگی در روستاهای نیمه‌خشک (روستای ماجلان). مأخذ: ایلنا.

چاخانه (چاهخانه)

مقدمه:

دانش بومی حاصل فرآیند یادگیری تجربه و آزمون و خطای چند هزارساله یک جامعه در ارتباط با محیط پیرامون خود است. بدیهی است که این دانش بیانگر کنش و واکنش گروه‌های جماعت بشری با طبیعت بوده و آینه تمام‌نمایی از ویژگی‌های اقلیمی و خصوصیات طبیعی گیاهی و جانوری یک منطقه و از آن مهم‌تر، روابط متقابل آن‌ها باهم و با گروه‌های انسانی را ارائه می‌دهد و با در اختیار داشتن این اطلاعات ارزشمند که در هیچ آزمایشگاه دیگری قابل حصول نیست، می‌توان از طبیعت و عرصه وسیع تنوع زیستی مطلع شد، روابط اجزای آن را پیش‌بینی کرد و هوشمندانه از نیروی نهفته در آن بهره برد، به نحوی که هم تعادل موجود حفظ شود و هم نیازهای جامعه انسانی ساکن در آن تأمین گردد. (امیری اردکانی و شاهولی، ۱۳۷۸).

دانش بومی، قابل دسترس، قابل فهم، کارآمد و ارزان است. این دانش، پویا بوده و طی زمان، آبدیده شده و در بطن محیط طبیعی برای هر جامعه‌ای یک ساختار اجتماعی شکل می‌دهد؛ و روی نظام کشاورزی، پزشکی کسب‌وکار و غیره تأثیر بسزایی دارد.

در مناطق خشک و نیمه‌خشک، شرایط کم‌آبی منجر به خلق سیستم‌های مدیریتی سنتی متناسب با ویژگی‌های محلی شده که به تدریج در طول نیم‌قرن اخیر سیستم‌های مدیریتی مبتنی بر دانش بومی جای خود را به سیستم‌های نوین مدیریتی دادند که در برخی موارد به دلیل عدم انطباق سیستم‌های نوین با شرایط اقلیمی و اجتماعی هر منطقه شاهد بروز مشکلات عدیده‌ای در زمینه‌ی مدیریت منابع آب‌و خاک هستیم. (بنی حبیب و غفوری خرائق، ۱۳۹۷)

در تاریخی نزدیک به هزار سال پیش با توجه به اقلیم و شرایط زیست‌محیطی شهر قزوین پیشینیان این شهر با کاشت درختانی چون پسته و بادام در پیرامون شهر، باغستان سنتی قزوین را شکل دادند. باغستانی که همچون کمربندی زمردین شهر قزوین را از گزند سیلاب‌های



معصومه طهران

کارشناسی ارشد، طراح‌ی شهری،
دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

فصلی، اثرات سوء بادهای مه و راز (دو جریان عمده باد گرم و سرد در منطقه) مصون داشته و محیط زنده و سبز در یک منطقه نیمه خشک را منجر شده است.

عناصر کالبدی و اجزای هویت ساز باغستان سنتی را می توان شامل چاخانه ها (چاخانه) و مرزبندی با جوی پشته ها، ادوات و وسایل خاص اندازه گیری حجم آب و حفر چاه، روش آبیاری و گونه های گیاهی دانست. (گمرکچی، ۱۳۹۹).

چاخانه (چاخانه) تنها بنای موجود در باغستان است که در هر محله از باغستان تقریباً یک یا دو عدد از آن مشاهده می شود. بنایی بسیار ساده آجری با شاخص های ویژه به لحاظ کاربری و تأمین نیازهای باغدار، باغستان که با اقلیم طبیعی منطقه نیز سازگار است.

باغستان قزوین:

«باغستان بسیار داشت؛ بی دیوار و خار و هیچ مانعی از دخول در باغات نبود».

این مطلب در سفرنامه ناصر خسرو در رابطه با شهر تاریخی قزوین آورده شده است. در این سفرنامه قزوین «شهری در میان باغ» توصیف شده است. از دسترسی های جنوبی و شرقی و غربی که به شهر قزوین نزدیک می شویم منظری سبز به استقبالمان می آید که با درختانی پراکنده از پسته، بادام، گردو، قیسی، درختچه های انگور و ... در دل کرت های منظمی پوشیده شده است. باغ ها (باغستان سنتی) اکنون بیش از ۲۵۰۰ هکتار وسعت دارد. طبق مستندات موجود باغستان در گذشته وسعتی بیش از این داشته و جبهه شمالی شهر را نیز در بر می گرفته است.

باغستان هزارساله میراثی ارزشمند از نیاکان و رفتارها و سنن ساکنین شهر در طول تاریخ است که نمایانگر تعامل انسان و طبیعت در شکل دهی به منظر بومی تاریخی یک شهر است. این مجموعه گران بها نمونه ای از کشاورزی سنتی پیشینیان است که تا امروز حفظ شده و در طول تاریخ نقش مهمی در اقتصاد شهر داشته است (طاهری و دیگران، ۱۳۹۹). به عبارت دقیق تر، باغستان به عنوان اساسی ترین عنصر اکوسیستم قزوین، رفتار انسان ها را در این منطقه شکل داده و هویت اجتماعی مردمان قزوین را نیز رقم زده است و به همین اعتبار در سال ۱۳۹۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید و در مسیر ثبت جهانی نیز قرار دارد.

باغستان از گذشته یکی از مراکز مهم کار و کوشش و اشتغال ساکنین شهر بود. البته در سال های اخیر نیز علی رغم ناملاIMITی های توسعه شهر همچنان به حیات خود ادامه داده و در زندگی اهالی شهر حضور دارد.

باغات بدون دیوار و حصار که حدود قطعات با مرز خاکی مشخص شده سهولت در رفت و آمد برای جانداران سبب شده که جانوران گوناگون در این منطقه به حیات خود ادامه دهند.

تقسیمات و نظام آبدی به باغستان طبق مستندات کتبی و شفاهی موجود بسیار دقیق و برنامه ریزی شده است و هنوز بر مبنای طوماری است که به مهر حمداله مستوفی انجام می شود.

تقسیم بندی باغات و نام گذاری آن ها نیز در این منطقه قابل تأمل است مجموعه ای باغات در کنار هم را پند یا فند می گویند برای هر فند توسط باغداران و مالکین یک دهخدا و باغبان در نظر گرفته می شود؛ که وظیفه آن ها مراقبت و درآوردن حقا به یا خرید آب برای باغات هست. همچنین مواظبت از محصولات باغات از دزد و حیوانات در زمان برداشت از وظایف دیگر دهخدا یا دخو است.

چاخانه (چاخانه):

در هر پند یا فند یک چاه آب کنده می شد در کنار این چاه یک اتاق آجری قرار دارد که به آن چاخانه یا چاخانه می گویند.

عملکرد چاخانه:

این اتاق عملکردهایی همسو با باغستان دارد. از جمله اینکه محل استراحت باغبان و دخو بوده محلی برای انبار تجهیزات باغبانی و همچنین فضایی برای پذیرایی باغبان هست. از پشت بام این بنا نیز برای خشک کردن محصولات می همچون قیسی و انگور استفاده می شود.

فرم پلانی اکثر چاخانه های (چاخانه) موجود در باغستان مربع مستطیل و شبیه به چهار تاقی است. بنای سرپوشیده با یک تاق گنبدی شکل که آرایه و تزئینات خاصی در آن دیده نمی شود. البته نمونه های نادری از چاخانه (چاخانه) نیز مشاهده شده که پلان آن فرم مدور دارد.

سقف این بنا تاقی با گوشه های لچکی است (احتمالاً گنبدی دوپوسته است) که در محدوده گوشه سازی این تاق معمولاً به صورت قطری روزنه هایی تعبیه شده که به آن سردخانه می گویند با توجه به جریان هوا در بالای تاق فضایی خنک را ایجاد کرده و محلی مناسب برای نگهداری غذا و خنک نگه داشتن آب در فصل تابستان است.

معماری چاخانه (چاخانه):

چاخانه ها (چاخانه) با جرزهایی عریض و ضخیم تقریباً به ابعادی حدود ۵ متر در ۸ متر هست. بنا تنها یک ورودی دارد که فاقد درب بوده و ارتفاع سقف بنا و درب ورودی آن نیز برای کنترل دمای محیط و نفوذ گرما و سرما به داخل بنا کوتاه تر از حد معمول است. البته در مواردی نشانه هایی در بخش درآگاهی مبنی بر قرارگیری درب مشاهده می شود.

جزئیات فضای داخلی بنا:

نور این اتاق در روز با یک یا چند روزنه در جداره و هورنوی روی تاق تأمین می شود. داخل بنا نیز طاقچه هایی در چهار طرف بنا برای نگهداری آذوقه و تجهیزات باغبانی تعبیه شده است. برای گرمایش بنا نیز شومینه ای در یک ضلع آن قرار گرفته است همچنین حفره ای نیز در وسط کف اتاق در حکم اجاق است که هیزمها بعد از سوختن و تبدیل شدن به زغال در



تصویر شماره ۲: چاخانه در دل باغستان سنتی قزوین.



تصویر شماره ۱: چاهخانه و باغستان سنتی شهر قزوین. مأخذ: عرفان دادخواه.



تصویر شماره ۴: آبدهی به باغستان. مأخذ: مهدی معتمدی.



تصویر شماره ۳: باغستان و شهر قزوین. مأخذ: عرفان دادخواه.



تصاویر شماره ۵ و ۶: محل قرارگیری چاه در کنار چاخانه (چاهخانه).



تصاویر شماره ۷ و ۸: یکی از چاهخانه‌های فعال. مأخذ: مه‌ری رحیم زاده.





تصاویر شماره ۹ و ۱۰: تاق بنا و جزئیات بخش لچکی تاق



تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲: بخش ورودی به چاخانه (چاهخانه) آثار و شواهدی در بخش درآگاهی.



تصویر شماره ۱۴: راه پله آجری دسترسی به بام.



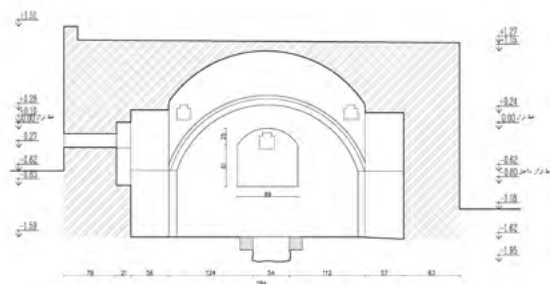
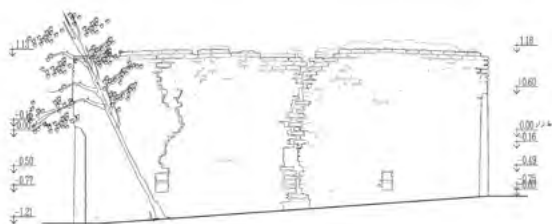
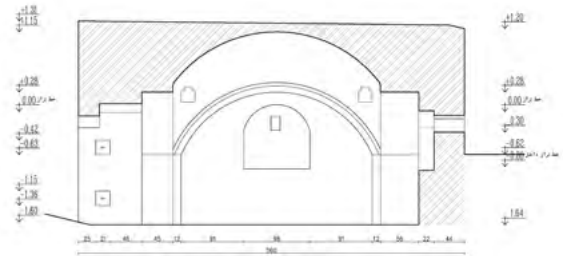
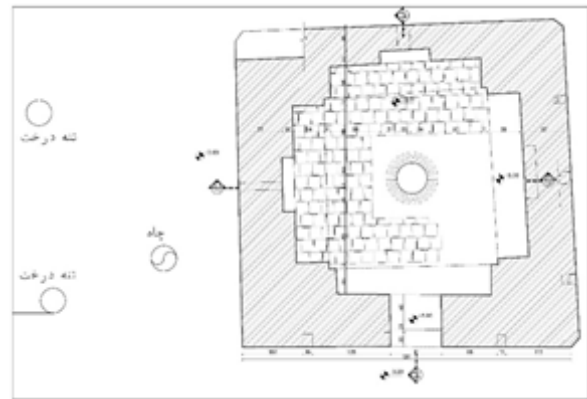
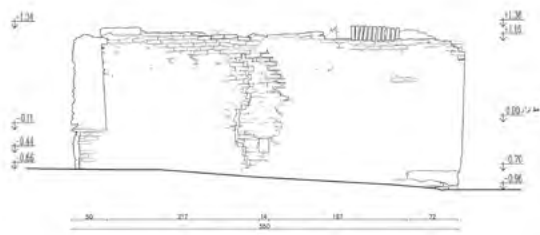
تصویر شماره ۱۳: تعبیه اجاقی در کف.



تصویر شماره ۱۶ : محوطه مجاور چاخانه (چاهخانه) برای تقسیمات محصولات.



تصویر شماره ۱۵ : چاخانه (چاهخانه) و درخت توت در مجاورت آن.



تصاویر شماره ۱۷ تا ۲۲ : نقشه‌های ترسیمی چاخانه (چاهخانه) محله لوطه.

شومینه به این حفره ریخته می‌شدند.

راه دسترسی به بام:

تنها راه دسترسی به بام راه‌پله‌های آجری آن است که در بیرون بنا تعبیه شده است. بام بنا نیز آجر فرش بود و برای جمع‌آوری آب‌های سطحی آن بسته به وسعت بنا یک یا دو ناودان سنگی قرار دارد.

وجه تسمیه بنا:

این بنا به واسطه چاهی که در کنار آن قرار داشته به چاهخانه یا چاهخانه شهرت دارد عمق این چاه بیش از ۴۰ متر بوده و به جز ۳ یا ۴ مورد در حال حاضر همگی خشک شده‌اند. در گذشته به کمک طناب و چرخ چاه از چاه آب برداشت می‌کردند. در کنار این چاه نیز معمولاً یک یا چند اصله درخت توت و نارون چتری برای استفاده عموم کاشته می‌شده است. نام چاهخانه‌ها (چاهخانه) نیز به نام آن محله یا نام سازنده آن شهرت داشته است. در بعضی از فندها یک یا چند باغ وقفی قرار دارد که در مجاورت چاهخانه (چاهخانه) است و مقرر بود که محصول سالیانه این باغ‌ها صرف امور مرمت و نگهداری چاهخانه (چاهخانه) گردد.

محوطه‌ای نیز در کنار چاهخانه (چاهخانه) برای تقسیم محصولات و رسیدگی به این امور در فصل برداشت قرار دارد. با توجه به وسعت محله وسعت این فضا نیز تغییر می‌کند. همچنین از این محوطه برای خشک کردن محصولات باغستان همچون انگور و قیسی ... نیز استفاده می‌شده است.

وضعیت موجود چاهخانه‌ها:

از حدود ۳۰۰-۴۰۰ چاهخانه (چاهخانه) ای که در باغستان سنتی قزوین قرار داشته امروزه کمتر از یک‌دهم آن باقی‌مانده است، مابقی به‌طور کامل تخریب شده و یا نیمه ویران است. با توجه به شرایط کنونی و توسعه بی‌رویه شهر و خورده شدن باغستان توسط شهر و شهرنشینی چاهخانه‌های (چاهخانه) موجود نیز در معرض خطر نابودی و تخریب قرار دارد.

منابع

- امیری اردکانی، محمد و شاهولی، منصور، ۱۳۷. مبانی و مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۳۴.

- بنی حبیب، م. ا. و س. غفوری خرائق، ۱۳۹۷. ارزیابی ویژگی‌های حکمرانی سنتی آبخوان با استفاده از اصول حکمرانی مؤثر آب زیرزمینی، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۱۶۹-۱۳۳.

- پرونده ثبتی چاه خانه‌های باغستان سنتی شهر قزوین، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری استان قزوین، ۱۳۹۰. سازمان باغستان سنتی شهرداری قزوین ۱۳۹۷ گزارش عملکرد سازمان باغستان‌ها. ۴۹.

- گمرکچی، افشین یوسف، ۱۳۹۹، نگرشی بر عناصر هویت‌بخش باغستان سنتی شهر قزوین از منظر میراث کشاورزی، مجله علمی سامانه‌های سطوح آبیگر باران. صفحه ۲۳-۱۳.

- صالحی، طاهره و ضرابی، محمدمهدی و آل هاشمی، آیدا، ۱۳۹۹. به دنبال زندگی امروز در باغستان سنتی قزوین تحلیل طرح پارک ملاخلیل، مجله منظر شماره ۱۲، ۵۰۶۹.

- گمرکچی، افشین یوسف، ۱۳۹۶. تحلیل و برآورد نیاز آبی باغستان سنتی شهر قزوین با استفاده از قابلیت‌های سنجش‌ازدور و الگوریتم سبال، گزارش نهایی موسسه تحقیقات فنی و مهندسی کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ۳۹ صفحه.

- نعیمی، ا.، ر. رضائی و ک. موسی پور، ۱۳۹۷. میراث کشاورزی: راهبرد تحقق پایداری محیط زیستی در مناطق گردشگری روستایی مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی باغملک و ایذه استان خوزستان، فصلنامه علمی پژوهشی، آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، ۲۲-۹.

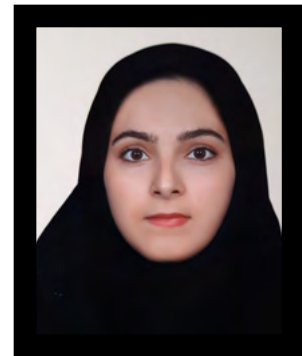
معماری بومی روستای لات (سیاه مشته)

مقدمه:

روستای «لات» (سیاه مشته) هشتاد سال قدمت دارد. روستای لات از ابتدای شکل‌گیری از چهار خانوار تشکیل شده و امروزه حدوداً ۳۰ خانوار بومی و ۱۰ خانوار غیربومی (زمین خریداری‌شده یا ویلای تفریحی) ساکن دارد. شغل اکثر مردم این روستا دامداری، پرورش مرکبات، پرورش ماهی و طیور است. سرپل لات به معنی روستای تشکیل‌شده در بستر رودخانه است. رشد و ترقی این روستا از اواخر سال ۱۳۸۵ با همیاری مردم و شورای اسلامی این روستا آغاز شد و ابتدا جاده‌های دستی و خاکی از این روستا تا روستای هم‌جوار، دینار سرا که حدوداً یک و نیم کیلومتر فاصله دارد احداث شد. از اواخر این سال با کوشش‌های فراوان ابتدا تلفن منطقه، برق و گاز روستا تأمین شد. این روستا دارای مساحتی حدودی ۱۰ هکتار زمین مسطح محصورشده در جنگلی سرسبز و پوشیده از درختان بلند راش، تسکا، ممرز و خرمندیس است که بهشتی را در خورد جای داده است. سؤال اصلی اینجاست که چرا روستایی با چنین فضایی و قرار گرفته در دل طبیعت با پتانسیل‌های بسیار که از گذشته مردم بومی منطقه از هر جزء این منطقه برای رفاه و حیات خود بهره می‌برده‌اند در حال نابودی است؟ چرا امروزه نسبت به معماری گذشتگان که با تکیه بر دانش بومی شکل گرفته بی‌تفاوت هستند و اهمیت این معماری در روستا حفظ نشده است؟ چرا از الگوهای زیبا و منحصر به فرد آن در طراحی خانه‌های امروزی استفاده نمی‌شود؟ با وجودی که پس از سال‌ها هنوز خانه‌های قدیمی این منطقه استوار و محکم پابرجا مانده‌اند و با بناها امروزی در حال رقابت‌اند.

معماری بومی روستا:

ابتدا برای ساخت بنا محل ساخت را پی‌کنی می‌کرده‌اند و سپس با استفاده از سنگ‌های بزرگ که از رودخانه‌ای در فاصله ۵۰ متری از این خانه‌ها واقع شده پی بنا را احداث می‌شده است. سازه اصلی بناهای قدیمی از جنس چوب بوده است که اکثر آنان از چوب‌های شبخوش، کرات، لک، ممرز، ملج و شمشاد است؛ زیرا این نوع چوب‌ها در دسترس بوده‌اند



زهرا نوتج

دانشجوی دوره کارشناس ارشد، معماری،
دانشگاه شفق تنکابن

و از باکیفیت‌ترین چوب‌ها در ساختمان‌سازی بوده‌اند. اکثر بناها به صورت زگامه‌ای و دارورچین ساخته می‌شده‌اند، پس از اتمام ساخت سازه بنا آن را گل‌کاری می‌کرده‌اند که اندود آن از ترکیب گل، کاه و آب بوده است و برای روکاری، بقول خود مردم این منطقه گل‌هاوردن استفاده می‌کردند که از ترکیب چوب خاکه و گل رس و آب به دست می‌آید که به صورت مایع است و کار رنگ و روغن در آلان را می‌کند و نمایی شکیل‌تر را ایجاد می‌کند. بام بناها در گذشته به صورت لت‌سر بوده که با سنگ‌هایی با اندازه متوسط روی سقف اجرا می‌شده است. سال‌های اخیر برای در امان ماندن از نفوذ باران‌های متوالی بام بناها با حلب‌های گالوانیزه پوشش داده شده است. نحوه اتصال چوب‌ها به هم از ابتدا میخ بوده و یکسری از تزئینات مانند نرده‌ها و بقول خود مردم دستک‌ها که برای قرار دادن کفش‌ها که معمولاً به ستون‌ها وصل می‌شده، به صورت چفت‌وبست بوده که به گونه‌ای برش می‌داده‌اند که در داخل هم به صورت پازل قرار می‌گرفته‌اند.

نمونه‌ای از گویش‌های محلی مردم روستا:

آبشکه (پنجره)، زلفین (کلید)، سردی (نردبان)، ایوون (ایوان)، غلام گرد (تلار)، بوم (بام)، لمپا (چراغ)، کلم (طویل)، ایوون نال (چوبی که روی کرسی زیرستون بکار می‌رود)، پره (سقف)، پره سر (بالای سقف)، تخته لت (تخته چوبی برای پوشش سقف)، تاق سر (بالای تاقچه)، لت سر (یک نوع پوشش سقف رایج روستا)، بوم‌دار (تیرچوبی)، گالدیم (پیمانه اندازه‌گیری شیر)، گالیش (چوپان)، گالیش لاک (ظرف بزرگ چوبی برای خوردن غذا چوپان)، کچه (قاشق چوبی)، شولا (کیسه خواب نمدی چوپان)، کلیر (کت نمدی چوپان)، نال (نعل اسب)، گو (گاو) و رزا (گاو نر)، تلم (گاو ماده)، دمچ (گوساله)، دمچ کرس (اتاقک گوساله)، کرکه (اتاقک ماست‌بندی)، دوشون (ظرف بزرگ سفالی برای گرفتن کره و دوغ)، دو (دوغ)، دُونفار (تختی چوبی برای چکیده کردن دوغ)، پیر (طناب بستن گوساله به گاو)، مرس (ظرف شیر)، تش (آتش)، چال (چاله)، تش کله چال (آتشدان)، کله (کوزه کوچک سفالی برای ماست‌بندی) این گویش به کار برده معمولاً همه‌روزه از آن استفاده می‌شده و امروزه هم در نسل جدیدتر رایج است و با آن آشنایی کامل دارند.

معرفی برخی بناهای روستا:

بنای شماره یک:

مساحت کل بنا ۱۲۲ مترمربع است و قدمتی حدوداً ۶۸ سال دارد. سه نسل از پدر بزرگ، فرزند و نوه‌هایشان در این بنا زندگی کرده‌اند. اسکلت اصلی این بنا چوب و گل بوده و هر ساله با گل سفید مرمت و بتونه‌کاری می‌شود. متأسفانه امروزه این بنا به دست وراثت رسیده و از مراقب‌های آن شانه خالی کرده‌اند و بنای مذکور در حال تخریب است. این ساختمان دارای زیبایی و ابهتی خاص در عین سادگی است و با آن تراس‌های سرتاسری و بزرگش جلوه‌گر مهمان‌نوازی و زیبایی در عین سادگی است. طبقه همکف

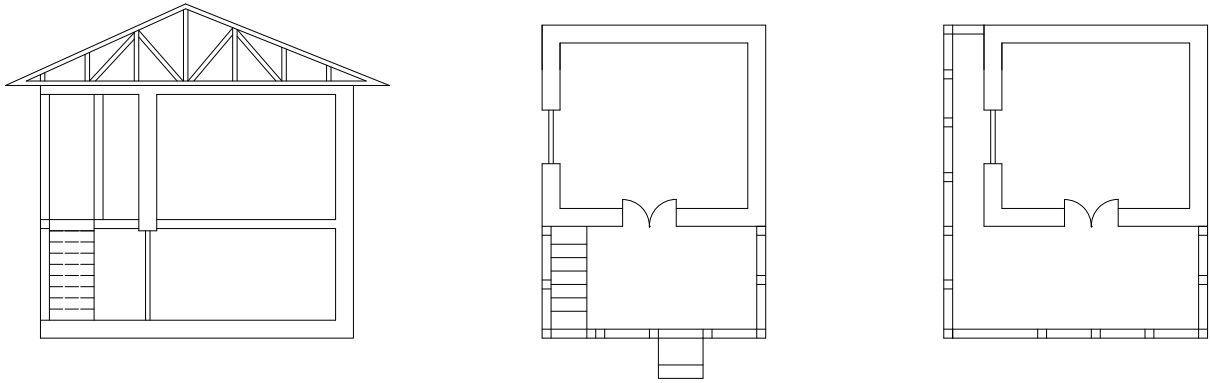
یک اتاق برای جمع شدن اعضاء خانواده بوده که تمامی کارهای خود از قبیل غذا خوردن و نشست‌های خانوادگی در آن صورت می‌گرفته است. اتاق بعدی آشپزخانه‌ای بزرگ و با پله‌ای چوبی است که روی ایوان و در نمای روبرو قرار دارد که با شیب زیاد دوطبقه را به هم متصل می‌سازد. همچنین بنا یک تراس بزرگ دارد که در گذشته از آن به‌عنوان فضایی برای شب‌نشینی، غذاخوری و پذیرایی مهمانان استفاده می‌شده است و اکثراً در شب‌های تابستان به دلیل نسیم خنکی که از سمت رودخانه به آن می‌خورده برای خوابیدن مورد استفاده قرار می‌گرفته است. دو اتاق بالا یکی برای مهمان‌های ویژه و دیگری نیز برای جمع کردن رخت خواب و لباس‌ها بوده است. در این بنا همه لوازم و مصالح به‌صورت دست‌ساز بوده و از خود روستا تهیه شده است و همین دلیل این بنا را شکیل و زیبا ساخته است و به سادگی در نظرها می‌نشیند.

بنای شماره دو:

مساحت کل آن ۱۲۰ مترمربع است و جزء اولین بناهای ساخته شده در روستا است که شش نسل در این بنا زندگی کرده‌اند و امروزه نیز در این بنا سکونت جریان دارد. به دلیل بارش‌های فراوان پوشش سقف را از لت سر را به ورق‌های حلب تغییر داده‌اند تا از رطوبت در امان بماند اما این کافی نبوده زیرا در طول ۸۰-۸۵ سال گذشته که از عمر این بنا می‌گذرد مواد و مصالح آن عمر مفید خود و مقاومت‌های لازم را از دست داده و رو به ویرانی است. این بنا سه اتاق دارد؛ یکی در طبقه اول که اتاق مهمان است و یک غلام گرد (تلار) و یکی از معروف‌ترین تراس‌های این روستا است که مهمانی‌های فراوانی را به چشم دیده است. به دلیل مُشرف بودن به رودخانه و آب‌هوایی فوق‌العاده روستا اکثراً تمایل داشته‌اند آنجا بنشینند و از منظره و آب‌وهوا لذت ببرند. طبقه همکف دو اتاق دارد یک آشپزخانه کوچک که طاقچه‌های زیبا برای قرارگیری گله (کوزه کوچک ماست) دارد. اتاق کناری اتاق پذیرایی بوده و امروزه هم به همین منظور مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایوان (ایوون) نیز یک آتشدان (آتش کله چال) وجود داشت که نان و غذاهایشان در اینجا طبخ می‌شد.

بنای شماره سه:

این بنا که مساحت کل آن ۷۵ مترمربع است. بنای آن ارسال ۱۳۳۲ ساخته شده و سه نسل در آن سکونت داشته‌اند که امروزه به دست وارث افتاده و به شکل کاملاً بی‌رحمانه‌ای روبه ویرانی است و از آن به‌عنوان اتاق گوساله (دمچ کرس) استفاده می‌شود. در حال حاضر مقاومت بنا بسیار کم شده و با کوچک‌ترین حرکتی می‌لرزد و طبقه بالا بنا ظرفیت عبور حتی یک نفر را ندارد. این ساختمان دارای دو اتاق برای استفاده خود افراد خانه و یکی از کوچک‌ترین بناهای دوطبقه روستاست؛ و دارای تلار (غلامگرد) است. این بنا جدا از اندازه کوچکش زیبایی خاصی دارد و در آن از تزئینات بیشتری استفاده شده است.



تصاویر شماره ۱ تا ۳: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره یک.



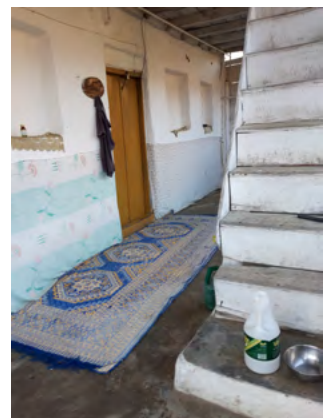
تصویر شماره ۴: نمای بنای شماره یک.



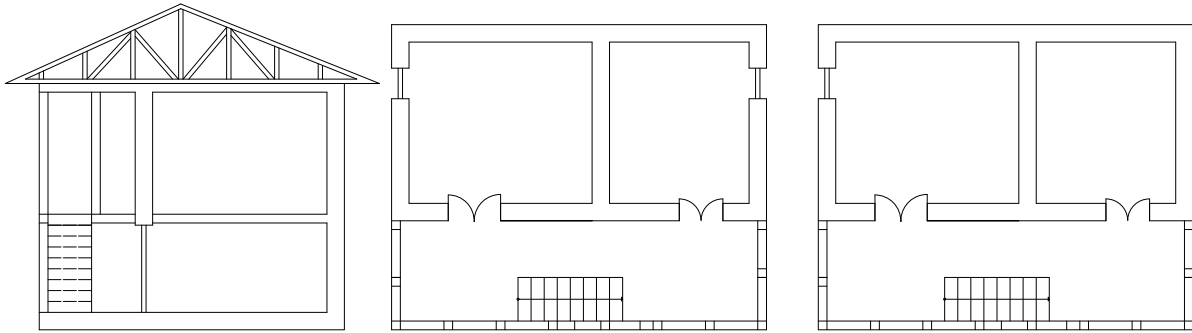
تصویر شماره ۷: فرم پنجره‌ها در بنای شماره یک در طبقه اول و قرار گیری آن در زاویه نورگیری.



تصویر شماره ۶: نمای خارجی بنای شماره یک که دیوار خارجی آن با گل آلود شده



تصویر شماره ۵: تصویر پله چوبی و تکرار ناچچه‌ها روی دیوار ایوان بنای شماره یک.



تصاویر شماره ۸ تا ۱۰: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره دو.



تصویر شماره ۱۳: سکونت در قدیمی‌ترین بنای این روستا.



تصویر شماره ۱۲: اندود نمای بنای شماره دو.



تصویر شماره ۱۱: نمای بنای شماره دو و ب کارگیری چوب به عنوان سازه اصلی.



تصویر شماره ۱۶: توده‌ها و ستون‌های چوبی و اتصال آن‌ها به هم در بنای شماره دو.



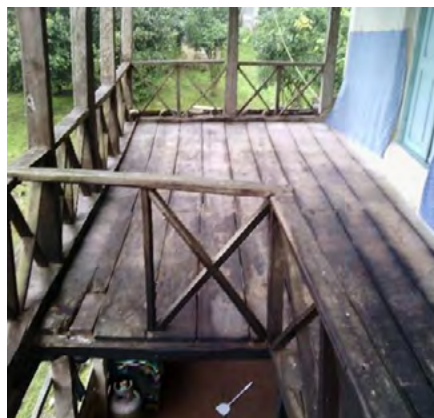
تصویر شماره ۱۵: توده‌ها و پله چوبی دست‌ساز.



تصویر شماره ۱۴: در این تصویرسازی داروچین بنا قابل رویت است.



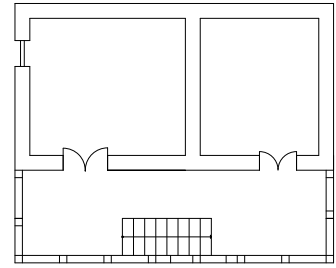
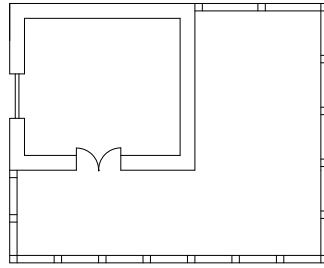
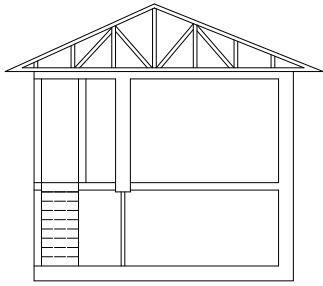
تصویر شماره ۱۹: دور نمای بنای شماره دو و فاصله اش تا رودخانه.



تصویر شماره ۱۸: تراس بزرگ مهمان نشین (تلاز).



تصویر شماره ۱۷: دستگیره دست ساز.



تصاویر شماره ۲۰ تا ۲۲: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره سه.



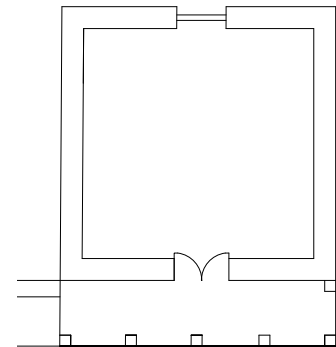
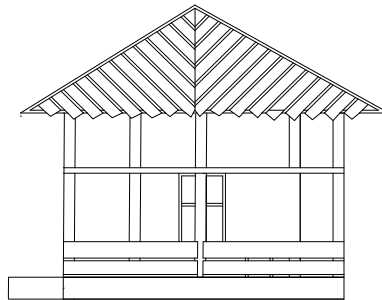
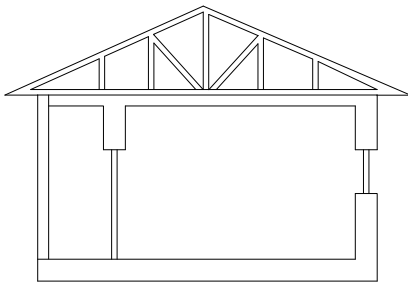
تصویر شماره ۲۵: کنسول کوچک بنا که در حال نابودی است.



تصویر شماره ۲۴: اندود بنا که با مراقبت نکردن صاحبان در حال نابودی است.



تصویر شماره ۲۳: نمای بنای شماره سه.



تصاویر شماره ۲۶ تا ۲۸: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره چهار.



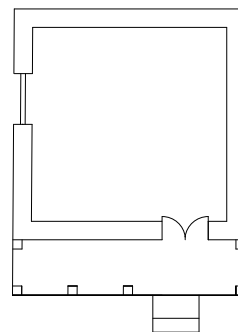
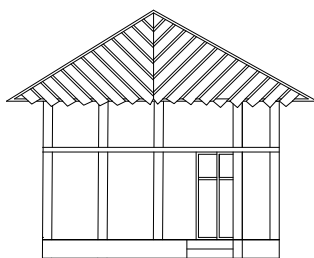
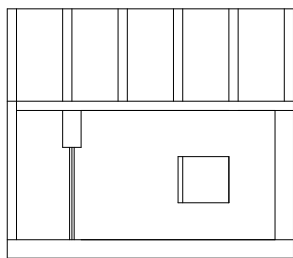
تصویر شماره ۳۱: ریزش اندود بنا که با رها کردن صاحب بنا به این شکل درآمده است.



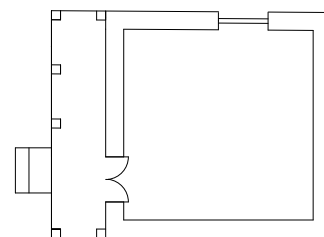
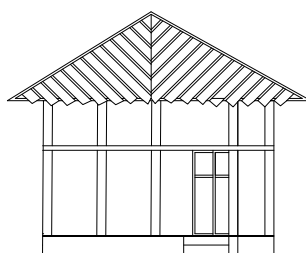
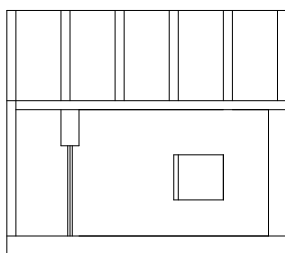
تصویر شماره ۳۰: سازه زگامه‌ای بنای شماره چهار.



تصویر شماره ۲۹: نمای بنای شماره چهار.



تصاویر شماره ۳۲ تا ۳۴: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره پنج.



تصاویر شماره ۳۵ تا ۳۷: نقشه‌های ترسیمی بنای شماره پنج.



تصویر شماره ۲۹: تصویر بنای شماره شش.



تصویر شماره ۳۸: تصویر به جا مانده از بنای شماره پنج.

بنای شماره شش:

قدمت این بنا ۷۰ سال است و تنها شامل یک اتاق با دری کم ارتفاع بدون پنجره است. جداره بنا به صورت زگامه‌ای و از جنس چوب است و با گل اندود شده و امروزه این بنا به عنوان انبار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بناهای فراوانی در این روستا وجود داشته است که بسیار کامل‌تر و دارای جزئیات بیش‌تری بوده‌اند اما با تغییر زندگی و عدم مراقبت و نگهداری از آن‌ها تخریب شده و هیچ اثری از آن‌ها باقی نمانده است. هدف از انجام پژوهش فوق ثبت و مستندنگاری بناهای باقی‌مانده بوده است. امید است که مردم بومی در حفظ و نگهداری این بناها کوشا باشند.

بنای شماره چهار:

مساحت این بنا ۳۱ مترمربع و یک طبقه است. یک اتاق و یک تراس کوچک دارد و جداره‌های آن چوبی و نوع ساخت آن زگامه‌ای است. این بنا حدوداً ۶۰ سال قدمت دارد و دو نسل در آن زندگی کرده‌اند و در حدود ۱۵ سال است که از این بنا نقل‌مکان کرده و در حال حاضر در حال تخریب است.

بنای شماره پنج:

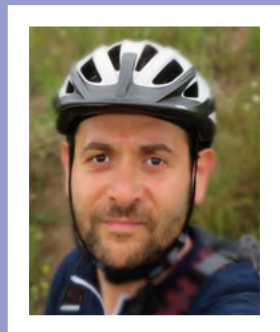
این بنا ۳۱ مترمربع مساحت دارد و دو نسل در آن زندگی کرده‌اند و قدمت آن ۵۲ سال است. امروزه به دلیل فروش به افراد دیگر این بنا بازسازی شده و ساختار اصلی آن زیر تن مصالح بنایی امروزی مدفون شده و به فراموشی سپرده است.

گونه‌شناسی سردر خانه‌های قدیمی محل جلفا اصفهان

گونه‌شناسی، دسته‌بندی نمونه‌ها بر اساس معیارهای مشترک است. حال این معیارها ممکن است فرمی و یا مرتبط با عملکرد فضاهای معماری ابنیه باشد. در فرآیند گونه‌شناسانه، با بررسی مجموعه خصوصیات مورفولوژی یا شکلی و فضایی بناها و یافتن وجوه اشتراک آنان، ابنیه دسته‌بندی می‌شوند (خمیری و دیگران، ۱۳۹۶). در این مقاله به منظور شناخت و درک ظرایف به‌کاررفته در ساخت سردرها، به دسته‌بندی و بررسی فرمی آن‌ها در خانه‌های قدیمی محل جلفا اصفهان پرداخته می‌شود.

روش تحقیق:

در تابستان سال ۱۳۹۱ در مسافرتی به اصفهان اقدام به عکاسی سردر خانه‌های قدیمی محل جلفای اصفهان نمودم. متأسفانه نشانی سردرهای عکاسی شده را یادداشت نکردم. بلافاصله پس از بازگشت از سفر، تصویرها را به سه دسته سردر با درب قدیمی اصلی، سردر با درب فلزی و سردر با درب بازسازی‌شده تقسیم نمودم. با رجوع دوباره به عکس‌ها، برای نوشتن این مقاله، تقسیم‌بندی اولیه را به‌هم‌ریخته و دسته‌بندی جدیدی صرفاً بر مبنای شکل ظاهری سردرها به وجود آوردم و سپس زیرشاخه ماده ساخت را نیز به آن‌ها اضافه نمودم. هدف از این تحقیق، بررسی و درک ارتباط بین اجزای تشکیل‌دهنده سردر به‌عنوان یک عنصر معماری مستقل، بدون در نظر گرفتن تاریخ ساخت آن‌ها است. نکته قابل‌توجه این است که جامعه آماری این تحقیق محدود به عکس‌های گرفته‌شده توسط نگارنده در تابستان ۱۳۹۱ و منطقه جلفا اصفهان است؛ بنابراین به دست آوردن هرگونه نتیجه‌گیری قطعی منوط به جمع‌آوری اطلاعات کامل‌تر و بررسی جامعه آماری بزرگ‌تری است. نکته دیگر اینکه استفاده از فرم‌های نیم‌گرد و فرنگی سازی در طاق‌ها از اواسط دوره قاجار رواج یافت ولی تا زمانی که تحقیق تاریخی جامعی صورت نگیرد نمی‌توان ادعا کرد که کلیه طاق‌های نیم‌گرد در زمان قاجار ساخته شده‌اند مخصوصاً در منطقه جلفا اصفهان که فرم نیم‌دایره برای آرامنه ناآشنا نبوده و استفاده از آن در معماری سنتی ارمنستان از پیشینه‌ای طولانی برخوردار است. در مورد گونه‌شناسی خانه‌های دوره قاجار در اصفهان، دکتر مریم قاسمی سیچانی و دکتر غلامحسین معماریان مقاله‌ای منتشر کرده‌اند (سیچانی و معماریان، ۱۳۸۹) ولی تحقیق جامعی صرفاً در مورد گونه‌شناسی سردرهای خانه‌های جلفای اصفهان صورت نگرفته است.



آندره ماروتی

دکتری حفاظت میراث معماری،

دانشگاه پلی تکنیک میلان

مقاله



تصویر شماره ۱: جلوخان فضایی است در جلوی پیش طاق بعضی از بناهای مهم که برای اهمیت بخشیدن به فضای ورودی بنا و تمایز بهتر آن از معبر یا میدان ساخته می‌شود.

در شروع مقاله و پیش از پرداختن به طبقه‌بندی و مطالعه جامعه آماری انتخاب‌شده، اجزای تشکیل‌دهنده سردرهای ایرانی را برشمرده و قسمت‌های موردنیاز برای سهولت تبادل اطلاعات بین نگارنده و خواننده این مقاله را مشخص می‌نمایم.

اجزای تشکیل‌دهنده ورودی:

ورودی یکی از عناصر مهم بنا است. در گذشته سردر ورودی نسبت به سایر اجزا خانه، از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده، زیرا علاوه بر این‌که به‌عنوان یک عنصر رابط بین برون و درون خانه محسوب می‌شده، از لحاظ زیبایی بصری نیز شاخصی برای تشخیص ارزش هویت و معماری هر ساختمان بوده است. علاوه بر این، تنها مکانی که نشان‌دهنده اعتقادات، باورها و سنت‌های گذشته مردم بوده، سردر منازل است (محمدی و رجبی، ۱۳۸۹).

جلوخان: فضایی وسیع و بزرگ است که در جلوی پیش طاق بعضی از بناهای مهم و بزرگ طراحی و ساخته می‌شده است. یکی از اهداف جلوخان، اهمیت بخشیدن به فضای ورودی بنا و تمایز بهتر آن از فضای معبر یا میدان بوده است (نیلفروشان، ۱۳۸۱). استفاده از جلوخان برای خانه‌های اعیانی در زمان قاجار متداول بوده است (تصویر شماره یک).

سردر: کمابیش می‌توان گفت که معمولاً سطح سردر هر فضای ورودی مزین‌ترین سطح از نمای خارجی هر بنا بوده است (نیلفروشان، ۱۳۸۱). سردر ورودی خانه‌های تاریخی یک فضای اتصالی-انتقالی است که معبر را به درون خانه متصل می‌نماید. دیوار خانه به نحوی دو طرف در ورودی را در بر می‌گیرد که فرد در حال انتظار می‌تواند از جریان تردد اصلی درون کوچه کناره گیرد. سایه مختصری ایجاد شود و باران و برف در مقابل در ورودی بر سر مراجعه‌کنندگان فرود نیاید (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸). با توجه به درون‌گرا بودن الگوی رایج معماری خانه‌های تاریخی اصفهان،

سردر تنها قسمتی از بناست که تزئینات آن برای شخص عابری که هیچ وابستگی به ساکنین خانه ندارد قابل مشاهده است. معمولاً سر در بلندتر از دیوار خانه بوده و کمی بیرون زده تر از سطح دیوار است (تصویر شماره دو).

پیش طاق: فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز مانند ایوان است که در جلوی درگاه ورودی طراحی و ساخته شده و فضای دسترسی را از فضای معبر متمایز می‌نماید. در بسیاری از موارد در کنار هر یک از دو بنده پیش طاق یک سکو می‌ساختند (سلطان‌زاده ۱۳۷۳). در تصویر سوم پیش طاق با رنگ زرد مشخص شده است (تصویر شماره سه).



تصویر شماره ۲: سردر هر فضای ورودی مزین‌ترین سطح از نمای خارجی بنا بوده و معمولاً بلندتر و کمی بیرون زده تر از دیوار ساخته می‌شود.



تصویر شماره ۳: پیش طاق (مشخص شده با رنگ زرد) فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز مانند ایوان است که فضای دسترسی را از فضای معبر متمایز می‌نماید.

قرار گرفته (مشخص شده با رنگ آبی در تصویر چهارم) برای سهولت، از این به بعد این قسمت را «طاق» خواهیم نامید. خود سردر و طاق را به سه قسمت پی، ساقه و پیشانی تقسیم کرده و شش فضای مجزا برای بررسی به وجود آورده‌ام. به‌عنوان مثال در تصویر چهارم «پی سردر» آجری، «ساقه سردر» دارای دو قاب کاه‌گلی مستطیل شکل، «پیشانی سردر» دارای دو ردیف تزیین آجری، «پی طاق» دارای دو سکوی کوچک آجری، «ساقه طاق» بدون تزیین و «پیشانی طاق» با طاق آهنگ جناغی کم‌عمقی پوشیده شده و توسط دو باریکه طاق به سطح چهارچوب درب می‌رسد و تاسه‌ها با سه‌کنج پرشده‌اند (تصویر شماره چهار).

انواع تقسیم‌بندی‌ها:

- شکل سردر
 - سه بخش
 - مربعی
 - مستطیلی
- شکل طاق
 - جناغی (تیزه دار)
 - نیم‌گرد (مازه دار)
- میزان استفاده از آجر
 - تمام آجری

حدود یک و نیم متر نیز می‌رسیده است (سلطان‌زاده ۱۳۷۳).
در: در ورودی یکی از عناصر مهم فضای ورودی به شمار می‌آید که کارکردهای اصلی آن کنترل ارتباط میان فضای درونی بنا و فضای بیرونی آن است (نیلفروشان، ۱۳۸۱).

مصالح عمده خانه‌های اصفهان خشت است و حضور آجر به علت گرانی و سختی تهیه بسیار کم‌رنگ است (سیجانی و معاریان، ۱۳۸۹). بنابراین بدون در نظر گرفتن شکل کلی سردر، ماده ساختمانی بکار رفته در ساخت آن می‌تواند بیانگر استطاعت مالی صاحب‌خانه باشد. شکل یکسانی از سردر ممکن است با کاه‌گل، آجر و یا سنگ مرمر ساخته شود. در تصویر اول، سردرهای شماره یک و دو شکل کلی یکسانی دارند در صورتی که ماده ساختمانی بکار رفته در سردر شماره یک خشت و کاه‌گل است و هیچ عنصر آجری و یا سنگی در ساخت آن به کار نرفته است. سردر شماره دو تماماً با سنگ مرمر ساخته شده و سردر شماره سه دارای پیشانی آجری، ساقه خشتی سفیدکاری شده و پی سنگی است (تصویر شماره یک).

در این مقاله، به‌منظور وضوح بیشتر، نمای سردرها را به دو قسمت اصلی تقسیم می‌نمایم: ۱- سطح بیرونی سردر، قسمتی که تقریباً هم‌سطح دیوار خارجی بنا یا کمی پیش‌آمده‌تر از آن است (مشخص شده با رنگ قرمز در تصویر چهارم) برای سهولت، از این به بعد این قسمت را «سردر» خواهیم نامید. ۲- پیش طاق و فضای انتقال از سردر به سطحی که چارچوب درب



تصویر شماره ۴: در این مقاله به منظور سهولت، قسمت مشخص شده توسط رنگ قرمز را «سردر» و قسمت مشخص شده توسط رنگ آبی را «طاق» نامیده و هر کدام از آن‌ها را به سه قسمت «پی»، «ساقه» و «پیشانی» تقسیم نموده‌ام.

یک سردری خشتی بوده و تنها قسمتی که با آجر ساخته شده پی و سکوها می‌باشند. چهارعنصر عمودی دارای تزئینی گلدانی شکل بوده و دو مستطیل کناری دارای تزئینی ساده در بالاترین قسمت می‌باشند. تصویر شماره دو سردری بازسازی شده است که چهارعنصر عمودی، عنصر افقی و چغد طاق‌های آن با آجر پوشانده شده‌اند. دو طاق مازه دار درون مستطیل‌های کناری کمی بالاتر از چارچوب درب قرار گرفته و قسمت بالای آن‌ها بدون تزئین است. پی و سکوها سنگی می‌باشند. در تصویر شماره سه چهارعنصر عمودی سفیدکاری شده و مشخص‌تر از قسمت افقی پیشانی سردر می‌باشند. خود پیشانی بدون تزئین بوده اما با خطی افقی که کمی بالاتر از پاکار طاق اصلی قرار گرفته، به دو قسمت تقسیم شده‌اند. به این ترتیب دو مستطیل و دو مربع به وجود آورده‌اند. مستطیل‌ها دارای یک طاق ساده مازه دار بوده و مربع‌ها تزئینی چلیپا شکل دارند. پی و سکوها سنگی می‌باشند. تصویر شماره چهار شباهت زیادی به تصویر شماره سه دارد با این تفاوت که مربع‌های دو طرف فاقد تزئین بوده و سکوها و پی آجری می‌باشند. پیشانی سردر دارای دو ردیف تزئین آجری است. تصویر شماره پنج ساده‌ترین نوع سردر سه بخش است که دارای کمترین تزئینات

- سردر آجری
- پیشانی سردر آجری
- بدون آجر

تقسیم‌بندی از لحاظ شکل سردر:

مبنای این تقسیم‌بندی شکل کلی سردر است. در مقایسه با دیوار خارجی ساختمان، سردر کمی بیرون‌زدگی دارد. شکلی که این بیرون‌زدگی ایجاد می‌کند ممکن است مستطیلی با طول موازی با سطح زمین باشد، مربع شکل باشد یا به صورت مستطیلی با عرض موازی با سطح زمین باشد. در زیر این سه نوع سردر را مورد مطالعه بیشتر قرار می‌دهم.

سه بخش: سردرهایی که در این دسته قرار می‌گیرند به صورت مستطیلی هستند که طول آن‌ها با زمین موازی است. معمولاً به سه قسمت تقسیم می‌شوند. قسمت مرکزی که بزرگ‌تر بوده و شامل طاق و درگاه ورودی است. دو بخش کناری کاربرد ساختمانی نداشته و صرفاً برای زیبایی و رسیدن به تناسبی چشم‌نوازتر ساخته شده‌اند. این نوع سردرها دارای چهارعنصر عمودی و یک عنصر افقی در بالاترین قسمت سردر می‌باشند. در زیر به بررسی دقیق‌تر سردرهای تصویر پنجم می‌پردازم. تصویر شماره

مانند تصویرهای سه و چهار با یک عنصر افقی به دو قسمت تقسیم شده و قسمت‌های پایین دارای دو طاق مازه دار می‌باشند.
مربعی: شکل کلی این سردرها مربع است و مانند سردرهای قسمت اول اجزایی جداگانه در دو طرف سردر ندارند. معمولاً این نوع سردرها

است. تصویر شماره شش کمی از سایر سردرها متمایز است چراکه برخلاف سایر سردرهای این بخش که هر چهار عنصر عمودی هم‌سطح می‌باشند، در اینجا دو عنصر عمودی وسط کمی بیرون‌تر از دو عنصر کناری بوده و اهمیت طاق و درگاه را مشخص‌تر می‌نمایند. دو مستطیل کناری خود



تصویر شماره ۵: سردرهای سه بخش.



تصویر شماره ۶: سردرهای مربعی.

طاق و پیشانی با آجرچینی‌های مختلف تزیین شده‌اند. در تصویر شماره هفت دو عنصر عمودی خود با حالتی سه‌بعدی (بدون شکست) به قسمت پیشانی می‌رسند که بیرون زده تر از دو عنصر عمودی است و شکلی منحصر به فرد و بسیار متفاوت از سایر سردرها به وجود می‌آورند. بخش پی و سکو سنگی است. در تصویر شماره هشت عناصر عمودی و افقی سردر بسیار شبیه به تصویرهای چهار تا شش بوده اما بخش مرکزی فاقد طاق است که این مسئله باعث به وجود آمدن فضای خالی بسیار بزرگی بین پیشانی سردر و چارچوب درب شده است که فقط سفیدکاری شده و هیچ تزیینی ندارد. تصویر شماره نه سردری آجری و بسیار مجلل است که در آن علاوه بر انواع تزیینات آجری، در بخش بین پیشانی و طاق از آجر لعاب‌دار

برای اینکه به ارتفاع لازم برسند (کمی بالاتر از دیوار خارجی ساختمان) یا باید دو عنصر کناری کلفتی داشته باشند یا طاق آن‌ها بزرگ باشد که این مسئله باعث ایجاد فضایی مسطح در بالای طاق و زیر پیشانی می‌شود که در سردرهای کم‌اهمیت‌تر این قسمت بدون تزیین باقی می‌ماند. در این نوع سردرها معمولاً قسمت ساقه سردر (که دو عنصر عمودی در آن قرار گرفته‌اند) فاقد هرگونه تزیین هستند. در اینجا به بررسی دقیق‌تر سردرهای تصویر ششم می‌پردازیم. در تصویرهای شماره یک تا سه، دو عنصر عمودی و پیشانی خشتی و فاقد تزیین می‌باشند. در دو تصویر دوم و سوم در ردیف تزیین آجری در بالاترین قسمت پیشانی سردر وجود دارد. در تصویرهای چهارم تا ششم، کل سردر آجری بوده و قسمت خالی بین



تصویر شماره ۷: سردرهای مستطیلی.

استفاده شده است.

مستطیلی: در سردرهای مستطیلی به علت کشیدگی عمودی، دو عنصر عمودی باریک‌تر بوده و در کل فضای کمتری از دیوار خارجی را اشغال می‌کنند. در تصویر هفتم؛ غیر از سردر شماره سه، سایر سردرها دارای طاق آهنگ مازه دار بسیار کم‌عمقی می‌باشند.

تقسیم‌بندی از لحاظ شکل طاق:

در این قسمت، طاق را به دو دسته جناغی (تیزه دار) و نیم‌گرد (مازه دار) تقسیم می‌نمایم.

طاق جناغی: در این بخش نه سردر را مورد بررسی قرار می‌دهم. طاق‌های این بخش را به دو قسمت طاق آهنگ‌دار و بدون طاق آهنگ تقسیم می‌نمایم. تصویرهای دو، سه و هشت دارای طاق آهنگی جناغی و کم‌عمق بوده، تصویرهای یک، پنج، شش، هفت و نه بدون طاق آهنگ و به شکل نیم گنبد بوده و تصویر شماره چهار دارای طاقی بدون عمق و مسطح است. طاق‌های دارای طاق آهنگ جناغی، سطح چارچوب درب را

با دو باریکه طاق به پشت طاق آهنگ وصل می‌نمایند و بنابراین قسمت پشت طاق آهنگ خود به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش‌های کوچک‌تر کناری با سه‌کنج و تاسه پرشده‌اند و قسمت میانی خود دارای چفدی تیزه دار بر بالای چارچوب درب است. در سردر شماره دو این چفد تیزه دار خود توسط یک چفد مازه دار آجری پرشده که کتیبه سردر را تشکیل می‌دهد. در سردر شماره هشت، چفد تیزه دار بالاتر و نزدیک به طاق آهنگ جناغی بوده و کتیبه‌ای با تزیینات آجری اطراف چارچوب در را پوشانده است. در سردر شماره یک، قسمت ایوان مانند طاق بدون تزیین است و قسمت کتیبه دارای چفدی به شکل نصف چلیپا است. ایوان در تصویرهای شماره شش و هفت با کاربندی و در تصویر شماره پنج با پتکانه پرشده است. سردر شماره هفت دارای کتیبه با تزیینات گچ‌بری بوده و در سردر شماره نه بخش بین پیشانی و طاق با طرح‌های هندسی (احتمالاً آجری) پرشده است.

طاق مازه دار: طاق‌های این بخش را مانند بخش قبل به دو قسمت

با طاق آهنگ و بدون طاق آهنگ تقسیم نموده‌ام. سردرهای یک، دو، سه، پنج، شش، هفت، نه، دوازده و چهارده دارای طاق آهنگی مازه دار می‌باشند و سایر سردرها بدون طاق آهنگ هستند و انتقال از سطح سردر به سطح چارچوب درب به اشکال مختلف صورت گرفته است. در سردرهای هشت، یازده، سیزده و پانزده انتقال به صورت کمانی از دایره انجام شده و شکل ظریف و چشم‌نوازی ایجاد کرده است (در سردر سیزدهم این نوع انتقال مشخص‌تر دیده می‌شود چراکه برخلاف سایر سردرها به دلیل تنگی کوچه نتوانستم تصویری از روبرو بگیرم). ترکیب دو فضای انتقال کمانی و استفاده از آجر لعاب‌دار برای تزئینات سکو، سردر شماره هشت را متمایز نموده است.

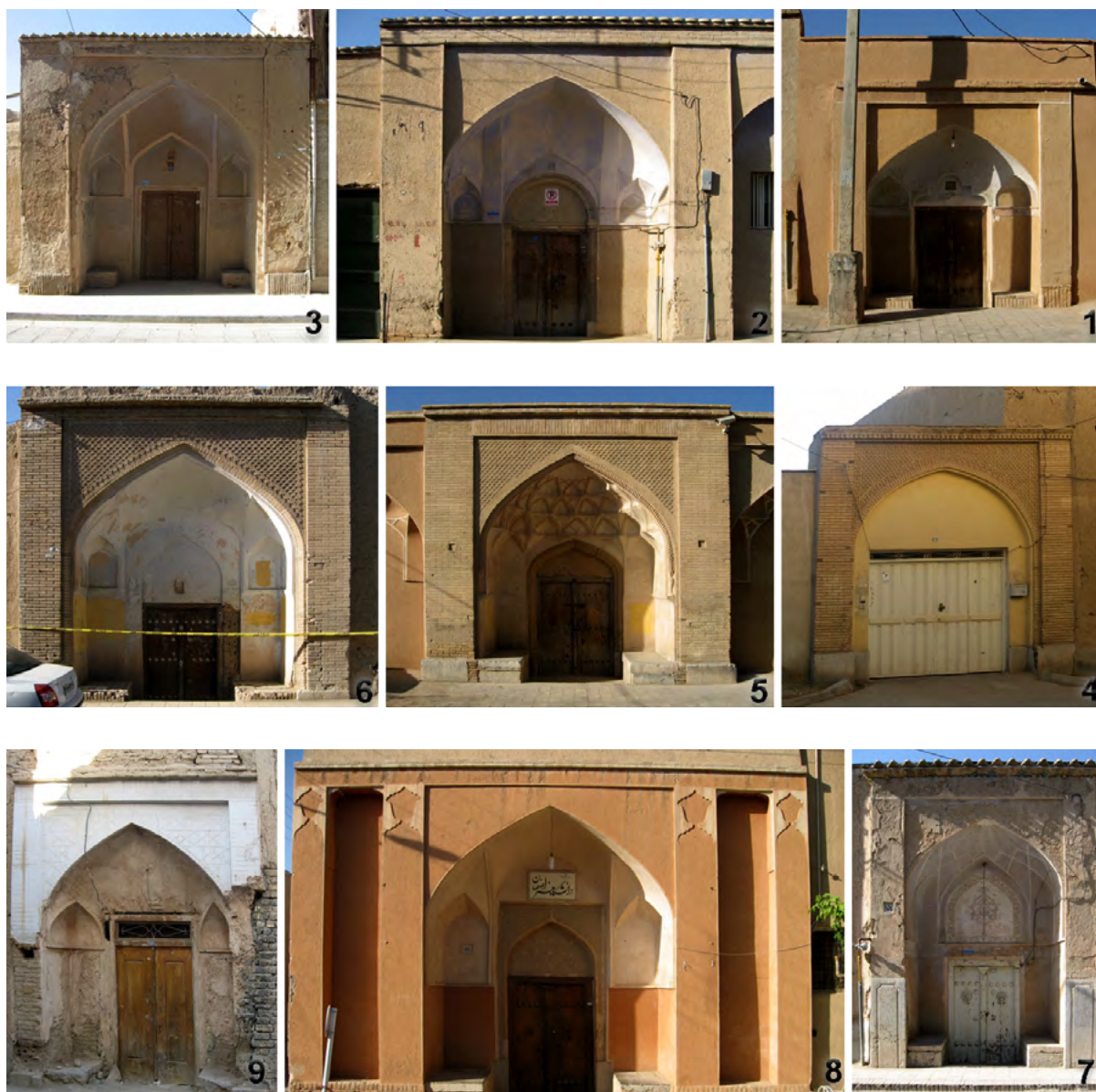
در تصویر اول) داشتم، آن‌ها را مورد بررسی قرار نداده‌ام. از لحاظ میزان استفاده از آجر، سردرها را به چهار قسمت تمام آجری، سردر آجری و طاق بدون آجر، پیشانی آجری و بدون آجر تقسیم نموده‌ام که در زیر به بررسی دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازم.

تمام آجری: در هر سه سردر این بخش (تصویر دهم) فضای انتقال از سطح سردر به سطح چارچوب درب توسط طاق آهنگی مازه دار پوشانده شده است. در تصویر اول مجلل‌ترین تزئینات آجری (در بین جامعه آماری) به کاررفته و کتیبه‌ای با تزئینات گچ‌بری بالای درب قرار گرفته است. در تصویر دوم کتیبه دارای تزئیناتی با آجر لعاب‌دار است و در تصویر سوم کتیبه تزئیناتی از جنس آجر به کاررفته در سایر قسمت‌ها است.

سردر آجری: در این سردرها دو قسمت ساقه و پیشانی کلاً از آجر ساخته شده و دارای پی سنگی می‌باشند. سردر شماره چهار منحصربه‌فرد

تقسیم‌بندی از لحاظ میزان استفاده از آجر:

به دلیل اینکه در جامعه آماری فقط یک سردر تمام سنگی (سردر دوم



تصویر شماره ۸: طاق جناغی.



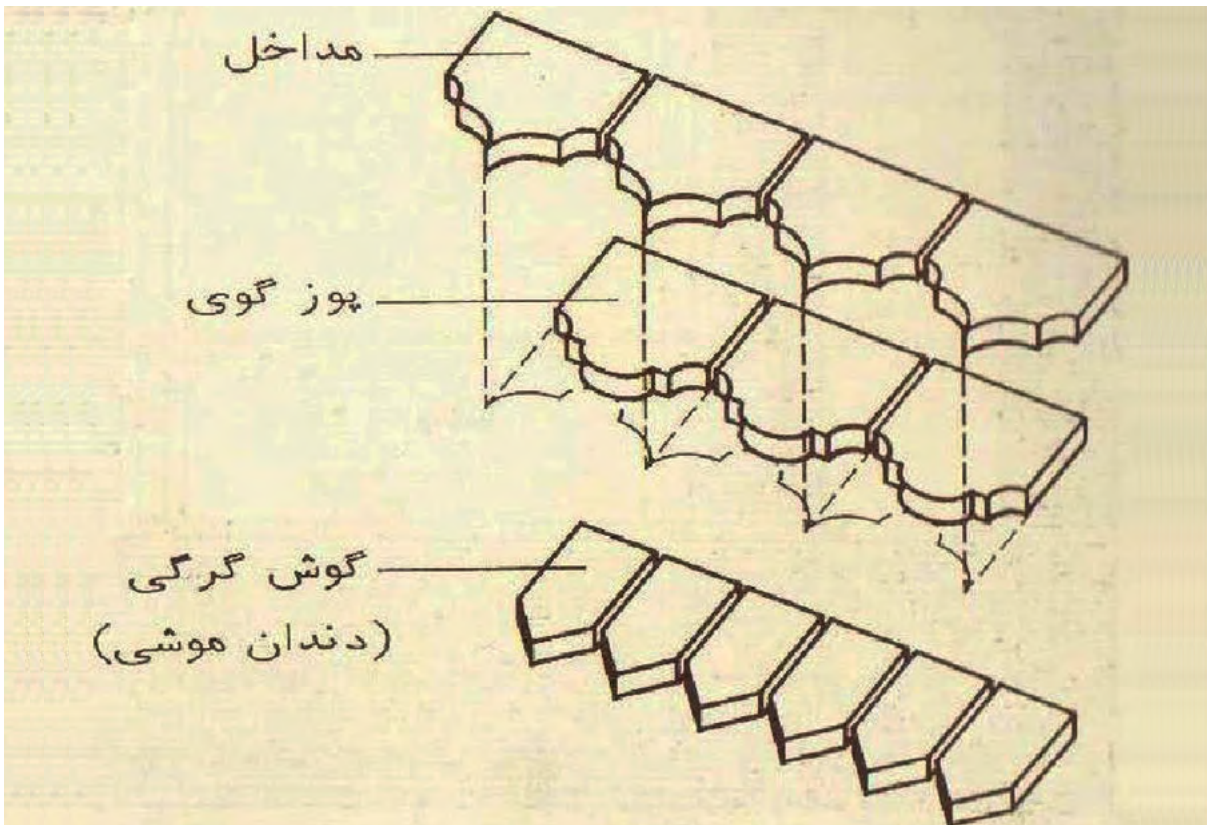
تصویر شماره ۹ : طاق مازه دار.



تصویر شماره ۱۰ : سردرهای تمام آجری.



تصویر شماره ۱۱: سر در آجری.



تصویر شماره ۱۲: تزیینات آجری پیشانی سردر (نعیما، ۱۳۸۶).



تصویر شماره ۱۳: پیشانی سر در آجری.



تصویر شماره ۱۴: سردرهای بدون آجر.

است. فضای انتقال از سطح سردر به سطح چارچوب درب توسط یک کمان صورت گرفته و سطحی بسیار بزرگ و بدون تزیین به وجود آورده است.

پیشانی سردر آجری: در این سردرها تنها قسمت ساخته شده با آجر پیشانی سردر است. در سردرهای اول و چهارم از تصویر سیزدهم، آجرهای قسمت گوش گرگی یا دندان موشی (تصویر دوازدهم) با آجر لعابدار فیروزه‌ای رنگ ساخته شده‌اند. پیشانی سردر در تصویرهای دوم، سوم و پنجم فاقد قسمت گوش گرگی یا دندان موشی بوده و تنها یک ردیف مداخل یا پوز گوی (تصویر دوازدهم) بر روی یک ردیف آجر ساده قرار گرفته است.

بدون آجر: در این نوع سردرها غیر از یک ردیف ساده آجرچینی در بالاترین قسمت دیوار یا سردر و در بعضی مواقع در قسمت پی و سکو (تصویرهای پنج و نه)، هیچ بخش آجری دیگری وجود ندارد.

تقسیم‌بندی‌های انجام شده در این مقاله صرفاً برای مقایسه و بررسی شکل ظاهری سردرهای خانه‌های محله جلفا اصفهان است. سردرها را می‌توان از ابعاد مختلف دیگری بررسی نمود. بررسی تاریخی، مطالعه سیر تکاملی، بررسی فرم‌ها یا مواد ساختمانی رایج در دوره‌های مختلف تاریخی، همگی می‌توانند ابعاد دیگری از این عنصر معماری مستقل کمتر مطالعه شده را نمایان کنند. به منظور انجام هرگونه تحقیق علمی و به دست آوردن نتیجه‌گیری قابل استناد، شرط اول، ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع از کلیه سردرهای محله جلفا اصفهان، گردآوری و یکپارچه‌سازی کلیه اسناد و مدارک تاریخی، انجام تصویربرداری حرفه‌ای و مشخص نمودن مصالح ساخت هر کدام از آن‌ها است. اطلاعات این بانک اطلاعاتی باید در دسترس عموم قرار گیرد و افراد متخصص اقدام به مطالعه و بررسی و آن‌ها نمایند و نتیجه در قالب مقالات علمی منتشر گردد.

منابع:

- پاسیان خمیری، رضا، حسن رجبعلی، و محمدرضا رونده. ۱۳۹۶. گونه شناسی مساجد بلوچستان ایران، از دوره قاجار تا معاصر. دو فصلنامه مطالعات معماری ایران (۱۱): ۱۸۹-۲۰۵.
- قاسمی سیجانی، مریم، و غلامحسین معماریان. ۱۳۸۹. گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان. هویت شهر، دوره ۵ (۷): ۸۷-۹۴.
- محمدی، رضا و رجبی، محمدعلی. ۱۳۸۹. «بررسی کتیبه‌های سردر ورودی منازل تهران از دوره قاجار تاکنون»، نگره، شماره ۱۵، ص ۱۹-۲۷.
- نیلفروشان، محمدرضا، ۱۳۸۱. ورودی‌های اصفهان، فرهنگ هنر و معماری.
- حائری مازندرانی. محمدرضا. ۱۳۸۸. خانه فرهنگ طبیعت (بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه). مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۳. فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران. دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کاراپتین، کاراپت. (۱۳۸۵)، «خانه‌های آرامنه جلفای نو اصفهان»، ترجمه مریم قاسمی سیجانی، تهران، فرهنگستان هنر.
- نعیم، غلامرضا. ۱۳۷۶، دزفول شهر آجر، میراث فرهنگی کشور، تهران.

بررسی تاثیر اقلیم در جهت گیری و شکل گیری خانه ها و معابر در بافت قدیم کرمان

چکیده:

جهت گیری و یا همان رون، یکی از اصولی ترین معیارهایی است که در ساخت کلی شهرها از آن بهره می بردند. معماران سنتی ایران به این امر مهم در طراحی بناهای قدیمی علی الخصوص خانه ها پی برده اند و از آن به بهترین نحو بهره مند شده اند.

در حقیقت جهت گیری ساختمان ها و فضاهای شهری باید بر مبنای برهم کنش آن ها با بادهای غالب و زاویه تابش خورشید صورت پذیرد. در فرآیند طراحی به نوعی، به همسازی نیازمندیم و اگر بخواهیم از نور طبیعی و همچنین تهویه طبیعی درون ساختمان ها استفاده بهینه ای داشته باشیم باید به این اصل مهم یعنی جهت گیری ساختمان توجه زیادی داشته باشیم. اگر به این مبحث مهم توجه نشود طراحی هایی انجام می پذیرد که نه تنها موجب آسایش ساکنین نمی شود، بلکه مسبب مشکلات عدیده ای همچون سرمای شدید در زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان می شود و در حالت کلی می توان گفت موجب سلب آسایش و آرامش ساکنین می شود.

کرمان، اقلیم، جهت گیری، شکل گیری، رون، معماری، خانه، معبر

مقدمه:

معماری ایران دارای ویژگی هایی است که هر یک در عین سادگی معرف شکوه و عظمت آن است که در مقایسه با معماری کشورهای دیگر جهان از ارزشی به خصوص برخوردار است. معماری مسکونی ایران یکی از زیرمجموعه های معماری سنتی به شمار می آید. معماری مسکونی هر شهر یا همان خانه ها بیانگر فرهنگ، آداب، رسوم و مهارت معماران آن شهر می باشند. معماری و شهرسازی ایرانی ارتباط دوسویه با طبیعت دارد و این ارتباط را می توان در به کارگیری مصالح، طراحی گودال باغچه، ساخت بادگیر، بهره مندی از رون و موارد مشابه



پیمان سلیمانی روزبهانی

کارشناسی ارشد، مرمت و احیاء ابنیه و بافت های تاریخی / دبیر کارگروه معماری بومی شرق فلات مرکزی (کرمان، یزد)

دیگری مشاهده کرد.

خشک است و اختلاف سالانه و روزانه دما بسیار زیاد است. معماری بومی مناطق گرم و خشک تحت تأثیر شرایط طبیعی و اقلیمی فوق نمایان شده و دقت در این معماری ابعاد اکولوژیکی مسکن ساکنان آن را مشخص می‌سازد (دهقان، ۱۳۸۲: ۶۹).

اکثر مناطق نیمه استوایی را شامل می‌شود و در اثر وزش بادهای مهاجر که از جنوب غربی و شمال غربی به طرف استوا می‌وزد؛ هوا بسیار خشک است. آسمان در بیشتر اوقات سال بدون ابر بوده و اشعه منعکس شده از سطوح لم‌یزرع زمین بسیار بالاست و مه و طوفان و گردوخاک در بعدازظهرها اتفاق می‌افتد. بارندگی بسیار کم است و رطوبت هوا خیلی کم و خشکی هوا بسیار بالا است.

فلات مرکزی شامل دو منطقه متمایز بیابانی و نیمه بیابانی است. از شهرهای تهران، مشهد، اصفهان و شیراز به‌عنوان مناطق نیمه بیابانی و از شهرهای چون کرمان، یزد و زاهدان می‌توان به‌عنوان مناطق بیابانی نام برد. از دیگر مشخصه‌های این اقلیم روزهای گرم و شب‌های بسیار سرد و زمستان‌های سرد و سخت و تابستان‌های گرم و خشک است. پوشش گیاهی در این اقلیم بسیار کم است (مرادی، ۱۳۸۶).

اقلیم کرمان

اقلیم کرمان از نقطه نظر تقسیم‌بندی‌های اقلیمی ایران، جز اقلیم گرم و خشک بیابانی محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد شهر کرمان در دشتی با ارتفاع متوسط ۱۷۰۰ متر از سطح دریا واقع شده است. در اثر مجاورت با کویر شهداد و کویر نمک با ارتفاع تقریبی ۱۰۰۰ متر از سطح دریا و کوه‌هایی با ارتفاع متوسط ۲۵۰۰ تا ۳۴۰۰ متر دارای آب‌وهوای خشک است. از مشخصات این گونه اقلیم اختلاف شدید درجه حرارت در فصول سرد و گرم و حتی در شب و روز است که در اثر جابه‌جا شدن هوا از نقاط بلند کوهستانی اطراف دشت به نقاط پست (دشت کرمان) و برعکس؛ علاوه بر ایجاد جریان‌های هوا، دارای درجه حرارت متغیری است و اختلاف زیادی بین حداقل و حداکثر درجه حرارت به وجود می‌آید.

معماری در اقلیم گرم و خشک:

فضای معماری اصلی هر شهری را خانه‌ها تشکیل می‌دادند. خانه‌های سنتی موجود در مناطق گرم و خشک ایران یکی از بارزترین نمونه‌های هماهنگی انسان با طبیعت است. ویژگی‌های اقلیمی و منحصربه‌فرد مناطق گرم و خشک باعث شکل‌گیری مسکنی با اصول ویژه و توسعه تکنیک‌های هوشمندانه‌ای شده است. علی‌رغم این‌که در این مناطق اقلیم سخت و خشنی حکم‌فرماست ولی ساکنان بومی آن در طول سالیان دراز با بهره‌گیری از روش‌های ابتکاری، زندگی راحتی را برای خود مهیا می‌کردند. باوجود قدمت طولانی بناهای خشت و گلی و امتیازات آن‌ها در این مناطق، دیگر کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کند و بیشتر مردم و بسیار از معماران، ساخت این بناها را نشانه عقب‌ماندگی می‌دانند. درحالی‌که

همان‌گونه که می‌دانیم در گذشته جهت ساخت شهرها و بناها از سه رون غالب شامل راسته، اصفهانی و کرمانی استفاده می‌شده است. در این پژوهش سعی بر آن است که این اصل اساسی معماری سنتی ایران که در شهرهای مختلف مورد توجه قرار می‌گرفته و مانند اکثر شهرهای ایران نقش اساسی در شکل‌گیری و جهت‌گیری خانه‌ها و معابر داشته به‌عنوان نمونه موردی در یافت قدیم شهر کرمان مورد بررسی قرار دهیم.

اقلیم:

به‌طور کلی تفاوت‌های اقلیمی در اکثر نقاط جهان با عرض جغرافیایی و ارتفاع از سطح دریا مشخص می‌شود. میزان متفاوت و متغیر عوامل اقلیمی: (تابش خورشید- دمای هوا- جریان هوا و رطوبت) به دلیل تفاوت موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف است و به همین دلیل حوزه‌های اقلیمی متفاوت در روی کره زمین به وجود آمده است.

بناها؛ شهرها و محیط‌زیست در رابطه با حوزه‌های اقلیمی متفاوت ویژگی‌های خاص و متفاوتی منطبق با شرایط جوی و اقلیمی خود یافته‌اند. به‌طور کلی تفاوت‌های اقلیمی در اکثر نقاط جهان با عرض جغرافیایی و

ارتفاع از سطح دریا مشخص می‌شود. میزان متفاوت و متغیر عوامل اقلیمی: (تابش خورشید- دمای هوا- جریان هوا و رطوبت) به دلیل تفاوت موقعیت جغرافیایی مناطق مختلف است و به همین دلیل حوزه‌های اقلیمی متفاوت در روی کره زمین به وجود آمده است.

بناها؛ شهرها و محیط‌زیست در رابطه با حوزه‌های اقلیمی متفاوت ویژگی‌های خاص و متفاوتی منطبق با شرایط جوی و اقلیمی خود یافته‌اند.

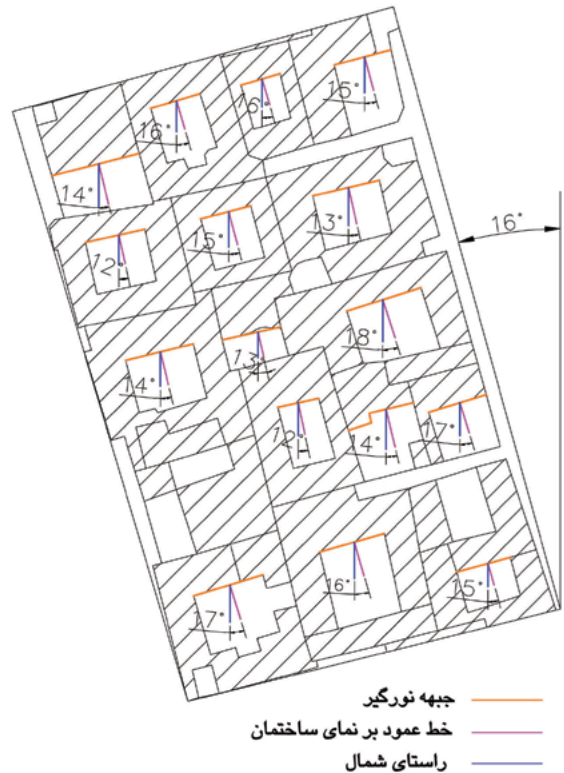
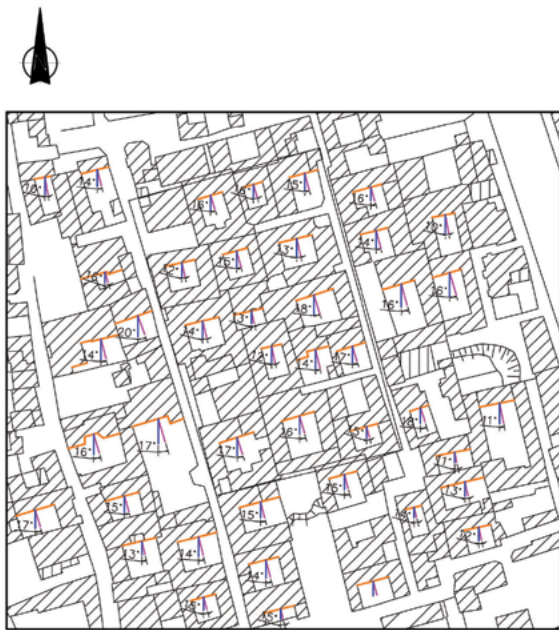
تقسیمات اقلیمی معماری ایران:

- اقلیم گرم و خشک (فلات مرکزی ایران)
- اقلیم سرد و کوهستانی (مناطق کوهستانی غرب کشور)
- اقلیم معتدل و مرطوب (کرانه جنوبی دریای خزر)
- اقلیم گرم و مرطوب (کرانه شمالی خلیج فارس و دریای عمان)

(مرادی، ۱۳۸۶).

اقلیم گرم و خشک:

رشته‌کوه‌های البرز در شمال و کوه‌های زاگرس در غرب ایران از ورود ابرهای باران‌زا به داخل فلات مرکزی ایران جلوگیری می‌کنند؛ بنابراین میزان بارش در این منطقه بسیار کم و ناکافی و حدود ۷۰ میلی‌متر در سال برآورد شده است. خشکی هوا باعث شده تا شدت تابش خورشید افزایش یابد، تبخیر در حد فوق‌العاده انجام می‌شود و همین امر شوری خاک را سبب شده است. کمبود آب و شوری خاک به فقر پوشش گیاهی منجر شده و همین کمبود پوشش گیاهی، جریان‌های روان و سرعت زیاد بادهای گرم و خشک و غبارآلود را در پی دارد. در نتیجه‌ی کمبود رطوبت نسبی، تابستان‌های این منطقه به‌شدت گرم و سوزان و زمستان‌ها سرد و



تصویر شماره ۱: نمایش جهت چرخش بنا (رون غالب) در قسمتی از بافت قدیم شهر کرمان.

ماندن از شدت تابش خورشید می‌شده است. متأسفانه در سال‌های اخیر بدون در نظر گرفتن این مسئله و جهت‌گیری خانه‌ها به صورت شرقی-غربی، خانه‌هایی ایجاد شده‌اند که در تابستان بسیار گرم می‌شوند و بدون استفاده از وسایل خنک‌کننده نمی‌توان در آن‌ها زندگی کرد. لذا جهت‌گیری خانه‌های قدیمی به لحاظ شرایط اقلیمی موجب شد تا فضاهای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین پیرامون حیاط^۳ قرار گیرند.

چرخش و نورگیری خانه‌ها در بافت قدیم کرمان

- رون^۴ غالب در کرمان شمال غربی-جنوب شرقی می‌باشد.
- زاویه چرخش (زاویه بین خط عمود بر نمای جبهه آفتاب‌گیر ساختمان با راستای شمال) در مناطق مختلف شهر کرمان بین ۱۲ تا ۳۵ درجه است (تصاویر ۵-۱).
- نمونه جایگذاری پلان بر روی نقشه هوایی با هدف بررسی دسترسی‌ها، نحوه سیرکولاسیون ارتباطی در فضاهای داخلی خانه از قبیل: اندرونی و بیرونی، در سه پلان مسکونی متفاوت از لحاظ دسترسی‌ها و فضاها (تصویر شماره ۶).
- تطبیق نمودار تابش خورشیدی بر روی نقشه هوایی، نحوه

معیارهای مناسب طراحی در ساخت خانه‌های واقع در مناطق گرم و خشک، سیستم‌های تهویه طبیعی را افزایش می‌دهند. از این رو نیاز به سیستم‌های پرانرژی نظیر دستگاه‌های تهویه هوا کاهش می‌یابد. این بدین معنی نیست که فقط به سیستم‌های تهویه طبیعی اتکا کنیم بلکه منظور استفاده و وابستگی کمتر به سیستم‌های با مصرف زیاد انرژی و پایداری بیشتر مسکن و جوامع بیابانی است (دهقان، ۱۳۸۲: ۶۷).

راپاپرت^۱ معتقد است خانه بیش از آن‌که ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکردی چند بُعدی متأثر از اجتماع، فرهنگ، آئین مذهبی، اقتصاد و اوضاع محیطی و از آنجاکه ساخت «خانه» خود امری فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است.

گیفرد^۲ نیز معتقد است که خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آن‌ها، نشان‌دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آن‌هاست. موضوع مهم دیگر در ساخت خانه‌های بومی مناطق گرم و خشک ایران مربوط به جهت‌گیری خانه (رون خانه) می‌شود. این جهت‌گیری با توجه به زاویه تابش خورشید و وزش بادها انجام می‌شده است. جهت قرارگیری خانه با توجه به این رون باعث استفاده حداکثر از بادهای مساعد و در امان

1-Rapoport

2-Gifford

۳- میانسرا

۴- یکی از ویژگی‌های مهم ساختاری خانه در معماری سنتی، جهت‌گیری فضایی آن است که متناسب با اقلیم و فرهنگ شهرهای ایرانی بوده و معماران سنتی به آن، رون می‌گفتند.



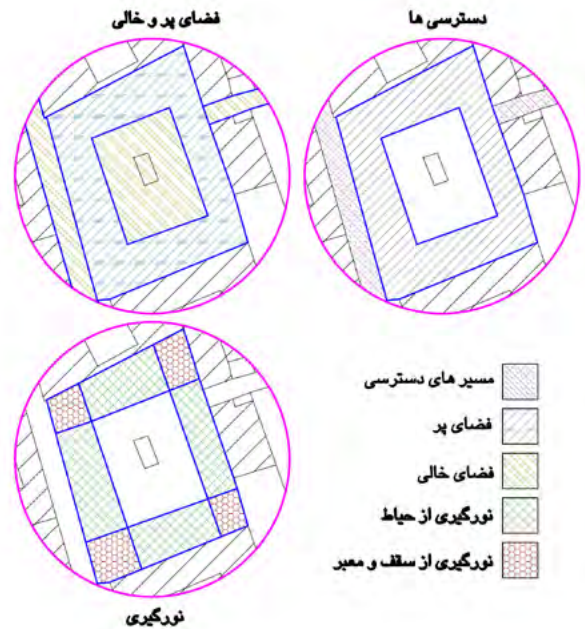
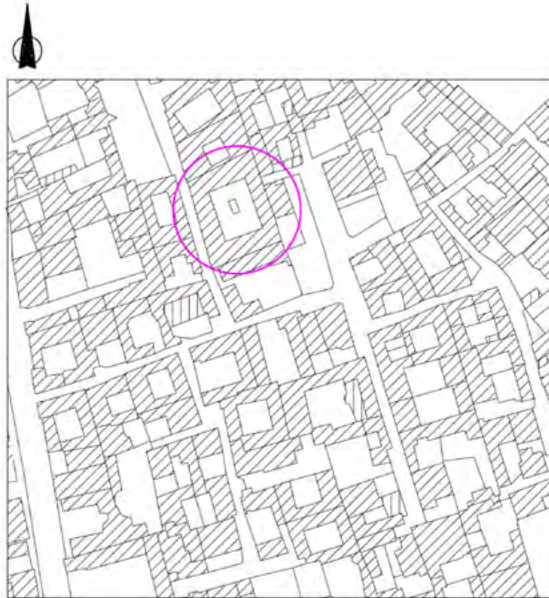
تصویر شماره ۲: نمایش جهت چرخش ساختمان در بافت زرتشتی‌نشین (محل آتشکده کرمان).



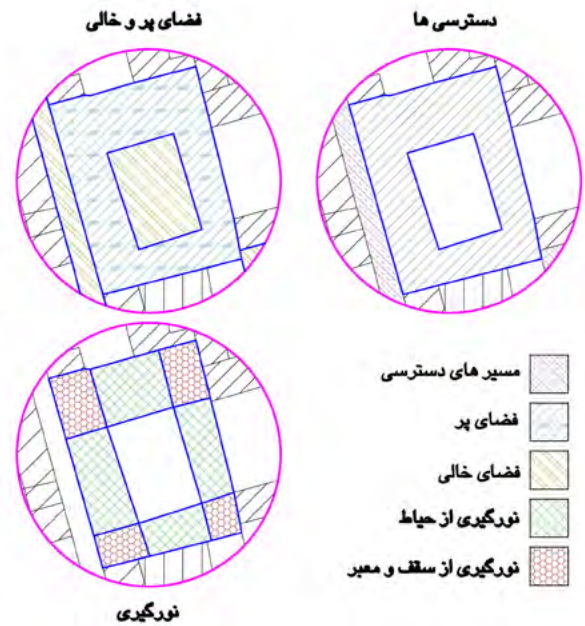
تصویر شماره ۳: نمایش جهت چرخش ساختمان در بافت زرتشتی‌نشین کرمان (خارج محدوده دروازه ناصریه).

نورگیری سه بنا را در طول سال بررسی می‌کند. لازم به ذکر است که این محله جزو بافت زرتشتی‌نشین بوده، همان‌طور که مشاهده می‌شود جهت خانه‌ها طوری در نظر گرفته شده که حداقل دو جبهه از بنا رو به طلوع خورشید ساخته شود (تصویر شماره ۷).
این دیاگرام (گلباد)^۵ کاربردهای فراوانی دارد که می‌توان به موارد ذیل

- اشاره کرد (تصویر شماره ۸).
- امکان‌سنجی (مکان‌یابی، چگالی و توان باد، ایستایی باد و ...)
 - برای استفاده از انرژی باد
 - طراحی باند فرودگاه‌ها، زمین‌های ورزشی و ...
 - طراحی‌های شهری (نحوه استقرار پنجره‌ها، بازشوها و ...)

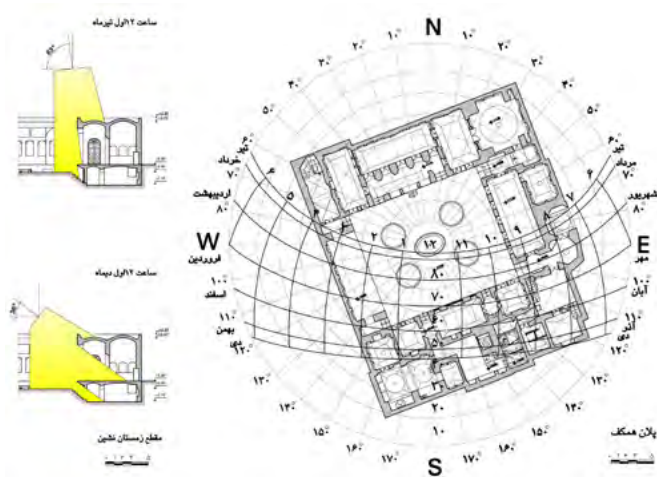


تصویر شماره ۴: نمایش چگونگی نورگیری و فضاهای پر و خالی و دسترسی‌ها در مرکز بافت قدیمی شهر کرمان.

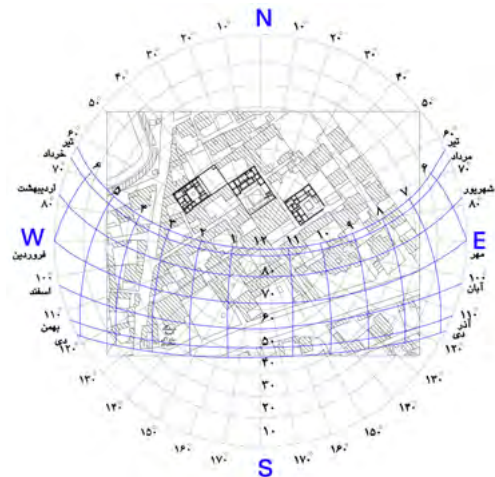


تصویر شماره ۵: نمایش چگونگی نورگیری و فضاهای پر و خالی و دسترسی‌ها در حدفاصل خیابان ناصر فولادی (عباس صباحی) و خیابان فلسطین.

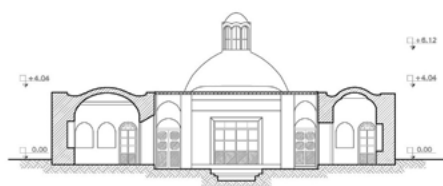
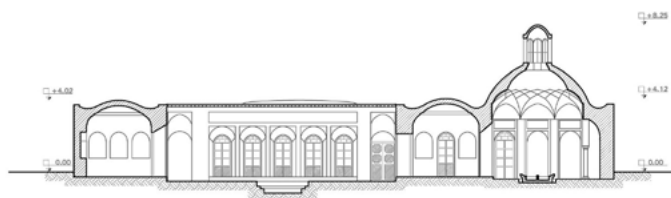
۱- گلباد (windrose) نموداری است که سرعت، جهت و تواتر بادهای یک مکان معین را با استفاده از یک دستگاه مختصات مرکزی نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۷: نمایش میزان تابش در جبهه آفتابگیر (زمستان‌نشین) خانه رستم فرخزاد، بافت زرتشتی‌نشین کرمان (محل آتشکده).



تصویر شماره ۶: نمایش چگونگی جهت‌گیری دسترسی‌ها و نورگیری بر اساس اقلیم در شهر کرمان.



شکل جهت و سرعت باد کرمان

مکانی که در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

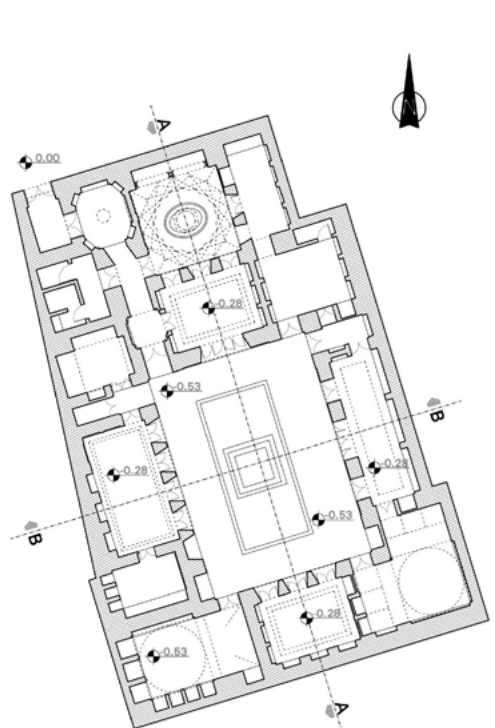
در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است

در جهت باد تابش خورشید و نور است



تصویر شماره ۴: نمایش نمودار گلباد در خانه صفارزاده واقع در محله شاه عادل شهر کرمان.

خاصی پیروی نمی‌کرده است، اما به صورتی بوده که شرایط دفاعی، امنیت، سایه‌اندازی و دسترسی‌های سریع و کوتاه را مدنظر داشته است. کوچه‌ها باریک و پرپیچ‌وخم ساخته می‌شدند (تصویر شماره ۱۰).

با استفاده از عکس هوایی سال ۱۳۳۵ به چگونگی هم‌پیوندی قسمتی از بافت مسکونی قدیمی شهر کرمان پرداخته است:

همان‌طور که در نقشه مشخص است بلوک‌های مسکونی با مسیرهای دسترسی ارگانیک از هم متمایز بوده‌اند و در نقطه برخورد چند معبر اصلی مرکز محله به وجود می‌آمده که به این واشدگاه کاربری خاصی از قبیل: تکیه، حسینیه، مسجد یا بازارچه محله‌ای می‌دادند.

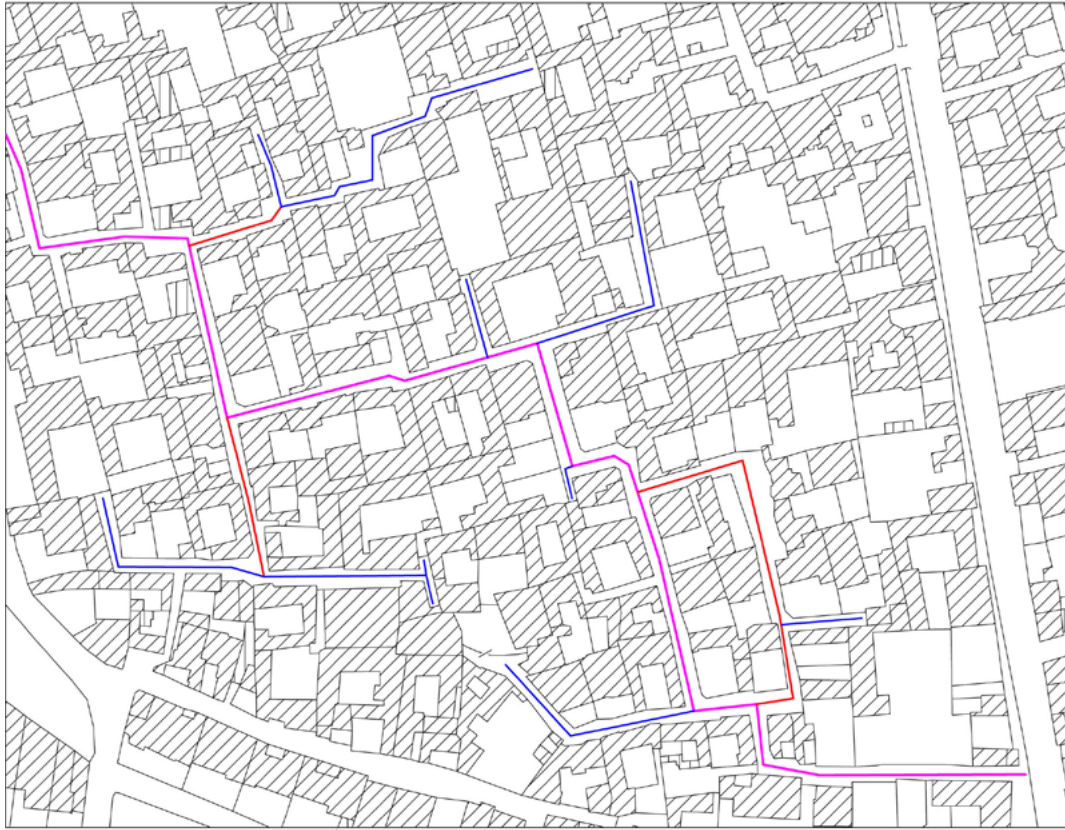
- مکان‌یابی جهت گسترش فضای سبز
- عدم استقرار صنایع آلاینده در جهت باد غالب منطقه.

چگونگی شکل‌گیری و هم‌پیوندی بافت کالبدی و دسترسی‌ها در بافت قدیم شهر کرمان:

معیار نسبت به تعداد ابنیه‌ای که دسترسی به آن‌ها را میسر می‌ساختند به سه دسته تقسیم می‌شدند (تصویر شماره ۹).

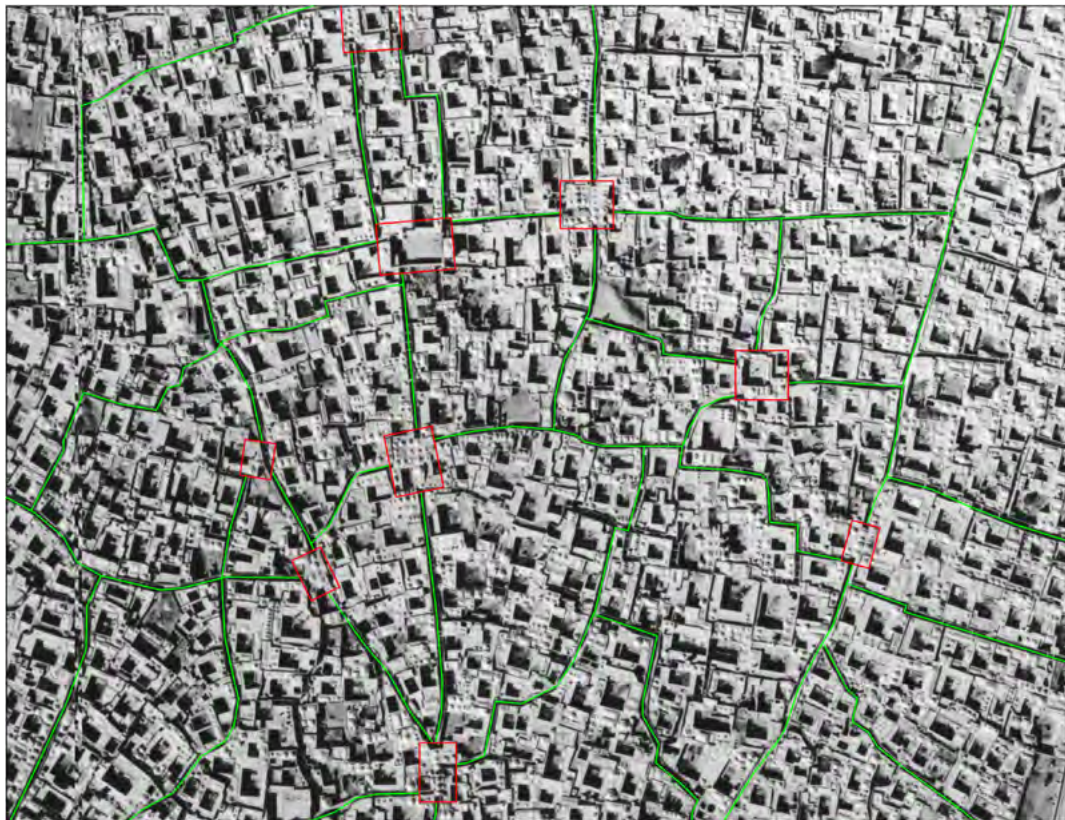
۱. معیار درجه یک (اصلی)
۲. معیار درجه دو (فرعی)
۳. معیار درجه سه (خصوصی)

شکل‌گیری معیار در گذشته به صورت ارگانیک بوده و از قوانین و برنامه



معیر لجه ۱ ————— معیر لجه ۲ ————— معیر لجه ۳

تصویر شماره ۹ : نمایش چگونگی هم پیوندی بافت کالبدی و دسترسی‌ها در بخشی از نقشه بافت قدیم شهر کرمان.

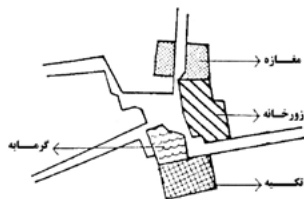


معاير □ مرکز محله

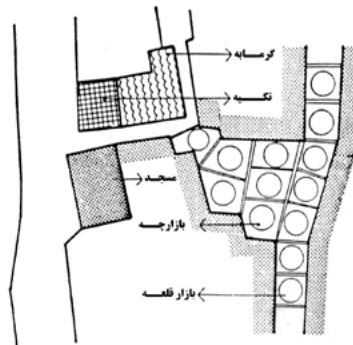
تصویر شماره ۱۰ : نمایش چگونگی هم پیوندی بافت کالبدی و دسترسی‌ها در بخشی از عکس هوایی سال ۱۳۳۵ شهر کرمان.



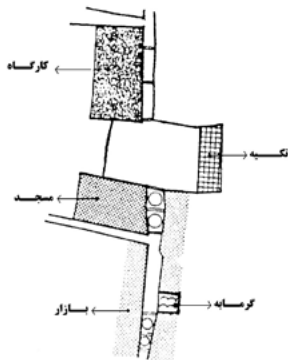
مرکز محله شاه عادل



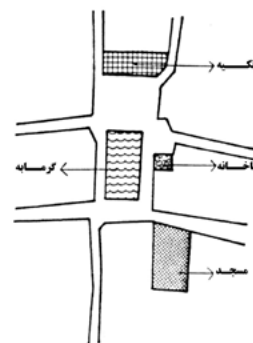
مرکز محله بازار قلعه



مرکز محله تکیه شاهرخ



مرکز محله باغ لاله



تصویر شماره ۱۱: نمایش چگونگی هم پیوندی بافت کالبدی و دسترسی‌ها در برخی از مراکز محله شهر قدیم کرمان.

چگونگی فضاهای پر و خالی در بلوک‌های مسکونی بافت قدیم

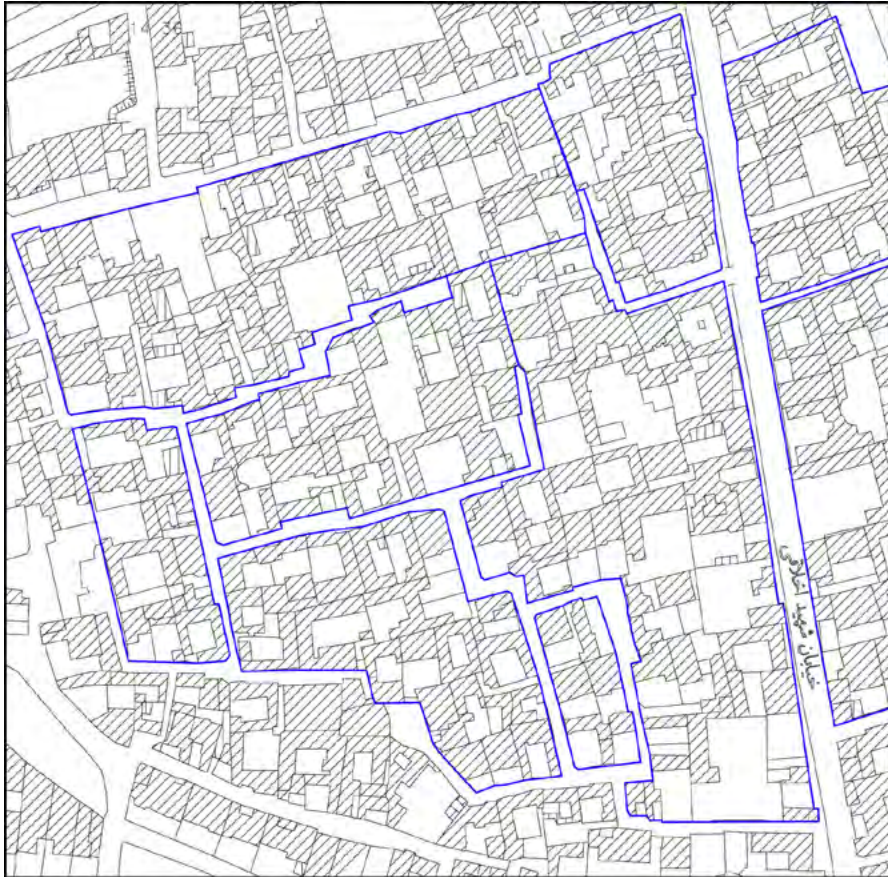
شهر کرمان در مقایسه با معماری و شهرسازی دوره معاصر

رشد و گسترش شهر تا اواخر دوره قاجاریه و تا قبل از تشکیل اولین نهاد دولتی مداخله کننده در نظام ساختاری و کالبدی شهر یعنی بلدیة «شهرداری» به‌طور تدریجی و یکپارچه صورت می‌پذیرفته است. مرز میان بلوک‌های مسکونی همان کوچه‌ها و گذرهای ارگانیک پریپیچ‌وخم است، همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌شود در گذشته سعی بر آن بوده تا کمترین سطح ممکن به معابر اختصاص یابد و بدین صورت همبستگی و پیوستگی میان واحدهای تشکیل دهنده بلوک‌های مسکونی کاسته نشود. تغییرات صورت گرفته در شهرهای سنتی که نتیجه تحولات در نظام سیاسی-اجتماعی و مدیریتی شهرها بود سبب بروز نوعی از معماری تحت عنوان معماری خیابانی گردید. منظور از معماری خیابانی، احداث خانه‌ها و مغازه‌ها در اطراف خیابان است که از دوره قاجار وارد معماری ایران گردیده است (تصویر شماره ۱۲).

در معماری و شهرسازی گذشته کوچه‌ها و خیابان‌ها به‌صورت ارگانیک شکل می‌گرفتند و دارای پیچ و خم بودند. فرم آن‌ها از خانه‌های ساخته شده تبعیت می‌کرد و تفاوت آن را می‌توان در شهرک‌سازی معاصر در شهر کرمان و مقایسه آن با بافت قدیم شهر کرمان به‌خوبی مشاهده کرد (تصویر شماره ۱۳). در شهرک‌سازی جدید بدین صورت است که:

- (۱) مرکز محله‌ها به نسبت تعداد معبر منتهی به آن‌ها بزرگ‌تر یا کوچک‌تر بوده‌اند.
- (۲) مسیرها از پیش طراحی شده نیستند و براساس نزدیک‌ترین راه دسترسی شکل گرفته‌اند.
- (۳) بلوک‌های مسکونی شکل خاصی ندارند و پیوستگی و تمرکز بیشترین خانه در یک بلوک مسکونی دیده می‌شود و از کم‌ترین میزان معبر دسترسی استفاده شده است.
- (۴) خانه‌ها اکثراً یک ورودی دارند به‌جز در بعضی از خانه‌های اعیانی برای حفظ حریم اندرونی و بیرونی از مسیرهای فرعی در کوچه‌های دیگر به شکل ماهرانه‌ای استفاده شده است.
- (۵) برای حفظ استحکام سازه بنا همه خانه‌ها به‌هم پیوسته و برای هم‌پیوندی بیشتر و همچنین سایه‌اندازی، بر روی معابر از تنگ و سابات استفاده شده است.

در این تصویر بعضی از مراکز محله شهر کرمان به صورت گرافیکی نمایش داده شده‌اند. این مراکز دارای بافتی منسجم می‌باشند و نیازهای محلی را برطرف می‌سازند. هر محله به صورت جداگانه دارای گرمابه (حمام)، تکیه، مسجد و مغازه‌هایی برای رفع احتیاجات روزانه مردم بوده است (تصویر شماره ۱۱).



تصویر شماره ۱۲: نمایش تغییر در نظام کالبدی و ساختار ارگانیک قدیم شهر کرمان بدلیل خیابان‌کشی‌های دوره معاصر.



تصویر شماره ۱۳: نمونه‌ای از شهرک‌سازی معاصر در شهر کرمان.

۱. خیابان‌ها شطرنجی و از پیش طراحی شده‌اند.

منابع:

۲. عرض معابر به نسبت تعداد خانه‌هایی که به آن دسترسی دارند کم یا زیاد می‌شود.

- دهقان، مهدی، ۱۳۸۲، اقلیم و کالبد: ابعاد اکولوژیکی مساکن سنتی در مناطق گرم و خشک ایران، هنر و معماری: مسکن و روستا، شماره ۱۰۲، ص ۷۵-۶۶.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

رون در اصطلاح معماری و در فرهنگ‌های لغت عمید، معین و دهخدا، «جهت» معنی شده است. در این پژوهش سعی بر بررسی آن نموده و به چگونگی شکل‌گیری معابر که در گذشته از فرم خانه‌ها پیروی می‌کرده و با تابعیت از توسعه بافت‌های شهری، رشدی ارگانیک داشته پرداخته شده است. در گذشته و در برخی از طراحی‌های شهری امروزی، جهت‌گیری خانه‌ها و معابر بر اساس شرایط اقلیمی تأثیرگذار، همچون؛ زاویه تابش خورشید و باد صورت می‌گرفته است.

- مرادی، ساسان، ۱۳۸۶، تنظیم شرایط محیطی، نشر آشیان.
- آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، مطالعات موزه بزرگ شهر کرمان، ۱۳۸۷، مهندسی مشاور معماری و شهرسازی آبمیس پارس.

شکل‌گیری معابر در بافت شهری قدیم کرمان با تمامی شکستگی‌ها و پیچ و خم‌های آن تابعی از فرم زمین و خانه‌ها و دیگر ابنیه موجود در شهر بوده که این شکل‌گیری و چرخش ابنیه در بافت قدیمی شهر متأثر از اقلیم جهت بهره‌گیری از بیشترین و مناسب‌ترین میزان نور و هوای مناسب بوده و در این میان عوامل دیگری از جمله امنیت و سایه‌اندازی در معابر نیز تأثیرگذار بوده است. ولیکن بدلیل مقارن شدن معماری و شهرسازی دوره‌ی معاصر در ایران که از اواخر دوره‌ی قاجاریه با ورود اتومبیل آغاز شد و در نتیجه موجب شکل‌گیری ردیف مغازه‌ها در طبقه‌ی همکف و ساختمانهای مسکونی در طبقات بالا، بالکن‌ها و پنجره‌های پیش‌آمده که در سرتاسر طول خیابان بود گردید. خانه‌ها به صورت خطی در کنار هم و در امتداد لبه‌ی خیابان ساخته شدند و نور آن‌ها نیز از سمت خیابان تأمین می‌شد؛ بنابراین در معابر و خیابان‌کشی‌های جدید خطوط راست با شبکه‌بندی‌های شطرنجی معابر و خیابان‌ها جایگزین خطوط شکسته و پرپیچ‌وخم بافت قدیم شهر شدند و در حقیقت شکل زمین و خانه‌ها بر خلاف گذشته از فرم گذرها و خیابان‌ها تبعیت می‌کرد. که خود سرآغاز تغییر اصل درون‌گرایی به برونگرایی در معماری و شهرسازی ایرانی گشت.

تزئینات آجری سردر خانه‌های سنتی دزفول

چکیده:

آجر مهم‌ترین مصالح کاربردی در شمال خوزستان است. آجر در معماری دزفول و شوشتر عنصری هویت‌دهنده و شکل‌دهنده به تزئینات و ساختار بنا است. بافت قدیم دزفول با ۲۸ محله ۱۲ هزار واحد مسکونی سرشار از تزئینات آجری است که با نام خون‌چینی از آن‌ها یاد می‌شود. این پژوهش به بررسی تزئینات آجری کتیبه‌های خانه‌های سنتی دزفول می‌پردازد. هدف از تحقیق آشنا ساختن مقدماتی جامعه هدف با این تزئینات و ویژگی‌های آن است. در طرح کتیبه‌های خانه‌های سنتی دزفول از الگوهای هندسی تقارن، تعادل، ریتم، الگوی تکرارشونده، تنوع هندسی استفاده شده که از میان آن‌ها تقارن و تعادل بیشترین استفاده را داشته است.

مقدمه:

تزئینات و آرایه‌های تزئینی، بخش جدایی‌ناپذیر از بناها و معماری هر سرزمینی است. آرایه‌های تزئینی چه در عرصه‌ی داخلی فضاها و چه در سطوح بناها، زمینه پیوند گسترده‌ی دیگر هنرها را با معماری برقرار کرده است و زمان و عرصه‌ی تاریخ نشان داده است که همه‌ی این بدایع، از ارتباط انسان‌ها، تلاقی فرهنگ‌ها و رویش اندیشه‌ها و اعتقادات پدید می‌آید (کیانی، ۱۳۹۲: ۱۶). «سرچشمه‌های آرایش معماری ایران به همان وسعت ارتباط ایرانیان است. آنان از همه کسب فیض کردند، از غرب آسیا، بین‌النهرین، آشور، مصر و به همان اندازه از شرق، ولی هیچ‌کدام از این تأثیرات غربی و یا شرقی اثر عمیقی در عادات مردمی نگذاشت که برایشان نقش‌های نمادی و مجرد جاذبه‌ای بیشتر و بیشتر داشت. جذب این مضمون‌ها و سبک‌های گوناگون پیچیده و غالباً مبهم بود ولی منشأ آن‌ها هرچه باشد، سرانجام در گنجینه هنر ایران جذب و از لحاظ ماهیت و کاربرد، ایرانی شدند» (پوپ، ۱۳۷۳: ۱۳۴). دوره‌ی سلجوقیان، عصر گسترش معماری و ترقی فوق‌العاده هنر آجرکاری است و در این دوره است که هنر معماری و آجرکاری در ایران تا سواحل مدیترانه و حتی آفریقا پیش رفت و در معماری مصر و سوریه نفوذ پیدا کرد (سپنتا، ۱۳۴۵: ۸۵)؛ اما دوره‌ی معاصر نیز،



به‌زاد وثیق

عضو هیئت‌علمی گروه معماری، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول



حسین ناصری

کارشناسی ارشد، معماری، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول



صادق بختیاری

کارشناسی ارشد، معماری، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول

دوره‌های دیگر در این فراز و نشیب تأثیرپذیری از ارتباطات جهانی شد. دوره‌ای که از عصر قاجار و متأثر از غرب به آرامی شروع شد و در دوره‌ی پهلوی اول شتاب روزافزون گرفت. در این دو دوره‌ی اخیر، آنچه بیشتر خود را نمایان ساخت، طرح و نقش‌هایی تازه بود که به شکل فزاینده‌ای حضور یافت و در کنار گنجه‌های گذشته قرار گرفت. حضوری که بعضاً در تلفیق و ترکیب با هنر اصیل گذشته به طرح‌ها و نقش‌هایی تبدیل شد که هنر آجرکاری تزئینی در معماری نیز در چنین زمره‌ای است و همه این طرح و نقش‌های آجری، چه از گذشته و چه دوره متأخر، تماماً جزء میراث تاریخی و فرهنگی کشور قرار گرفته‌اند (کیانی، ۱۳۹۲: ۱۶). معماری هنری است که در اثر تکامل تجربیات استادان دوره‌های مختلف تاریخ همواره غنی‌تر شده است. آثار معماری بناها در شهرهای تاریخی ایران که متناسب با اوضاع اقلیمی، فرهنگی و بومی آن مناطق، صورت‌های متنوع و بدیعی را به خود گرفته‌اند، بهترین نوع این مدعا هستند. بافت قدیم دزفول نیز در این زمره قرار دارد. عنصر اصلی مصالح ساختمانی کالبد قدیمی این شهر آجر است. استفاده از آجر در این بافت منحصر به جداره‌ها و معابر در درون بافت نیست، بلکه همه اجزای سازه تا تزئینات بناهای بافت را دربر می‌گیرد. مهارت معماران و استادان سازنده بافت این شهر در خلق ترکیب‌های تزئینی بسیاری از اجزای آجر با ضخامت دو و نیم سانتی‌متر تا چهار سانتی‌متر، بافت شهری منحصر به خود و با گونه‌های بسیار متنوعی از نقش‌های هندسی آجر (خوون‌چینی) را ایجاد نموده است. به بیانی دیگر خوون‌چینی نقوش تزئینی با آجر است که به صورت خفته و رفته و چلیپایی غالباً در ورودی و نماهای خانه‌های دزفول در بافت قدیم دیده می‌شود (زرگرزاده دزفولی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۷). لذا بررسی هندسه‌ی استفاده‌شده در کتیبه این بناها در راستای شناخت هر چه بیشتر معماری سنتی این شهر و تزئینات آجرکاری امری ضروری و مهم است. هدف این پژوهش شناسایی الگوهای هندسی استفاده‌شده در کتیبه‌های سر در خانه‌های سنتی دزفول است، هم‌چنین این پژوهش با بررسی نمونه‌های موردی و با مطالعات و بررسی‌های میدانی و کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که در شکل‌گیری هندسه‌ی تزئینات آجری در کتیبه‌های سر در خانه‌های سنتی دزفول از چه الگوهای هندسی استفاده‌شده است؟

کاربرد آجر در معماری:

در زبان اوستایی گل رس قالب زده‌شده که در آفتاب خشک‌شده باشد را زموایشیت می‌گفتند (رفیعی سرشکی، ۱۳۸۱: ۲۰۰) در فرهنگ واژه‌های معماری سنتی ایران خشت به معنی آجر خام (عمید، ۱۳۶۴: ۳۲) گل قالب‌زده شده (دهخدا، ۱۳۷۷) آجر پارسی، تازی شده آگور (پرتو، ۱۳۷۳: ۱۲) معرب آگور (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۳) در پارسی باستان آگوروم گفته می‌شده است (رفیعی سرشکی، ۱۳۸۱: ۲۲). عصر پارینه‌سنگی، سرآغاز

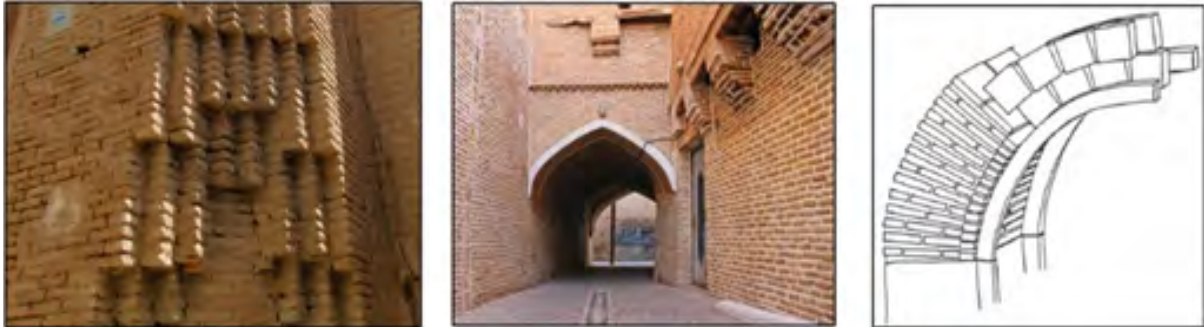
رشد قوه تعقل و کنجکاوای بشر است، در این زمان انسان هر آنچه می‌بیند به دنبال منشأ شکل‌گیری آن است. مشاهده رد پای انسان و حیوان بر روی گل سرآغاز شکل‌گیری ایده بهره‌گیری فرمال از این ماده منعطف را در انسان تقویت نمود تا جایی که در عصر نوسنگی انسان شکارچی به کشاورزی روی آورده و زندگی بدوی به تمدن روستائیشینی مبدل گشت، حال انسان برای زندگی خود نیازمند ابزار مناسب‌تر و در دسترس‌تری نسبت به مصالح خشتی همچون سنگ بوده است. بدین منظور خاک رس و خشت را برگزید. انسان در این دوره از خشت خام در خانه‌سازی بهره می‌برده و تنها آن را در مقابل آفتاب خشک می‌نمود و بیشتر به صورت چینه استفاده می‌کرده هرچند این خانه‌ها در برابر باران‌های سیل‌آسا بی‌دوام بوده است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). از دیرباز معماران ایرانی به دلیل کمبود چوب، سنگ و دیگر مصالح مقاوم از آجر برای ساخت دیوارها، سقف، ستون، گنبد و فرم‌های منحنی و قوسی شکل استفاده برده‌اند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۷). ایرانیان در طی چندین هزار سال با کاربرد آجر در بخش‌هایی از بنا آشنایی یافته بودند. با رشد روزافزون جمعیت و گسترش شهرنشینی و ایجاد شهرهای تازه، آجر را به‌عنوان عمده‌ترین مصالح با توجه به محدودیت‌های استفاده از چوب در ناحیه‌هایی در این سرزمین و مشکل کاربرد سنگ به دلیل انتقال حرارت در منطقه‌های گرمسیری باصرفه بودن و خوش‌دست بودن و قابلیت بالای اجرا و به‌کارگیری آجر در تمامی بخش‌های بنا به‌ویژه کارایی فراوان آن در برپا کردن پوشش‌های وسیع و بلند، در کار بنایی و هنر معماری تمامی ناحیه‌های گسترده ایران موردتوجه قرار دارد (نعیما، ۱۳۷۶: ۲۸). در رابطه با ابعاد و اندازه آجرهای مورد استفاده، چنانچه آجر مربع شکل کامل را نصف کنیم آجر نیمه به دست می‌آید که خود پایه و اساس خرد شدن را تشکیل می‌دهد که آن را ۴ صافه می‌گویند و اگر نیمه را نصف نماییم چاری یا دوصافه به وجود می‌آید. چاری را اگر دو قسمت کنیم دو کلوخ به دست می‌آید. در خوون‌چینی همیشه نیمه بزرگ‌ترین جزء و کلوخ کوچک‌ترین جزء است (تصویر شماره ۱).

(۲) (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۵).

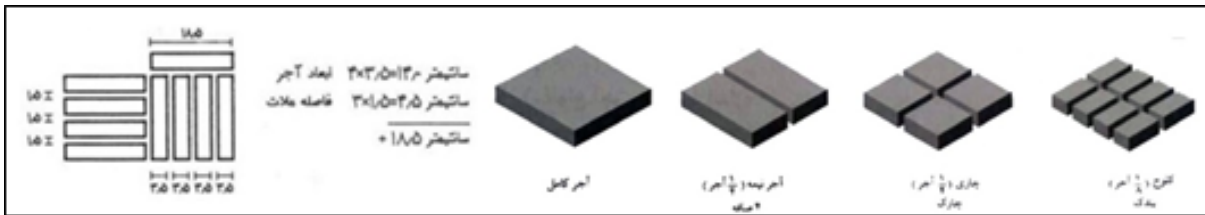
به‌طور کلی آجر در بناهای شهر دزفول در دو مقوله‌ی کالبدی (استحکامی) و تزئینی (خوون‌چینی) مورد استفاده قرار گرفته است که تعدادی از کاربردهای آن شامل: زدن انواع سقف‌ها و شاید کامل‌ترین آن نوع باریکه‌پوش یا لنگه‌پوش و یا طاق و تویزه، استفاده تیغه‌ای یا مطبق آجر، ایجاد راه‌پله، دست‌انداز بام، فرش کف یا بام، ایجاد ستون، جفت خانه، پخی کوچک‌ها و کنج‌ها، بیرون‌زدگی دیوار و... است (همان) (تصویر شماره ۱).

خانه‌های سنتی دزفول:

فرم خانه‌های سنتی دزفول به‌صورت مکعب فشرده، حجیم و سنگین است که دست‌انداز مشبک بام آن را نرم می‌کند و از فشرده‌گی آن می‌کاهد.



تصویر شماره ۱: نمونه‌هایی از کاربرد آجر در شهر دزفول ابعاد.



تصویر شماره ۲: ابعاد و اسامی به‌دست‌آمده از یک آجر کامل (مأخذ: خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱۵).

واحدها در دزفول با ترکیبی فشرده به‌جای گسترش در سطح، در ارتفاع ساخته شده‌اند که دلایل اقلیمی (سایه‌اندازی) و حداکثر استفاده از زمین را داشته است. بدین ترتیب تفکیک فضاهای مسکونی در خانه‌های دزفول به فضاهای خصوصی و عمومی به دو شکل تفکیک در طبقات (ارتفاع) و تفکیک در سطح (مسکن با مساحت بیشتر) صورت گرفته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۰۴). فضاهای واحد مسکونی در خانه‌های دزفول را می‌توان در چهار گروه فضاهای زیستی، واسطه‌ای، خدماتی و باز دست‌بندی کرد. فضاهای زیستی در گروه اول فضاهایی قرار می‌گیرند که در شیوه‌ی زندگی سنتی، عملکردی چندگانه را پذیرا می‌شدند. فضاهایی چون نشیمن، پذیرایی، اتاق خواب و غذاخوری، بسته به موقعیت قرارگیری فضا در واحد مسکونی، تناسب و ابعاد آن، در زمان خاصی از شبانه‌روز یا ماه و یا فصل مورد استفاده بودند. در این گروه این فضاها دیده می‌شوند: اتاق، غرفه، تالار، شبستان و شوادان. فضاهایی که یا کاملاً ارتباطی هستند و یا علاوه بر ارتباطی بودن، گاهی فضای زیستی هم محسوب می‌شدند و یا عملکردهای دیگری نیز علاوه بر خصلت ارتباطی می‌یابد، در دسته‌ی

واحدها در دزفول با ترکیبی فشرده به‌جای گسترش در سطح، در ارتفاع ساخته شده‌اند که دلایل اقلیمی (سایه‌اندازی) و حداکثر استفاده از زمین را داشته است. بدین ترتیب تفکیک فضاهای مسکونی در خانه‌های دزفول به فضاهای خصوصی و عمومی به دو شکل تفکیک در طبقات (ارتفاع) و تفکیک در سطح (مسکن با مساحت بیشتر) صورت گرفته است (حبیبی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۰۴). فضاهای واحد مسکونی در خانه‌های دزفول را می‌توان در چهار گروه فضاهای زیستی، واسطه‌ای، خدماتی و باز دست‌بندی کرد. فضاهای زیستی در گروه اول فضاهایی قرار می‌گیرند که در شیوه‌ی زندگی سنتی، عملکردی چندگانه را پذیرا می‌شدند. فضاهایی چون نشیمن، پذیرایی، اتاق خواب و غذاخوری، بسته به موقعیت قرارگیری فضا در واحد مسکونی، تناسب و ابعاد آن، در زمان خاصی از شبانه‌روز یا ماه و یا فصل مورد استفاده بودند. در این گروه این فضاها دیده می‌شوند: اتاق، غرفه، تالار، شبستان و شوادان. فضاهایی که یا کاملاً ارتباطی هستند و یا علاوه بر ارتباطی بودن، گاهی فضای زیستی هم محسوب می‌شدند و یا عملکردهای دیگری نیز علاوه بر خصلت ارتباطی می‌یابد، در دسته‌ی

تزیینات در کتیبه سردر:

نمونه‌های بسیار زیادی از تزیینات معماری ایران در دوران اسلامی وجود دارد که نشانگر نقش هندسه در پیشبرد روش‌های ترسیمی است. شیوه‌ی ترسیم برخی از پرکاربردترین نقوش هندسی در کتاب‌هایی جمع‌آوری شده که گویای روش‌های رایج میان معماران هستند و روش‌های شفاهی در ترسیم نقوش هندسی را مستند کرده و اسامی نقش‌مایه‌ها را، آن‌چنان‌که در میان معماران رایج است، روایت می‌کنند (خوارزمی و همکاران، ۱۳۹۱:

۱- غلام‌گردش راهرو یا پاگردی است که پیرامون گنبد، حیاط یا تالار می‌گردد.

۲- ردیفی از آجر که روی زمین، کنار نهر یا باغچه، پهلوی هم می‌چینند.

۳- در معماری ایرانی به اتاق‌هایی اطلاق می‌شده که دو طرف شاه‌نشین قرار داشته و کوچک‌تر از آن بودند. از این اتاق‌ها در زمان‌هایی استفاده می‌شده که تعداد

مهمان‌های حاضر، بیشتر از ظرفیت اتاق شاه‌نشین بوده است و با باز کردن درهای اتاق‌های گوشواره و اتصال آن‌ها به شاه‌نشین، محل پذیرایی مهمان‌ها را گسترش می‌دادند.

۴- فضای خالی زیر راه‌پله‌ها



۳. کتیبه سردر خانه ی سوزنگر



۲. کتیبه سردر خانه ی شمس الدین



۱. کتیبه سردر خانه ی فیلبان زاده



۵. کتیبه سردر خانه ی اراهیمی
















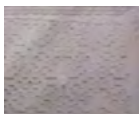















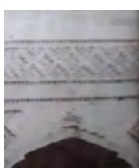

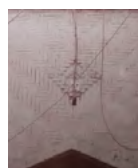




۴. کتیبه سردر خانه ی سهرایی

تصویر شماره ۳: نمونه‌هایی کتیبه‌های سردر خانه‌های سنتی دزفول

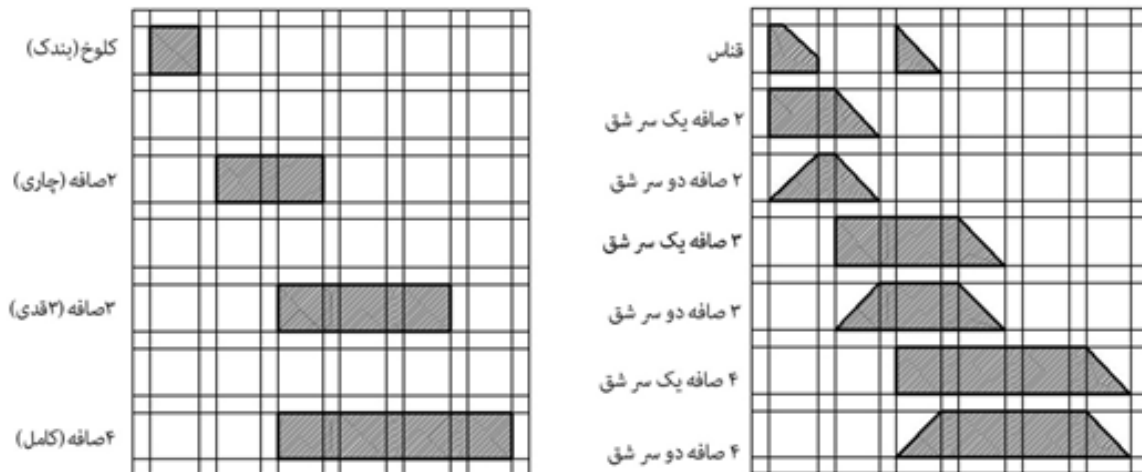
گچ‌بری، حکاکی سنگ و به‌خصوص کاشی‌کاری، گاهی با کاربرد مجزا و در جایگاهی دیگر در تلفیق با یکدیگر، نمایشی شگفت‌انگیز از زیبایی‌ها پدید آورده‌اند (شایسته فر، ۱۳۸۴: ۲۴؛ آقاداتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲). کتیبه‌های سردر منازل در دوره قاجار از اهمیت ویژه‌ای نزد مردم برخوردار بود و می‌توان سیر و تحول دیگر هنرها را نیز در آن‌ها دید. در این دوره کتیبه‌های سردر منازل از تنوع زیادی برخوردار بودند و محتوای بسیاری از کتیبه‌ها بر اساس روایات و احادیث شیعه تعیین می‌گردید. در این دوره محتوای اغلب کتیبه‌ها شامل اسماء الهی، آیات و سوره‌های قرآن، احادیث و اسماء متبرکه بوده است. در دوره‌ی قاجار سردر ورودی منازل دولت-مردان و اعیان و اشراف هماهنگ با رفتارهای جدید اجتماعی آنان ساخته و پرداخته شده است. آن‌ها برای نشان دادن موقعیت اجتماعی و حفظ جایگاه و اعتبار خود، در تزیین ورودی‌ها وسواس و سلیقه‌ی خاصی به‌کاربرده و از مواد و مصالح مرغوب و نقش و نگار بیش-تری استفاده می‌کردند. سردر ورودی اکثر منازل دوره قاجار، تنها مکان آراسته‌شده‌ای بوده که زیبایی آن از هر جا مشاهده می‌شد. جنس کتیبه‌های به‌کاررفته در دوره قاجار از گچ، آجر، کاشی و چوب است و عمده تزیینات سردرها به‌صورت گچ‌بری، آجرکاری و کاشی‌کاری اجرا شده است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۰). با توجه به گستردگی استفاده از آجر در ساخت خانه‌های سنتی شهر دزفول، کتیبه‌های این بناها نیز از همین مصالح آجری و در ابعاد و طرح‌ها و اندازه‌های مختلف ساخته شده‌اند که با توجه به میزان سطح رفاه صاحب‌خانه این کتیبه‌ها شامل طرح‌های هندسی متنوع‌تر و در ابعاد بزرگ‌تری توسط معماران بنا ایجاد شده‌اند. نمونه‌هایی از این کتیبه‌ها در تصویر نشان داده شده است (تصویر شماره ۳).

۱۴). اکثر نقوش هندسی موجود در هنر اسلامی بر مبنای تکرار یک طرح ابداع و خلق شده‌اند و معمولاً این نقش در داخل یک مربع یا یک شش‌ضلعی محدود می‌شود. اغلب نقوش هنگامی جلوه‌ی واقعی خود را به دست می‌آورند که تکرار شوند (حسن‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۶۶). در رابطه با تزیینات هندسی آجری، هنر چیدن آجر در بناها به‌منظور عرضه‌ی نماهای تزیینی متناسب با شکل و هیئت کلی بنا را آجرکاری می‌نامند. روش‌ها و فنون آجرکاری بسیار متنوع است. آجرها به سبب نوع شکل هندسی و تنوع اندازه‌ها، می‌توانند هزاران ترکیب متنوع را ایجاد کنند. به‌طور عمده آجرها به‌صورت چیدمان در یک سطح (خفته راسته) یا پس‌وپیش قرار دادن برای ایجاد سایه و حجم (خوون‌چینی) و همچنین ایجاد حجم‌های برجسته (قطار بندی برجسته) به کار می‌روند (مکی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۹). تزیین به خشونت و سنگینی مصالحی چون آجر روح بخشیده و آن‌ها را زیبا، سبک و بی‌وزن می‌کند (شکفته و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۷).

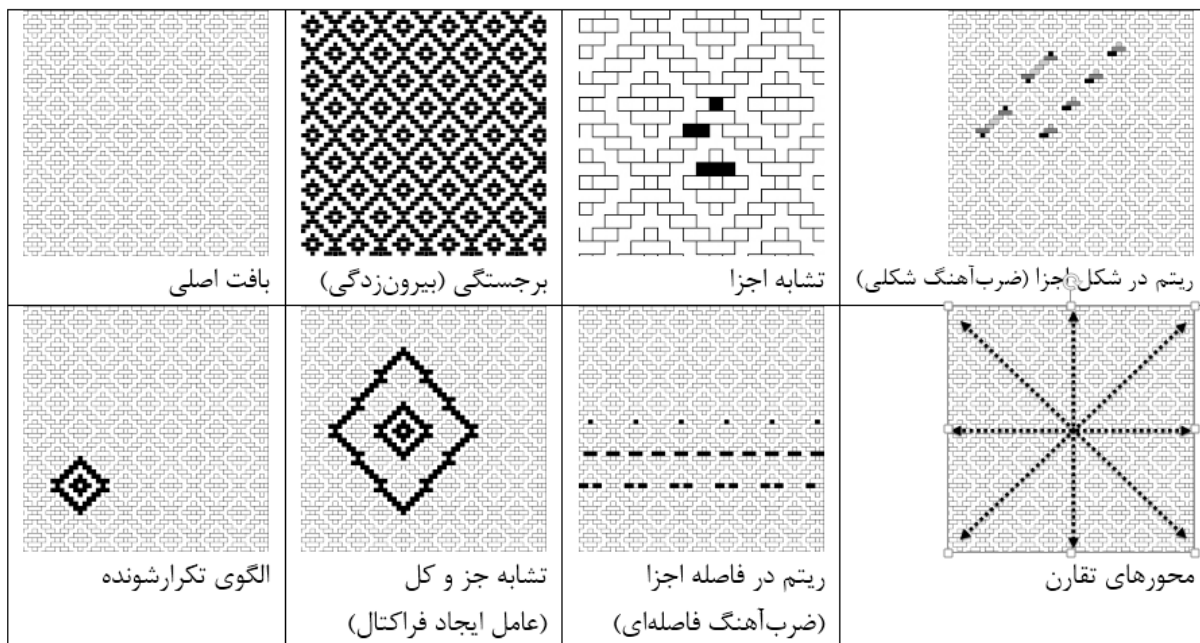
یکی از عناصر اصلی منازل مسکونی، ورودی‌ها است. سردر ورودی نسبت به سایر محیط و اجزاء دیگر از ویژگی‌ها و امتیازات خاصی برخوردار بوده است. زیرا علاوه بر این که به‌عنوان یک عنصر رابط بین برون و درون خانه محسوب می‌شده، از لحاظ زیبایی بصری نیز شاخصی برای تشخیص ارزش هویت و معماری هر ساختمان بوده است. یکی از مکان‌هایی که نشان‌دهنده اعتقادات، باورها و سنت‌های گذشته مردم بوده، سردر منازل است و کتیبه‌ها در پیشانی سردرها قرار می‌گرفتند. کتیبه‌ها علاوه بر آن که در زیباسازی محیط شهری نقش عمده‌ای داشته‌اند، نیازهای روانی و روحی ساکنان و رهگذران را نیز برآورده می‌کردند (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۰). تزیینات کتیبه‌ای در معماری اسلامی مانند آجرکاری،

ویژگی‌های هندسی				طرح هندسی	وضع موجود	ردیف	ویژگی‌های هندسی				طرح هندسی	وضع موجود	
الگوی واحد	تقارن	تنوع	تعادل				الگوی واحد	تقارن	تنوع	تعادل			
*	*	*	*			۱۰	*	*	*			۱	
*	*	*	*			۱۱	*	*	*			۲	
*	*	*	*			۱۲	*	*	*			۳	
*	*	*	*			۱۳	*	*	*			۴	
*	*	*	*			۱۴	*	*	*			۵	
*	*	*	*			۱۵	*	*	*			۶	
*	*	*	*			۱۶	*	*	*			۷	
*	*	*	*			۱۷	*	*	*			۸	
*	*	*	*			۱۸	*	*	*			۹	

جدول شماره ۱: تحلیل هندسی کتیبه‌های سردر خانه‌های سنتی دزفول.



تصویر شماره ۴: انواع آجرهای مورد استفاده در خون چینی (نعیما، ۱۳۷۶: ۵۲)



جدول شماره ۲: تحلیل یک بافت خون چینی

الگوهای هندسی			
الگوی واحد	تقارن	تنوع هندسی	تعادل
۸ مورد	۱۸ مورد	۹ مورد	۱۸ مورد

جدول شماره ۳: استفاده از الگوهای هندسی در نمونه‌های مورد بررسی.

طرح‌های بسیار متنوعی می‌باشند، ولی باین وجود از ویژگی‌های هندسی تقریباً یکسانی بهره می‌برند. از ابتدایی‌ترین اصول هندسی که در این خون چینی‌ها نهفته است، می‌توان به تکرار یک الگوی واحد و تقارن اشاره کرد که به سبب وجود این دو، تعادل محوری نیز ایجاد می‌شود (تصویر شماره ۴).

اصل تکرار به سه صورت «اندازه، شکل و ویژگی جزئیات» می‌تواند

به منظور ارزیابی کتیبه‌های خانه‌های سنتی دزفول، ۱۸ خانه از محله‌های مختلف انتخاب و فرآیند تحلیل هندسی بر روی آن‌ها صورت گرفته است. در مورد هر کدام از این نمونه‌ها ویژگی‌های تعادل، تقارن، تنوع هندسی و الگوی واحد مورد واکاوی قرار گرفته که معماران این بناها از کدام یک از این ویژگی‌ها در طرح هندسی کتیبه‌های خانه‌ها بهره برده‌اند. در (جدول شماره ۱) این ارزیابی نشان داده شده است.

تحلیل هندسی کتیبه سردر خانه‌های سنتی دزفول:

کتیبه‌های اجرا شده در بالای سردر خانه‌های سنتی دزفول به روش خون چینی اجرا می‌شوند. در این روش به کمک برش‌های مختلف آجر و چیدمان آن‌ها اقدام به طراحی یک بافت شده و این بافت در مکان دلخواه اجرا می‌گردد. بافت‌های ایجاد شده به روش خون چینی دارای

مورد استفاده قرار بگیرد و از دو مفهوم «نزدیکی یا مجاورت اجزا و ویژگی بصری مشترک اجزا با یکدیگر» بهره می‌برد (چینگ، ۱۳۹۱). در خوون‌چینی از چند برش مختلف آجر به صورت ثابت استفاده می‌شود و برش‌های مختلف آجر با فواصل مشخصی که در واقع به اندازه‌ی همان ابعاد برش‌های مختلف آجر است نسبت به یکدیگر چیده می‌شوند که در نهایت بیانگر همان اصل تکرار الگوی واحد است. با تکرار الگوها، ریتم ایجاد می‌شود و این الگوها اغلب دارای یک یا چند محور تقارن نیز می‌باشند. با پیشرفت الگو خودمتمشابهی (فراکتال، برخال بودن) آن قابل‌رؤیت می‌شود. در (جدول شماره ۲) یک نمونه از بافت‌های به‌کاررفته در سردر خانه‌های سنتی دزفول تحلیل شده است.

نتیجه‌گیری:

بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش در نهایت می‌توان گفت آنچه در طرح هندسی کتیبه‌های سردر خانه‌های سنتی دزفول مؤثر بوده است علاوه بر عواملی همچون میزان ثروت و سطح رفاه خانواده‌ی مالک بنا که موجب سادگی و یا تنوع و پیچیدگی طرح هندسی کتیبه می‌شد، استفاده از آجرهایی با ابعاد و اندازه‌های یکسان همانند یک مدول که موجب ایجاد طرح‌های هندسی مشابه با الگوهای واحد شده است. معماران این بناها با ایجاد اشکال مختلف از آجر با ابعاد و اندازه‌های مختلف سعی در تنوع بخشیدن و ایجاد جذابیت بصری داشته که در واقع در این امر نیز موفق عمل کرده‌اند. مهم‌ترین شیوه‌ی ایجاد این طرح‌ها استفاده از یک الگوی مشابه و تکرار آن در کل طرح و همچنین استفاده از تقارن محوری و تعادل برای ایجاد یک طرح هندسی یکپارچه و ایجاد نظم کلی در آن است. البته ناگفته نماند که علاوه بر ویژگی‌های یادشده، ایجاد ریتم، اختلاف سطح برای سایه‌اندازی و استفاده از تشابه جز و کل، از دیگر ویژگی‌های مهم این طرح‌های هندسی استفاده‌شده در کتیبه‌های سردر خانه‌های سنتی دزفول است. همه‌ی عوامل گفته‌شده توسط معماران خلاق و هنرمند این بناها با مهم‌ترین مصالح بوم‌آورد این منطقه که همان آجر است به وجود آمده است که موجب ایجاد بناهای چشم‌نواز با طرح‌های هندسی زیبا و متنوع شده است. در پایان در (جدول ۳)، میزان کاربرد هر کدام از الگوهای هندسی در نمونه‌های موردبررسی نشان داده شده است. می‌توان نتیجه گرفت که پرکاربردترین اصول هندسی مورد استفاده در کتیبه‌ی سردر خانه‌های سنتی دزفول، تقارن و تعادل است.

منابع:

- آقاداتودی، محی‌الدین؛ زکریایی کرمانی، ایمان؛ و خواجه احمد عطاری، علی‌رضا (۱۳۹۷). گونه‌شناسی کتیبه‌های مسجد-مدرسه چهارباغ اصفهان با تأکید بر ویژگی‌های ساختاری. پژوهش هنر، سال هشتم (۱۵)، ۷۱-۸۵.
- پرتو، ابوالقاسم (۱۳۷۳). واژه‌یاب فرهنگ برابری‌های پارسی واژگان

بیگانه. چاپ اول، تهران: اساطیر.
- پوپ، آرتور. (۱۳۷۳). معماری ایران. ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات فرهنگان.

- تابان، محسن؛ پور جعفر، محمدرضا؛ بمانیان، محمدرضا؛ و حیدری، شاهین (۱۳۹۱). تأثیر اقلیم بر شکل تزیینات معماری با تکیه بر تحلیل میزان سایه‌اندازی، خوون‌چینی‌های آجری بافت تاریخی دزفول. نقش جهان، ۲ (۲)، ۹۰-۷۲.

- چینگ، فرانسیس دی کی (۱۳۹۱). معماری: فرم، فضا، نظم. ترجمه‌ی علیرضا تغابنی و صدیقه قویدل، تهران: انتشارات کتاب وارث.

- حبیبی، سید محسن؛ اهری، زهرا؛ امینی جدید، شهلا (۱۳۷۱). الگوی ساخت مسکن در شهرهای خوزستان. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

- حسن نژاد، عباس و شقاقی، شهریار (۱۳۹۵). طرح نقوش ایرانی-اسلامی و تزیینات هندسی در قالب معماری معاصر با رویکرد گره هندسی و معماری پارامتریک. پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی- لندن، ۱۱۶۳-۱۱۷۷.

- حسینی، سید هاشم؛ احمدزاده، فریده (۱۳۹۶). مطالعه و شناخت آرایه‌های معماری دو مسجد قاجاری حاج شهبازخان دولت‌شاه در شهر کرمانشاه در قیاس با مسجد سپهسالار در تهران. پژوهش هنر، سال هفتم (۱۴)، ۷۷-۶۳.

- حسینی، سید باقر؛ و سیدین خراسانی، سیده زهرا (۱۳۹۵). آجر در معماری زیبایی‌ها و کارایی‌ها مجموعه جامع مصالح شناسی. تهران: دانشگاه شهید رجایی.

- خواجه‌نوری، الهام؛ فلامکی، محمد منصور؛ و کبودآهنگی، مینا (۱۳۹۶). چگونگی شکل‌گیری و تکامل آجر در معماری ایرانی (ساختار فیزیکی-شیمیایی آجرها). مجله‌ی نخبگان علوم مهندسی، جلد ۲ (۲)، ۲۳۵-۲۰۸.

- خوارزمی، مهسا؛ طاووسی، محمود؛ حسنعلی، پورمند و نیستانی، جواد (۱۳۹۱). مطالعه‌ی در نقوش هندسی تزیینات معماری در مساجد گناباد، ملک زوزن و فریومد. هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۱۷ (۳)، ۲۲-۱۳.

- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- رفیعی سرشکی، بیژن (۱۳۸۱). فرهنگ مهرازی (معماری ایران). تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.

- زرگرزاده دزفولی، مجتبی؛ لاری بقال، سیدکیانوش؛ سلاری نسب، نجمه؛ و بابایی مراد، نجمه (۱۳۹۵). خوون‌چینی، تکامل و تناسب ابعاد آجر در نماسازی‌های آثار معماری دزفول. مطالعات معماری ایران، ۵ (۹)، ۴۷-۶۵.

- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۵). تزیینات آجری در معماری اسلامی ایران. مجله معارف اسلامی سازمان اوقاف، شماره ۲، ۸۸-۸۵.
- شایسته فر، مهناز (۱۳۸۴). نقش تزیینی و پیام‌رسانی کتیبه در معماری اسلامی. کتاب ماه هنر، سال هشتم (۸۹ و ۹۰)، ۱۰۸-۹۴.
- شکفته، عاطفه؛ احمدی، حسین؛ عودباشی، امید (۱۳۹۴). تزیینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزیینات دوران خوارزمشاهیان و ایلخانی. پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳ (۱)، ۱۰۴-۸۴.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کیانی، مصطفی (۱۳۹۲). جایگاه هنر آجر کاری تزیینی در معماری دوره اول پهلوی. نشریه‌ی هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، ۱۸ (۱)، ۲۸-۱۵.
- محمدی، رضا؛ رجبی، محمدعلی (۱۳۸۹). بررسی کتیبه‌های سر در ورودی منازل تهران از دوران قاجار تا کنون. نگره ۵ (۱۵)، ۲۸-۱۹.
- مکی نژاد، مهدی (۱۳۹۱). تزیینات آجرتراشی در معماری. مهرآز ۳ (۵)، ۷۴-۶۶.
- مؤمنی، کورش؛ عطاریان، کورش؛ و میرزاوند، آذین. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی ویژگی‌های تزیینات آجرکاری خانه‌ی آخوند ابو خرم‌آباد و خانه‌ی سوزنگر دزفول. فصلنامه اثر ۳۷ (۷۳): ۱۴۲-۱۲۳.
- مهدوی نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید و مسعودی نژاد، مصطفی (۱۳۹۲). جایگاه اقلیم در ترکیب‌بندی بناهای معاصر (مطالعه موردی: خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول). نشریه‌ی هویت شهر، ۱۰ (۲)، ۷۴-۶۱.
- نعیم، غلامرضا (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. تهران: انتشارات میراث فرهنگی کشور.

سلسله‌مراتب در آلاچیق‌های ترکمن

مقدمه:

شیوه زندگی ترکمن‌ها نیمه کوچ‌نشینی بود. برخی از آنان در محلی ثابت زندگی می‌کردند و به‌گونه‌ای غیرعادی کوچ می‌کردند، معیشت آنان کشاورزی بود و کوچ آن‌ها فصلی و بسته به سردی و گرمی هوا و عمل کشاورزی‌شان بود. این گروه چمور نامیده می‌شدند. در مقابل چارواها بیشتر رهمدار بودند و کوچ آن‌ها مرتبط با چهارپایانشان بود. با این وجود آن‌ها نیز اندک کشاورزی کنار رودخانه‌ها انجام می‌دادند. چارواها ثروتمندتر از چمورها بودند و به‌نوعی افرادی شناخته می‌شدند که شغل دلخواه خود را دارند. فردی از میان چارواها به فقر که دچار می‌شد، می‌آمد و بین چمورها ساکن می‌شد. از آن طرف در میان چمورها کسی اگر ثروتمند می‌شد دامی می‌خرید و در میان چاروا ساکن می‌شد. چارواها به‌گونه‌ای خود را برتر می‌دانستند و معتقد بودند شغل میراثی ترکمن را دارند. چاروا و چمور به دلیل معیشت متفاوت ظاهر متفاوتی نیز دارند (آبرونز، ۱۳۸۶).

در مورد کوچ‌نشینان کشاورز یا همان چمورها کوچ‌نشینی کوتاه و به قصد آسایش بود و از طرفی به دلیل کوچ امکان بهره‌برداری خوب از کشاورزی را نداشتند. در مورد کوچ‌نشینی چاروا مهاجرت به دنبال مرتع رخ می‌داد و هر سال جای مراتع مناسب متفاوت بود (همان).

آلاچیق ترکمن:

آلاچیق‌های ترکمنی در واقع چادرهای عشایری آنان هستند. سازه آن از چوب، نی، نمد و طناب ساخته می‌شود. بنا بر الزامات زندگی عشایری به‌سادگی قابلیت جمع شدن و حمل را دارد و به‌راحتی نیز برپا می‌گردد و به گفته ابوت (ابوت، ۱۸۴۸: ۷۹) بعد از برپایی نیز قابلیت جابه‌جایی را دارد. به این صورت که اتصال آن از زمین قطع شده و چندین نفر زیر آن رفته و آن را بلند می‌کنند و در محل موردنظر قرار می‌دهند. البته طبق بررسی‌های انجام‌شده این گفته ابوت در مورد اووی صادق نیست و شامل گودتیکمه می‌شود.



سپیده ایری

کارشناسی ارشد، مطالعات معماری ایران،
دانشگاه تهران / دبیر کارگروه معماری
کوچ

محل قرارگیری آلاچیق‌ها در اردوگاهی است که اوبه نام دارد. به گفته قورقانیچی (قورقانیچی، ۱۳۶۰) هر طایفه مرکب از چندین اوبه هست و در هر اوبه شخصی بااهمیت وجود دارد که در آلاچیق یا یورت موروثی خود اسکان دارد؛ اقوام یا بستگان او در اطرافش جمع می‌شوند و آن اوبه یا مجموعه را به اسم بزرگ آن سلسله می‌گذارند.

ترتیب چینش

اولین واحد خود آلاچیق یا اوی است که خانواده در آن زندگی می‌کنند. سپس سیرقن را داریم که واحد همگنی از اقوام و خویشاوندان است. اوبا اجتماع سیرقن‌ها است. افراد دارای یک سیرقن نسبت نزدیک‌تری با یکدیگر دارند، پس از آن یورت که محدوده هر تیره یا طایفه است که در آن چندین اوبا جای می‌گیرد (کلته، ۱۳۹۷).

چینش آلاچیق‌ها در اوبا یا اوبه

در گزارش سفر ابوت (ابوت، ۱۸۴۸: ۸۲) آمده که اردوگاه ترکمن‌های صحرائشین به صورت دایره‌ای و یا نیم‌دایره‌ای برپا می‌شده است. در این اردوگاه چادرها به گونه‌ای چیده می‌شدند که درب تمامی آن‌ها به سمت مرکز دایره باز شود. مرکز این دایره را نیز محوطه‌ای تشکیل می‌داده که شب‌ها گاوها، گوسفندان و اسب‌ها را آنجا قرار می‌دادند. دلیل این کار باید در امان نگه‌داشتن آن‌ها از سرقت و نیز باد و بوران باشد؛ زیرا چهارپایان در زندگی عشایر نقش به‌سزایی دارند. این انبوه آلاچیق‌ها توسط رضاشاه (پهلوی، بی تا) به ردیف کلاه‌هایی بزرگ و توسط آرمینیوس وامبری (وامبری، ۱۳۷۲) به انبوهی از کندوهای عسل که در فضای کوچکی دایره‌وار پشت‌هم قرار گرفته‌اند، تشبیه شده‌اند.

حریم:

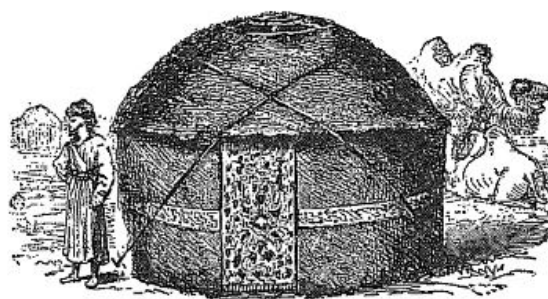
فاصله سکونتگاه‌ها در دوره نیمه کوچ‌نشینی از یکدیگر زیاد بوده. این فاصله را طوری تعیین می‌کردند که چهارپایانشان با یکدیگر مخلوط نشود و درعین حال صدای یکدیگر را در هنگام کمک خواستن بشنوند، چراکه زندگی بر پایه اجتماع افراد بود و نیاز به حمایت یکدیگر در زمان حمله متجاوز و حیوانات وحشی داشتند. (ایری، ۹۸)

حصار و مرز در زندگی عشایر تعریف ذهنی دارد. آن‌ها مرز را با دیوار، حصار، پرچین و ... مشخص نمی‌کرده‌اند. مرز بین آلاچیق‌ها جایی بود که گله آن‌ها نباید آن طرف تر می‌رفت. با شروع اسکان اجباری و مرزبندی‌های دولت، این مرز به مردم القا می‌شود. متوجه می‌شوند که چه خودشان و چه فرزندشان حق تجاوز از آن را ندارند، باین‌حال در عالم واقع به مرز ایجادشده اهمیتی نمی‌دادند.

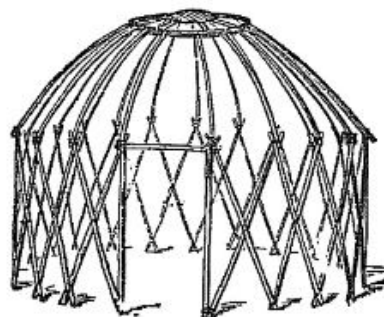
احترام به حریم همسایه در دوره عشایری به حدی بوده که اگر همسایه‌ای برای کوچ از آن منطقه به ناحیه‌ای دیگر می‌رفت، در محل اسکان او کسی ساکن نمی‌شده و آن مکان متعلق به او تلقی می‌شده است.



تصویر شماره ۱: یک آلاچیق ترکمن یا اوی با ساکنان آن.



تصویر شماره ۲: چادر ترکمنی به روایت وامبری.



تصویر شماره ۳: استخوان‌بندی چادر ترکمنی به روایت وامبری.

ساختار یک آلاچیق ترکمن

آلاچیق‌های ترکمن به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: اوی و گودتیکمه. اوی گونه تکامل‌یافته آلاچیق آسیای میانه است که به دو صورت آق اوی و قارا اوی شناخته می‌شود که تفاوت آن‌ها در رنگ نمد مورد استفاده در پوشش است. در آق اوی رنگ این نمد سفید و در قارا اوی این نمد به رنگ سیاه است. برای آق اوی از پشم سفید و مرغوب گوسفند استفاده می‌شده و بنابراین استفاده از آن برای عموم مقدور نبوده است. (کلته، ۱۳۹۷) گودتیکمه نیز گونه‌ای از اوی است که توسط خانوارهای فقیر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در این‌گونه دیواره عمودی که در اوی وجود دارد حذف شده است.

مالکیت در کنار روابط اجتماعی چون احترام معنا پیدا می‌کرده است. چیزی که اکنون جای خود را به سند داده است.

چینش سکونتگاه‌های ترکمن در دوره کوچ‌نشینی به صورت توده‌های آلاچیق در فواصل مشخص بوده است.

به این صورت که اقوام نزدیک کنار یکدیگر ساکن می‌شدند و او که دورتر بود کمی با فاصله در کنار اقوام خود سکونت داشت.

سکونت بر اساس نسبت خونی :

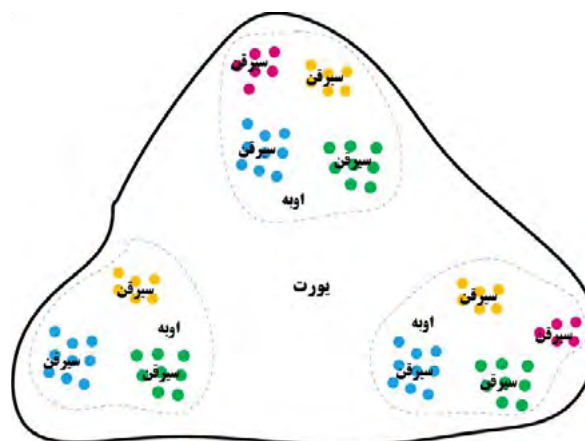
نسبت خونی در هم‌نشینی آلاچیق‌ها حرف اول را می‌زد. به گفته آبرونز غریبه‌ها برای سکونت در یک واحد سکونتی متشکل از اقوام نیاز به اجازه یکایک آنان داشتند (آبرونز، ۱۳۸۶).

مسئله هم‌نشینی با اقوام پدری به حدی پررنگ است که اصطلاح قونقشی به معنای همسایه برای آن‌ها به کار نمی‌رود. قونقشی در روزگار قدیم به شخص غریبه ساکن در گروه سکونتی اقوام اطلاق می‌شده و هنوز هم به غریبه‌هایی که در همسایگی زندگی می‌کنند گفته می‌شود. قونقشی هیچ‌وقت فامیل نیست و هیچ‌گاه نیز به اقوام اطلاق نمی‌گردد. (ایری، ۹۸).

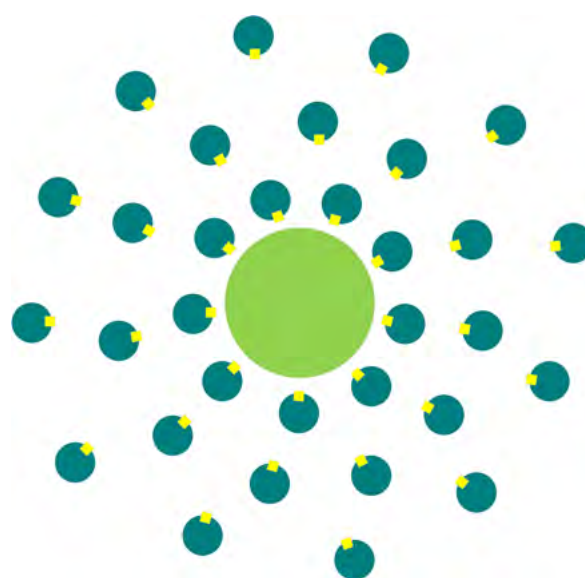
سلسله‌مراتب سکونت درون آلاچیق

مردان در آلاچیق بالای اجاق و در قسمت شمالی آلاچیق می‌نشستند. جایگاهی که نشان از مردسالار بودن خانواده و حتی سازمان اجتماعی قوم ترکمن دارد که در آن مردها از اهمیت بالایی برخوردارند. با اسکان در خانه‌های خشتی و چوبی و شکل‌گیری اتاق‌ها، در صورت وجود بخاری هیزمی و جایگزینی آن با اجاق، مرد همچنان بالای آن می‌نشسته تا جایگاه خود را نشان دهد. در صورت نبود بخاری نیز همچنان بالای اتاق می‌نشست. در زندگی معاصر با تغییر جای بخاری و از بین رفتن محور جداکننده بالا و پایین اتاق، نظام استقرار مرد در اتاق نیز تغییر کرد. اکنون مرد می‌تواند در هر اتاقی در هر مکانی از اتاق بنشیند و مکانی به‌عنوان جایگاه او وجود ندارد. این را می‌توان دلالت بر تغییر آرام سازمان اجتماعی ترکمن نیز دانست. آن نظام مردسالار در حال تغییر است و مرد دیگر جایگاه نشستن مشخص نیز ندارد.

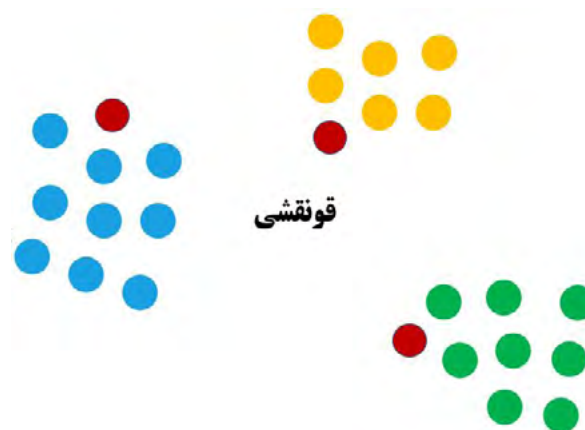
زنان در آلاچیق در جبهه غربی می‌نشستند. چراکه این جبهه محل قرارگیری لبنیات و غذیه مورد استفاده، محل قرارگیری ظروف و نیز لحاف و تشک بوده. به عبارتی آنچه زن در وظایف روزانه‌اش به آن‌ها نیاز داشته در جبهه غربی بوده، می‌توان این سمت از آلاچیق و در واقع اجاق را، در حکم آشپزخانه‌های امروزی دانست. وسایل داخل آلاچیق تحت نظام خاصی قرار می‌گرفتند. کفش‌ها معمولاً داخل و پای اجاق بودند. در دوره اسکان نیز کفش در ایوان قرار می‌گرفت. در واقع ایوان حکم آن فضای برهنه قبل از اجاق را پیدا کرده بود. در دوره معاصر کفش‌ها بعضاً از ایوان هم پایین‌تر آمدند و روی زمین قرار گرفتند تا نظافت ایوان که حال به‌عنوان بخشی از خانه شناخته می‌شد، رعایت شود. لبنیات که در غرب آلاچیق و کنار در ورودی جای می‌گرفت (ایری، ۹۸).



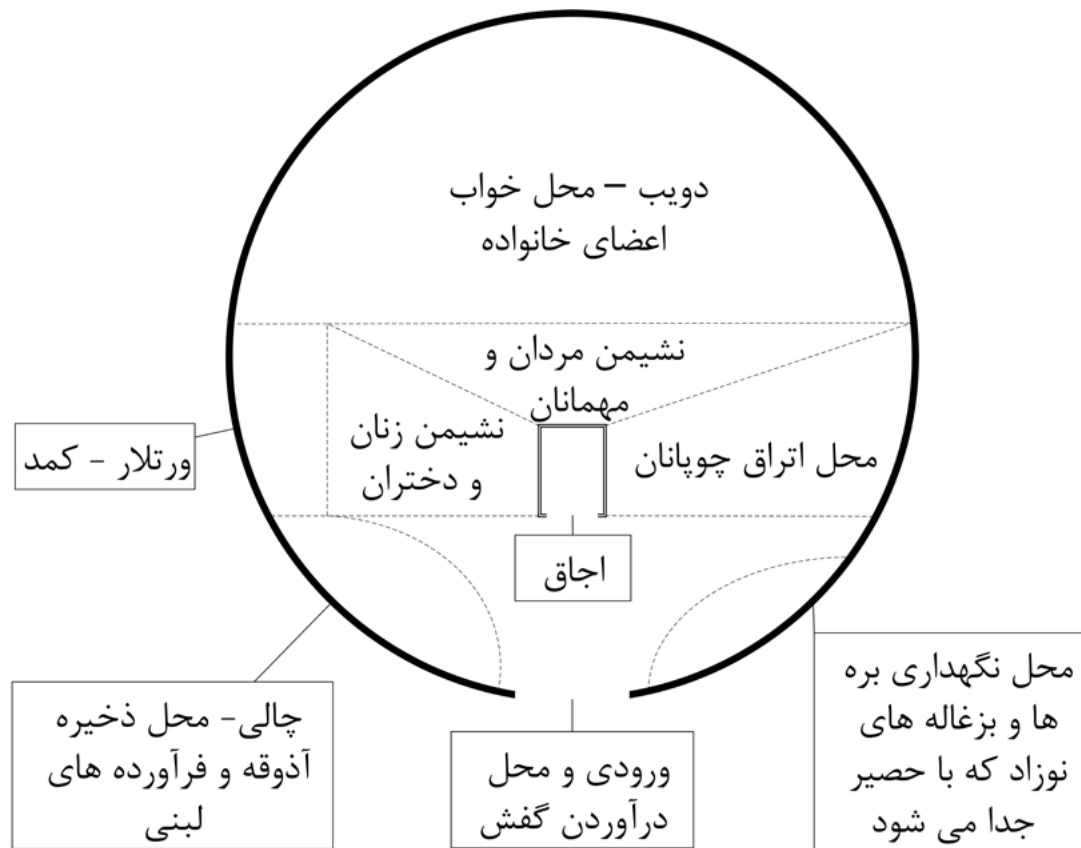
تصویر شماره ۴ : سلسله‌مراتب سکونت‌گاه ترکمن.



تصویر شماره ۵ : نحوه قرارگیری آلاچیق‌های ترکمن.



تصویر شماره ۶ : سکونت بر اساس نسبت خونی.



تصویر شماره ۷: چینش درون آلاچیق ترکمن یا اوی.

نتیجه:

همان طور که مشاهده شد، سکونت عشایر ترکمن در پی نظمی بوده است. از بیرونی ترین لایه سکونت تا درونی ترین بخش آلاچیق نظمی حاکی از وجود یک سلسله مراتب وجود دارد. چه چیزی این نظم را شکل می دهد؟ این خود می تواند موضوع پژوهشی جداگانه باشد، اما بی شک ترکیبی از عوامل اجتماعی، طبیعی، نیاز فیزیکی و عوامل روانی در شکل گیری این سلسله مراتب نقش داشته اند.

نظم موجود در چینش درون اوی، خبر از یک سلسله مراتب پدرسالارانه دارد. سلسله مراتبی که درون یک اوی از بزغاله مریش گله تا مهمان را جای می دهد.

چنانکه دیدیم مناسبات پدرسالارانه بر قرارگیری آلاچیق ها و نیز چینش درون آن ها تأثیر می گذاشته است. این نشان از آن دارد که در زندگی عشایری، ساختار اجتماعی زندگی بر کالبد آن غالب است. در واقع کالبد زندگی عشایری در تعامل و تقابل نیروهای مختلفی از جمله مناسبات قبیله ای شکل می گیرد.

آنچه می توان از معماری عشایر ترکمن آموخت شاید همین باشد که بعد اجتماعی زندگی را پررنگ تر دید و به سلسله مراتب آن پایبند ماند. چیزی که می توان به طور کلی در معماری سنتی ایران نیز مشاهده کرد که معماری فعلی ایران فاقد آن است.

منابع:

- پهلوی، رضا. (بی تا). «سفرنامه مازندران». (بی جا)
- قورقانی، محمدعلی (صورت نظام). ۱۳۶۰. نخبه سیفیه به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- کلت، ابراهیم. ۱۳۹۷. «اوی: مسکن سنتی عشایر ترکمن». مجله معمار، شماره ۱۱۱، مهر و آبان ۱۳۹۷. ص: ۳۵-۳۶.
- گزارش. «گزارش سفر کنسول ابوت به سواحل بحر خزر در طول اول نوامبر ۱۸۴۷ تا ۱۷ فوریه ۱۸۴۸». مترجم: سیف، احمد. اسناد وزارت امور خارجه انگلستان: محرمانه، شماره ۱۳۶.
- وامبری، آرمینیوس. ۱۳۷۲. «زندگی و سفرهای وامبری». مترجم: آریا، محمدحسین. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- آبرونز، ویلیام جی. ۱۳۸۵. «ترکمن های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک زبان در آسیای مرکزی». مترجم: کنعانی، محمدمین. چاپ اول، ۱۳۸۶. تهران: نشر افکار.
- [۱] ایری، سپیده. ۱۳۹۸. «مطالعه تحولات الگوی مسکن بومی ترکمن در سه پهنه فرهنگی نیمه کوچ نشینی، یکجانشینی و شهرنشینی». پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: عینی فر، علیرضا و اندرودی، الهام. تهران: دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا.

جذام*

معماری بومی، معماری است مردمی، توسط مردم و نه برای مردم، بر اساس تجربه و شکل گرفته به مرور زمان، وابسته و در ارتباط با بستر و منابع در دسترس، با استفاده از فناوری‌های سنتی، برای برآورده کردن نیازهای خاص، مطابق با فرهنگ، ارزش‌ها، روش‌ها و آداب زندگی، تولید و اقتصاد (Oliver, 2003). از طرفی کشورهایمانند ایران که تحت تأثیر سوانح مختلف طبیعی از جمله سیل، زلزله و طوفان‌ها قرار دارند مجبور به مداخله در آن برای استحکام بخشی در جهت کاهش خطر بلایا شده‌اند. از پیش از انقلاب تاکنون دولت‌ها طرح‌های گوناگونی را برای کاهش خطر بلایا در کشور به اجرا گذاشته‌اند. در این شماره و شماره بعد به بررسی طرح‌های بهسازی و نوسازی و اهداف و نتایج آن‌ها در معماری بومی استان کرمان به‌عنوان یکی از استان‌هایی که این طرح‌ها در آن از پیشرفت بالایی برخوردارند خواهیم پرداخت.

طرح بهسازی مسکن روستایی از سال ۱۳۷۴ توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با هدف بهبود کیفیت مسکن و بافت روستایی و ارتقاء سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش مسکن روستایی آغاز گردید. این مهم توأم با ارائه تسهیلات و زیرساخت‌ها، به دنبال ایجاد حس تعلق به مکان، حفظ تراکم جمعیت خانوار، بهبود سیمای بصری و چشم‌انداز روستا، مقاوم‌سازی مسکن و در نتیجه بهسازی زندگی روستایی بوده است، هرچند با فراز و نشیب‌ها و مشکلات فراوان اداری و اجرایی روبرو شد.

لیکن به‌منظور تسریع در روند اجرای بهسازی مسکن روستایی و نیل به اهداف این طرح و با عنایت به کسب تجارب ارزنده و شناسایی نقاط ضعف و کمبود سال‌های گذشته، طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی در سال ۱۳۸۴ در هیئت دولت مطرح شد و به تصویب رسید. این طرح با تغییر در ساختمان‌های بی‌دوام به بناهای بادوام، طی یک دوره مشخص ۱۰ ساله و ساخت ۲ میلیون واحد روستایی برنامه‌ریزی شد (Bonyadmaskan.ir). پروژه مذکور با نظارت معاونت بازسازی دفتر مرکزی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و توسط ادارات کل بنیاد



عرفان امیری آذر

کارشناسی ارشد، مطالعات معماری
ایران، دانشگاه تهران / عضو کارگروه
معماری بومی شرق فلات مرکزی
(کرمان، یزد)

درنگ

مسکن انقلاب اسلامی و با انتخاب مشاور در هریک از استان‌های کشور آغاز گردید (خانقاهی، ۱۳۹۴: ۲۲).

به‌منظور حفظ هویت معماری روستاهای کشور و همچنین توجه به نیازهای متأثر از شرایط روز، تعداد ۳۰ مشاور جهت تهیه الگوهای معماری روستایی هر استان با توجه به موقعیت و شرایط جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... فعالیت انتخاب شدند. مشاورین پس از انجام مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی، احکام و ضوابط طراحی الگوهای همساز با اقلیم، معیشت، فرهنگ و... را در مناطق روستایی استان‌ها تهیه نمودند (Bonyadmaskan.ir). برای این منظور روستاهای هر استان بر اساس ویژگی‌های مشترک هویتی و گاه اقلیمی به چند گروه مشخص دسته‌بندی شده، سپس از بین هر گروه، روستاهایی که به نظر می‌آید تعداد الگوهای مسکن بومی در آن روستاها بیشتر از سایرین باشد انتخاب شدند. مطالعات و برداشت میدانی از تعدادی مسکن انتخابی در روستاهای مذکور انجام می‌شد. اغلب این مسکن قدیمی بوده و عمدتاً از نظر طرح معماری، جزییات اجرایی و مصالح مصرفی و فن ساخت به‌صورت بومی بودند. برخی از ساختمان‌ها نیز نوساز بوده و اکثراً با مصالح جدید و غیربومی ساخته شده بودند. برخی از خانه‌ها هم ترکیبی از سبک‌های قدیمی و نوساز بودند. اطلاعات جمع‌آوری شده توسط کارشناسان مشاور تحلیل شده و در قالب ضوابط طراحی استخراج می‌شدند. نهایتاً الگوهای پیشنهادی مشاور بر اساس ضوابط استخراج شده، طراحی و ارائه می‌شد.

هدف اصلی این پروسه توجه به ویژگی‌های کیفی مسکن و ارائه الگوهای مطلوب و متناسب با شرایط و نیازهای بافت‌های روستایی برای روستاهای مناطق مختلف کشور بود. به‌نحوی که این الگوها در خدمت کاهش مصرف انرژی، بالا بردن سطح بهداشت و آسایش، افزایش مقاومت سازه‌ای، استفاده از مصالح بادوام محلی و صرفه اقتصادی بوده و به‌طور کلی متناسب با شرایط زیست‌بوم و نیازهای روستاییان هر منطقه باشد. منشور اهداف طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی زیربنای نگرش به مسکن روستایی را در طرح مذکور تعریف و راه رسیدن به مسکن مطلوب را ترسیم کرده بود (خانقاهی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳).

در این منشور اهداف زیر ذکر شده است:

- احداث مسکن مقاوم و بادوام روستایی
- تلاش در حفظ هویت معماری بومی مسکن روستایی
- تأمین جنبه زیباشناسانه سیمای روستا
- تأمین مسکن متناسب با نیاز روستایی
- احداث مسکن سبز
- تغییر فضای روستا از محیطی غیربهداشتی، آسیب‌پذیر و روبه‌زوال به فضای سرزنده، شاداب و جذاب به لحاظ
- جلوگیری از مهاجرت

- کاربرد مسکن روستایی با زندگی امروزی
- گذر از نگرش (تأمین سرپناه برای روستایی) به (تأمین مسکن برای روستایی)

- ارتقاء توسعه سکونتگاه‌های روستایی و تلاش در نزدیکی سطح بهره‌مندی از رفاهیات شهرها و روستاها
- تلاش در بهینه‌سازی مصرف انرژی در مسکن روستایی
- افزایش قابلیت و سرعت اجرای طرح‌های کالبدی و عمرانی روستاها
- تأمین بهداشت محیط روستایی با تولید انبوه مسکن روستایی بهداشتی (ارتقاء سطح بهداشت در سکونتگاه‌های روستایی)

- تلاش در به حداقل رساندن آثار مخرب تقلید کورکورانه از ظواهر شهری نامناسب در تولید مسکن روستایی
- ایجاد تحرک در چرخه تولید مسکن روستایی
- ترویج الگوهای منتخب و برجسته معماری روستایی به لحاظ فرم و جنبه‌های زیباشناختی سیمای روستا
- ترویج فرهنگ بیمه و ایجاد زمینه‌های لازم جهت پوشش قرار دادن واحدهای احداثی مسکن روستایی

همان‌طور که گفته شد این پروژه بر اساس مطالعه نمونه‌های مسکن بومی، به دنبال روش‌ها و ضوابطی بود که با استفاده از آن‌ها طرح پیشنهادی برای خانه‌های جدید روستایی را، متناسب با اهداف مذکور ارائه نماید. بهره‌گیری از راهکارهای بومی در هرکدام از مناطق و تلفیق آن با توان مهندسی روز روشی برای رسیدن به الگوهای مطلوب مسکونی بود (خانقاهی، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۳).

اما نتایج این تلاش‌ها آن چیزی نبود که دنبال می‌شد. در عمل نه کاربران از الگوهای پیشنهادی استقبال کردند و نه دولت‌ها به استفاده از آن‌ها تمایلی داشتند. این در حالی است که تاکنون حدود ۴۰ درصد در سطح کشور و حدود ۶۵ درصد از واحدهای روستایی استان کرمان مقاوم‌سازی شده‌اند اما در اجرای مقاوم‌سازی تنها به بحث‌های فنی و سازه‌ای توجه شده است.

علل عدم استقبال را در سه دسته کاربران، تصمیم‌گیرندگان و متولیان اجرا می‌توان بررسی کرد. در بحث عدم تمایل کاربران به استفاده از طرح‌ها ۱- بحث لزوم یا عدم لزوم مداخله در طرح مسکن روستایی، ۲- نحوه مداخله در مسکن روستایی، ۳- معیار دسته‌بندی مجموعه‌های مختلف روستایی، ۴- نحوه انتخاب نمونه روستا در بین کل روستاهای منطقه به‌منظور ارزیابی الگوها و شرایط وضع موجود، ۵- روش انتخاب نمونه خانه از بین کل خانه‌های روستاهای نمونه، ۶- روش برداشت از نمونه خانه‌های انتخاب شده، ۷- تخصص حرفه‌ای، شرایط و سوابق ذهنی فرد یا گروه مداخله‌گر، ۸- ویژگی‌ها، وجوه و اجزای باارزش موجود در هرکدام از



تصویر شماره ۱ : الگوهای پیشنهادی مشاور طرح ویژه بهسازی و نوسازی استان کرمان. بالا راست اقلیم سرد، بالا چپ اقلیم گرم و خشک، پایین راست اقلیم گرم و نیمه مرطوب و پایین چپ الگوی آزاد.



تصویر شماره ۲ : الگوی اجراشده در نقاط مختلف استان کرمان

الگوهای رفتاری جامعه یا اشکال مسکن که ممکن است از دید طراح مخفی بماند (خانقاهی، ۱۳۹۴: ۲۴-۲۵) و موارد مشابه دیگر، از جمله مواردی بودند که بی‌توجهی به هرکدام از آن‌ها مسیر مطالعه و طراحی را به بیراهه کشاند و باعث شد طرح‌های پیشنهادی موردپسند روستاییان قرار نگیرند. در بعد تصمیم‌گیرندگان تصمیمات سیاسی، تبلیغات سیاسی، عدم وجود افراد متخصص در بدنه تصمیم‌گیرندگان باعث شد دولت‌ها تنها به بعد سرعت، کمیت، حداقل هزینه و عدم آسیب در زمان زلزله توجه کنند و به علت در تناقض بودن طرح‌ها با اهداف فوق طرح‌ها را کنار بگذارند. در بعد متولیان فشار دولت‌ها برای تسریع در احداث و پایین بودن میزان تسهیلات پرداختی، درگیر منافع مالی شدن در بحث تأمین مصالح، عدم استفاده از نیروهای متخصص معمار و شهرساز در بدنه کارمندان و مدیران از جمله مواردی بود که کمی‌گرایی و فنی‌گرایی جای تأمین ظرف زندگی را گرفت. این اتفاق باعث تغییرات در زندگی کاربران شده است. این تغییرات ممکن است در مواردی مثبت و در مواردی منفی باشند. در شماره بعدی به این تغییرات پرداخته خواهد شد.

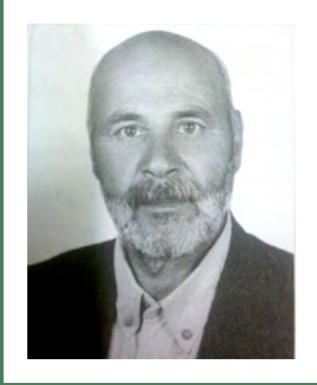
منابع:

- حاتمی خانقاهی، توحید. (۱۳۹۴). وجوه پیدا و پنهان مسکن روستایی (سنجش قابلیت کاربرد روش تحقیق کیو). اکبر حاج ابراهیم زرگر، محسن سرتیپی پور. رساله دکتری، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

Dwellings: The Vernacular ,(2003).Oliver, P
.House Worlds Wide. New York: Phaidon Press
Bonyadmaskan.ir/Pages/Introduction.aspx
Bonyadmaskan.ir/Pages/RuralRebuilding.
aspx

* گزارش حاضر صرفاً بیان آرا و ارزیابی نویسنده محترم است و کمیته معماری بومی ایکوموس ایران از سایر نظرات تخصصی موافق و یا مخالف با موارد ذکر شده

استقبال می‌نماید.



یادبود استاد اسماعیل مهربان

یادداشتی از مهندس حسین حیدری، کارشناس پیشکسوت مرمت میراث فرهنگی خراسان

به هر گوشه‌ای گنبدی ساخته -- سرش را به ابر اندر افراخته
سراسر همه کاخ و ایوان و باغ -- همی تافت هر سو چو روشن چراغ
ز بس باغ و ایوان و آب روان -- برآمیخت گفتی، خرد با روان

بی تردید تا تاریخ است، انسان‌ها تلاش می‌کنند در بستر طبیعی پیرامون خود فضای مصنوعی را پدیدآورند که بیانگر رابطه‌ی آن‌ها با هستی و حقایق آن است پس این مسیر که از شگفت‌آورترین دستاوردهای بشری در طول زمان است پایان‌ناپذیر خواهد بود. امیدواریم علیرغم همه تنگناهای موجود طی این طریق و ادامه این مسیر با تعهد، همت و عشق و انگیزه تداوم یابد.

مرمت کاران بناهای تاریخی در دورافتاده‌ترین مکان‌ها و دور از شهر و آبادی با کمترین امکانات اقامتی و کارگاهی و در بدترین شرایط آب هوایی، به دور از خانه و کاشانه گرم خانواده و دور از همسر و فرزند به صورت شبانه‌روزی با همت و عشق و علاقه آثار ارزشمند تاریخی و فرهنگی را آجر به آجر و سنگ به سنگ و کاشی به کاشی با ظرافت و دقت تعمیر و ترمیم کرده و آن‌ها که تا قبل از آن به‌طور مایوس‌کننده‌ای مخروبه مانده بود دوباره به زیبایی می‌آیند تا هنر و خلاقیت و دانش گذشتگان رخ بنماید تا نسل کنونی و آیندگان به ارزش کار بزرگ پدران خویش بیش‌ازپیش آگاه گردند.

از آن نسل انسان‌های پرتلاش و عاشق که با هنر خود برای فرهنگ و تاریخ این مملکت افتخار آفرید استاد محمد اسماعیل مهربان از استادکاران خوش‌نام و به نام خراسان بود. که عملکرد وی خود هویت و شناسنامه تمامی آن آثاری است که در آن‌ها فعالیت داشته که بایستی در تاریخ معماری کشور ثبت و ضبط گردد.

وی از استادکاران برجسته میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری خراسان بود که در سال ۱۳۳۰ در نیشابور متولد گردید و از ابتدای نوجوانی از سال ۱۳۴۲ با شرکت ک.ژ.ت با نظارت مهندس کریستو گیو جودت تا سال ۱۳۴۷ مشغول بکار بود. او طی ۶ سال کار با آن شرکت نسبت به پیاده نمودن سنگ‌های آرامگاه فردوسی و شماره بندی آن‌ها و نگهداری آن‌ها در باغچه‌های اطراف آرامگاه، در ساخت ساختمان‌های موزه و رستوران و ساختمان‌های هفت‌دستگاه و مخزن و ساختمان‌های اداری فعالیت داشت.

از سال ۱۳۴۷ تا سال ۱۳۵۰ زیر نظر انجمن آثار ملی و با نظارت مهندس بهرام جودت سنگ‌های آب‌نماهای محوطه از نوع سنگ گرانیت و مجسمه‌ها در طبقه پائین آرامگاه را نصب نمود.

از سال ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۲ با انجمن آثار ملی زیر نظر مهندس میرزا حسین‌خان جودت ساختمان گلی و مخروبه آرامگاه کاشفی در شهر سبزوار جمع‌آوری و ساختمان فعلی از ابتدا تا انتها ساخت.





از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۳ با انجمن آثار ملی و با نظارت مهندس میرزا حسین‌خان جودت دیوارهای گلی مقبره ابن‌یمن در فریومد شهرستان شاهرود را جمع‌آوری و بجای آن ساختمان فعلی ساخته شد.

در سال‌های ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ با انجمن آثار ملی و نظارت مهندس میرزا حسین‌خان جودت دیوارهای گلی آرامگاه بیهقی در شهرستان سبزوار برچیده و آرامگاه فعلی بنیان نهاده شد.

در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ با انجمن آثار ملی و با نظارت مهندس میرزا حسین‌خان جودت ساختمان آرامگاه ملا هادی سبزواری واقع در شهر سبزوار ناسازی و گنبد آن کاشی‌کاری و سه ایوانچه در سه ضلع آرامگاه ساخته و اضافه شد.

در سال ۱۳۵۸ با انجمن آثار ملی و نظارت مهندس میرزا حسین‌خان جودت به مدت ۶ ماه یک ساختمان از سه ساختمان موجود از آرامگاه ابوالحسن خرقانی در شهرستان شاهرود که فرسوده شده برداشته و مجدداً ساخته شد.

در سال ۱۳۵۷ با انجمن آثار ملی و نظارت مهندس بهرام جودت، جدول‌کشی و خیابان‌کشی و محوطه‌سازی پردیس آرامگاه فردوسی را آغاز که با پیروزی انقلاب اسلامی ناتمام رها شد.

با ادغام انجمن آثار ملی که در ساختار سازمانی وزارت ارشاد اسلامی قرار داشت، با سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران که بعداً این سازمان میراث فرهنگی نامیده شد. افتخار بهره‌مندی از تجربه استاد محمد اسماعیل مهربان که تا قبل از ادغام معطوف ساخت‌وسازهای انجمن آثار ملی بود علاوه بر آن نصیب بناهای ارزشمند تاریخی میراث فرهنگی گردید.

از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۶۸ به صورت متناوب همکاری و فعالیت داشته است.

سال ۱۳۶۹ با میراث فرهنگی خراسان و به مدت ۸ ماه در آرامگاه فردوسی برای آماده‌سازی آرامگاه و محوطه آن برای برگزاری هزاره فردوسی از قبیل تعویض سنگ‌های زیر دست‌اندازهای دور آرامگاه اقدام شد.

سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به مدت نه ماه با میراث فرهنگی در شهر نیشابور آرامگاه عطار ضمن سرپرستی کارگاه نسبت به اجرای کانال زهکشی و پر کردن کانال با سنگ لاشه و محوطه‌سازی و خیابان‌کشی و قله‌سنگ فرش آن اجرا شد.

سال ۱۳۷۰ به مدت ۴ ماه با میراث فرهنگی خراسان در کارگاه رباط شرف در شهرستان سرخس ضمن سرپرستی کارگاه نسبت به پاک‌سازی اتاق‌ها و محوطه و کاه‌گل پشت‌بام و حفر یک حلقه چاه و نصب در ورودی و پوشش با ورق روی سقف ایوان سوم رباط برای جلوگیری از تخریب تزیینات از باران و برف اقدام شد.

سال ۱۳۷۱ به مدت ۵ ماه همکاری با میراث فرهنگی در بنای تاریخی





روستای نوبندگان، شهرستان فسا، فارس، آلاله حجتی، ۱۳۹۸.

روستای نوبندگان، شهرستان فسا، فارس، آلاله حجتی، ۱۳۹۸.



روستای نوبندگان، شهرستان فسا، فارس، آلاله حجتی، ۱۳۹۸.





روستای نوپندگان، شهرستان فسا، فارس، آلاه حجتی، ۱۳۹۸.





روستای قلعه بالا، سمنان، محمد عباسی، ۱۳۹۸.



روستای پیرحاجات، خراسان جنوبی، محمد احمدیان هروی، ۱۳۹۳.



روستای پیرحاجات، خراسان جنوبی، محمد احمدیان هروی، ۱۳۹۳.

روز جهانی بناها و محوطه‌های تاریخ
۱۸ آوریل ۲۰۲۱ / ۲۹ فروردین ۱۴۰۰

گذشته‌های پیچیده: آینده‌های گوناگون



موسسه فرهنگی ایکوموس ایران

در باره‌ی روز جهانی بناها و محوطه‌ها*:

در سال ۱۹۸۲، ایکوموس ۱۸ آوریل را به عنوان روز جهانی بناها و محوطه‌ها نام‌گذاری کرد. یونسکو در سال بعد، در بیست و دومین کنفرانس عمومی خود، این تصمیم را به تصویب رساند. از آن پس ۱۸ آوریل به روز بزرگداشت و اشاعه‌ی میراث فرهنگی و فرصتی برای ارتقای آگاهی از تنوع و ارتباط آن با ما بدل شد و روزی برای اینکه دریابیم میراث فرهنگی تا چه اندازه می‌تواند آسیب‌پذیر باشد و الزامات و منافع حفاظت از آن چیست. ایکوموس هر سال موضوعی را تعیین می‌کند تا اعضا، کمیته‌های ملی و بین‌المللی علمی، همکاران، و سایر علاقه‌مندان برای آن فعالیت‌هایی تدارک ببینند.

با احترام به درخواست جهانی برای فراگیری و به رسمیت شناختن تنوع، روز جهانی بناها و محوطه‌های سال ۲۰۲۱ خواستار این است که کلیه‌ی مشارکت‌کنندگان در روایت‌های موجود تأمل و آنها را بازتفسیر و بازآزمایی کنند.

ایکوموس از شما دعوت می‌کند تا برای مساهمت در تجربه‌ها گرد هم آیید — البته در انطباق با رهنمودهای مقامات ملی و محلی برای رعایت ایمنی شرکت‌کنندگان در شرایط همه‌گیری کووید-۱۹.

گذشته‌های پیچیده: آینده‌های گوناگون

حفاظت از میراث فرهنگی مستلزم ارزیابی نقادانه گذشته است، همچنان‌که اجرای آن نیازمند پیش‌بینی برای آینده است. در سال‌های

اخیر، مباحثه درباره حذف یا محو کردن روایاتی خاص، و رجحان دادن به برخی داستان‌ها نسبت به دیگران، اوج گرفته است. بنابراین پرهیز از نگاه‌ها و تفسیرهای جانب‌دارانه از گذشته هنگام سخن گفتن درباره این تاریخ‌های پرمجاده، مستلزم گفت‌وگوهایی پیچیده است. معاهده میراث جهانی (۱۹۷۲) چنین عنوان می‌کند: «ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی موجب فقر شدید میراث همه ملل جهان می‌شود» - با این حال عدم تعادل در شناسایی، تفسیر، و نهایتاً در حفاظت مظاهر فرهنگی گوناگون همچنان تداوم دارد. ایکوموس مشتاق است تا برای حمایت از دیدگاه‌های متنوع و فراگیر، به اشاعه گفتمان‌های تازه، و رویکردهای متفاوت و منحصر به فرد بپردازد.

کشف و ایجاد روایت‌های فراگیرتر می‌تواند طیفی گسترده از موضوعات حفاظتی را در بر بگیرد، از بناهای ویران‌شده در تعدی‌ها در فضاهای شهری مشترک تا پرداختن به محوطه‌های آبا و اجدادی، و قلمروهای بومی در منظرهای فرهنگی. امروز بناها و محوطه‌های بسیاری با گذشته و اهمیت چندلایه وجود دارند که نیازمند رویکردهای فراگیرند.

در این دهه «اقدام برای توسعه پایدار» سازمان ملل متحد، ایکوموس نیاز به توجه ویژه به میراثی که بیانگر فرهنگ‌ها و جوامع متنوع است را تشخیص داده و از حقوق مساوی زنان و جوامع برای به نمایش گذاشتن آینده‌ای با رواداری بیشتر و صلح حمایت می‌کند. بنابراین از شما می‌خواهیم که در عملی کردن این خواست که مجدداً مطرح شده است، به ما بپیوندید: آینده‌های توأم با عدل و داد مستلزم تفاسیر باز، روادارانه، و همدلانه از فلسفه‌ها و کنش‌های مربوط به میراث در زمان حال هستند، و این با تأمل در خود آغاز می‌شود. روز جهانی بناها و محوطه‌ها در سال ۲۰۲۱ ملهم است از گفت‌وگوهایی مقطعی‌ای که به ابتکار ایکوموس برگزار شده و شامل - و نه محدود به - این موارد است: افتتاحیه کارگاه «میراث را متنوع/نامستعمرانه کنید!» (ژوئیه ۲۰۲۰)، سمپوزیم‌های متعدد تشکیل شده درباره «فرهنگ‌های مشترک، میراث مشترک، مسئولیت مشترک»، کارگاه‌های مربوط به حقوق بشر و مدیریت میراث، وینارهای پیرامون «مردم بومی و میراث جهانی»، و «مردم + صلح: نقش میراث فرهنگی در بناکردن جهانی عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر از راه آموزش، تنوع، و دربرگیری جوامع».

تدابیر متعددی مانند «اقدام‌های اقلیمی»، «رویکردهای حق‌مبنا به میراث» در طول دهه اقدام برای توسعه پایدار، و «مسافرت فرهنگ - طبیعت» مسیریابی به سوی روایت‌های فراگیرتر پدید آورده‌اند.

روز جهانی بناها و محوطه‌ها در سال ۲۰۲۱ فرصتی برای ایجاد زیرساختی باز برای انواع مشارکت و همکاری پدید می‌آورد.

مشارکت کنید!

بیشتر رویدادها، به سبب شرایط فراگیری جهانی بیماری کووید-۱۹ به صورت برخط در دسترس خواهند بود. از شما می‌خواهیم که با برگزارکنندگان رویدادها در کشورتان در تماس باشید.

قالب‌های همکاری می‌تواند از جمله شامل موارد زیر باشد:

ارسال ویدئوهای (حداکثر) ۱-۲ دقیقه‌ای از هر کمیته ملی، کمیته بین‌المللی علمی، و کارگروه که رویکردهای محلی و منطقه‌ای به سوی ایجاد روایت‌های فراگیر را نشان دهد. این ویدئوها را می‌توان در زیرساخت‌های شبکه‌های اجتماعی ایکوموس منتشر کرد. توضیح، شرح لازم در مورد هر ویدئو، و نیز هشت‌تگ‌های مربوط به آن را فراموش نکنید.

ارسال عکس‌هایی با توضیح درباره رویکردهای کنونی، روایت‌های در حال تغییر، و اهداف آینده. لطفاً مطمئن باشید که شما از حق ارسال و انتشار عکس‌ها در شبکه‌های اجتماعی برخوردارید.

برای تأمل در خلأهای نظری و عملی جاری، میزگردها و وبینارهای مجازی برگزار کنید و کارگاه‌هایی پیشنهاد دهید و از دیگران برای شرکت در آنها دعوت کنید. در شبکه‌های اجتماعی ماجراهایی دربارهٔ گذشتهٔ پیچیدهٔ خود بگویید تا به روایت‌هایی فراگیرتر برای آیندهٔ متنوع‌تر دست یابیم. استفاده از تصویر و هش‌تگ را فراموش نکنید.

برای پیوستن به این رویداد از هش‌تگ زیر استفاده کنید:

#۱۸April #ICOMOS #ComplexPast #DiverseFutures #IDMS2021 #IcomosIDMS2021

برای تقویت اقدامات ایکوموس در نشان دادن میراث به مثابه عامل محرک رسیدن به توسعهٔ پایدار، از برگزارکنندگان رویدادها درخواست می‌کنیم که از آیکان‌های مرتبط اهداف توسعهٔ پایدار استفاده کنند.

این آیکان‌ها را می‌توانید از این نشانی دریافت کنید:

<https://www.un.org/sustainabledevelopment/news/communications-material>

لطفاً ما را از رویدادهای خود باخبر کنید

لطفاً دبیرخانهٔ بین‌المللی ایکوموس را از برنامه‌های ۱۸ آوریل خود مطلع سازید تا بتوانیم آنها را در وبگاه ایکوموس منتشر کنیم و فعالیت‌های شما را به اطلاع اعضای خانوادهٔ ایکوموس در سرتاسر جهان برسانیم.

لطفاً این اطلاعات را به calendrier@icomos.org (در ایران به info@iranicomoc.org) با قالب زیر ارسال کنید

(لطفاً جملات کوتاه باشند تا امکان ارائهٔ آنها به اختصار میسر باشد) و در عنوان ایمیل خود از عبارت «April event- your ۱۸ Committee» استفاده کنید.

عنوان

چه کسی؟ سازمان دهنده

چه موضوعی؟ ارائه کوتاهی از رویدادها

چه زمانی؟

کجا؟ شهر، نشانی

اطلاعات تماس رسمی

پایگاه اینترنتی

ضمایم: پوستر یا بروشور

اگر با ارسال عکس یا تصویر مشارکت می‌کنید، لطفاً مطمئن شوید که حق انتشار عکس‌ها را در اختیار دارید و اطلاعات حقوقی عکس‌ها را در پیامی که به ایکوموس ارسال می‌کنید، بیفزایید و همراه آن تأییدیه‌ای مبنی بر امکان استفاده از آنها در وبگاه، شبکهٔ اجتماعی، و گزارش‌های سالانه به صورت رایگان ارسال کنید.

IDMS2020: <https://www.icomos.org/en/focus/18-april-international-day-for-monuments-and-sites>

ICOMOS International 'Diversify/Decolonise Heritage' Kick-Off Workshop

<https://www.icomos.org/en/178-english-categories/news/76590-icomos-engages-with-the-diversification-and-decolonisation-of-heritage>

:USICOMOS

/Past Webinars: <https://usicomos.org/past-webinars>

/Symposium: <https://usicomos.org/past-symposia/2020-symposium-2020>

ICOMOS Virtual Advisory Committee Meeting 2020: National Committees Meeting, ("Session 4: Monuments Associated with Oppression" (22 October 2020

ICCROM 31st GA 2019: <https://www.iccrom.org/projects/thematic-discussion-decolonizing-heritage>

UNESCO – World Heritage Center. Convention Text: <https://whc.unesco.org/en/conventiontext>

ICOMOS Our Common Dignity Initiative – Rights Based Approach (Training Course, September 2020): <https://www.icomos.org/en/focus/our-common-dignity-initiative-rights-based-approach/79294-heritage-communities-and-human-rights-training-course-tallinn-september-2020>

ICOMOS Our Common Dignity Initiative – Rights Based Approach (Cultural Heritage Training, November 2020) <https://www.icomos.org/en/focus/our-common-dignity-initiative-rights-based-approach/79853-human-rights-and-cultural-heritage-training-november-2020>

ICOMOS SDGWG Webinar 4 – People + Peace: The Role of Cultural Heritage in Building a More Just and Peaceful World Through Education, Diversity and Community Inclusion (January 2021): <https://www.icomos.org/en/focus/un-sustainable-development-goals/87424-icomos-webinar-series-sdggw-webinar-4-society-people-peace>

International Day for Monuments and Sites 2021

IDMS2021 Title:

Complex Pasts: Diverse Futures

Passés complexes: Futurs Divers

Pasados complejos: Futuros diversos

Thematic Description

The International Day for Monuments and Sites (IDMS)

In 1982, ICOMOS established 18 April as the International Day for Monuments and Sites, followed by UNESCO adoption during its 22nd General Conference. Each year, on this occasion, ICOMOS proposes a theme for activities to be organized by its members, National and International Scientific Committees, partners, and anyone who wants to join in marking the Day.

Acknowledging global calls for greater inclusion and recognition of diversity, the International Day for Monuments and Sites 2021 invites participants to reflect on, reinterpret, and re-examine existing narratives.

ICOMOS encourages you to come together to share your experiences – of course in compliance with instructions from local and national authorities so as to ensure the safety of participants during the ongoing COVID-19 pandemic.

Complex Pasts: Diverse Futures

Conservation of cultural heritage requires critical examination of the past, as much as its practice demands provision for the future. Debates on the omission and erasure of certain narratives, and the privileging of particular stories over others, have come to a head in recent years. Addressing contested histories hence involves complex conversations, avoiding biased views and interpretations of the past.

The World Heritage Convention (1972) states: “deterioration or disappearance of any item of the cultural or natural heritage constitutes a harmful impoverishment of the heritage of all the nations of the world” – however imbalances in recognition, interpretation and ultimately, conservation of various cultural manifestations continue to exist.

ICOMOS wishes to engage in promoting new discourses, different and nuanced approaches to existing historical narratives, to support inclusive and diverse points of view.

Uncovering and generating more inclusive narratives can span a wide range of conservation issues, from toppled monuments of oppression within shared civic spaces to the treatment of ancestral sites, and indigenous domains across cultural

landscapes. Today, many monuments and sites stand with their multi-layered history and importance which call for inclusive approaches.



In this United Nations Decade of Action for Sustainable Development, ICOMOS recognises the need to put a focus on heritage that represents diverse cultures and communities (SDG10), promotes the equal rights of women and the LGBTQ+ community (SDG5) in order to illustrate a more tolerant and peaceful future (SDG16).



We therefore invite you to join this renewed call to action: fair and just futures require open, tolerant, and empathetic interpretations of heritage philosophies and practices in the present, starting with self-reflection.

The International Day for Monuments and Sites 2021 draws its inspiration from the cross-cutting discourse hosted by ICOMOS initiatives, including but not limited to: the inaugural 'Diversify/Decolonise Heritage!' Workshop (launched in July 2020), various symposia dedicated to the themes of 'Shared Cultures, Shared Heritage, Shared Responsibility', workshops on Human Rights and Heritage Management, the webinars addressing 'Indigenous Peoples and World Heritage' and 'People + Peace: The Role of Cultural Heritage in Building a More Just and Peaceful World Through Education, Diversity and Community Inclusion' as examples of the work carried out by ICOMOS Committees and Working Groups on these important issues.

Pathways towards more inclusive narratives have emerged through many existing initiatives, ranging from climate action, rights-based approaches to heritage along with the SDGs Decade of Action, and the Culture-Nature Journey.

The International Day for Monuments and Sites 2021 presents an opportunity to provide an open platform for wide involvement and participation!

Get Involved!

Due to the ongoing global COVID-19 pandemic, most events will be accessible online. We encourage you to contact the organizers of events in your country, and you can share your events by writing to: [calendrier\[at\]icomos.org](mailto:calendrier[at]icomos.org)

Potential formats for participation can include, but are not limited to:

- 1-2 minute (max) video submissions from each ICOMOS National Committee, International Scientific Committee and Working Group, showcasing local and regional approaches towards generating inclusive narratives. The videos may

be shared across ICOMOS Social Media Platforms or sent to calendrier[at]icomos.org. Make sure to include descriptions, quotes or facts to accompany any video, as well as hashtags.

- Photographic submission with captions to explain current approaches, changing narratives and goals for the future. In all cases, please make sure that you retain the rights to any image you post and post it on Social Media.
- Organize Virtual Roundtables, Host Webinars, propose Workshops to reflect on the gaps in current theory and practice and invite others to join the discussion. Using Twitter threads, tell a story about your complex pasts to present more inclusive stories and to build diverse futures. Don't forget to use images and hashtags!

Use designated hashtags to join in the celebration!

#18April #ICOMOS #ComplexPast #DiverseFutures #IDMS2021
#icomosIDMS2021

To strengthen ICOMOS' actions to link heritage as driver of achieving sustainable development, organisers are also requested to include relevant SDGs icons (SDGs 5, 10, 11, 15, 16) to strengthen the messages to be shared in these discussions.

These icons can be found

here: <https://www.un.org/sustainabledevelopment/news/communications-material/>

Let us know how you will celebrate!

Please inform the ICOMOS International Secretariat of planned 18 April initiatives so that we can publish them on the ICOMOS website and share your activities among the members of the worldwide ICOMOS family.

Please send the information to: calendrier[at]icomos.org using the format below (please use short sentences to enable a concise presentation and mention "18 April event – your Committee" in the email subject line):

- Title
- Who? Organisers
- What? Short presentation of the activity
- When?
- Where? Country, town
- Official contact
- Official website
- Attachments: Poster / leaflet

If you are participating through a photographic or graphic submission, please make sure you hold the rights of the images and add the image credits to your message to the Secretariat along with a written authorization for ICOMOS to use the images and share them on our website, social media and online and printed annual reports **free of charge in perpetuity.**

Key References

- **IDMS2020:** <https://www.icomos.org/en/focus/18-april-international-day-for-monuments-and-sites>
- **ICOMOS International ‘Diversify/Decolonise Heritage’ Kick-Off Workshop**
- <https://www.icomos.org/en/178-english-categories/news/76590-icomos-engages-with-the-diversification-and-decolonisation-of-heritage>
- **USICOMOS:**

Past Webinars: <https://usicomos.org/past-webinars/>
2020 Symposium: <https://usicomos.org/past-symposia/2020-symposium/>

- **ICOMOS Virtual Advisory Committee Meeting 2020:** National Committees Meeting, “Session 4: Monuments Associated with Oppression” (22 October 2020)
- **ICCROM 31st GA 2019:** <https://www.iccom.org/projects/thematic-discussion-decolonizing-heritage>
- **UNESCO - World Heritage Center. Convention Text:** <https://whc.unesco.org/en/conventiontext/>
- **ICOMOS Our Common Dignity Initiative – Rights Based Approach (Training Course, September 2020):** <https://www.icomos.org/en/focus/our-common-dignity-initiative-rights-based-approach/79294-heritage-communities-and-human-rights-training-course-tallinn-september-2020>
- **ICOMOS Our Common Dignity Initiative – Rights Based Approach (Cultural Heritage Training, November 2020)** <https://www.icomos.org/en/focus/our-common-dignity-initiative-rights-based-approach/79853-human-rights-and-cultural-heritage-training-november-2020>
- **ICOMOS SDGWG Webinar 4 - People + Peace: The Role of Cultural Heritage in Building a More Just and Peaceful World Through Education, Diversity and Community Inclusion (January 2021):** <https://www.icomos.org/en/focus/un-sustainable-development-goals/87424-icomos-webinar-series-sdgwg-webinar-4-society-people-peace>



به یاد دوست...

دکتر محسن منصوری فرد، معمار و متخصص مرمت و عضو صمیمی و فداکار و بی پروا در حفاظت از میراث فرهنگی ایران زمین بود. او در طراحی پروژه‌های پرشمار مرمت، احیاء، بازپیرایی، و بازسازی بناها، محوطه‌ها، و فضاهای فرهنگی - تاریخی کشورمان، دستیار نزدیک زنده یاد دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی بود. دکتر منصوری فرد با دارا بودن تجربیات ارزشمند، پروژه‌های فراوانی را در فضاهای تاریخی رأساً طراحی کرده است. مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران سوگ از دست رفتن این متخصص ارزشمند میراث فرهنگی را به خانواده ارجمند منصوری فرد و همکاران و دوستانش تسلیت می‌گوید و از آفریدگار برای او مینوی برین و برای خانواده محترم منصوری فرد و بازماندگان و دوستدارانش شکیبایی و تندرستی مسئلت دارد.

عکس از مهندس عادل فرهنگی.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



طراح: مهرداد کمالی

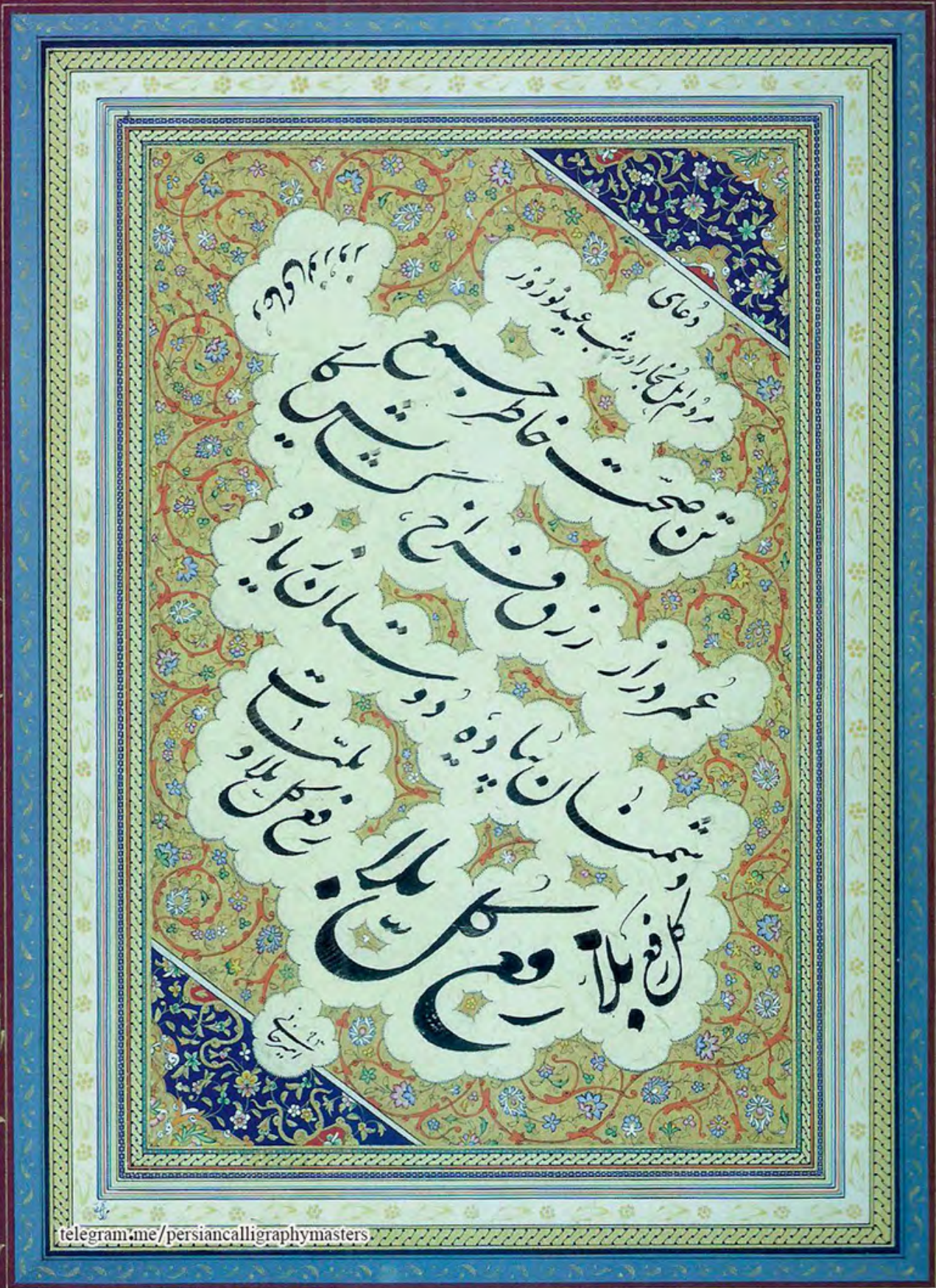
آبیاری ی باغستان سنتی قزوین به صورت غرقاب در فصل بهار | عکاس: مهدی معتمد

چون است حال بستان ای باد نوبهاری
سده

فرارسیدن بهار و نوروز را به فریاد سخنگان همراه کیمتة معماری بومی شادباش می‌گوییم.



اقتباس از دیوانه‌کاره عمارت جهلستون اصفهان



۱۴۰۲ هجری قمری

دُعای

مردم خجاردشت
عید نوروز

مختصر خاطر سپهری

تن صحت زونج
زین باد

عمردار

بمان باید
دوستان

کف بلا
و کف بلا

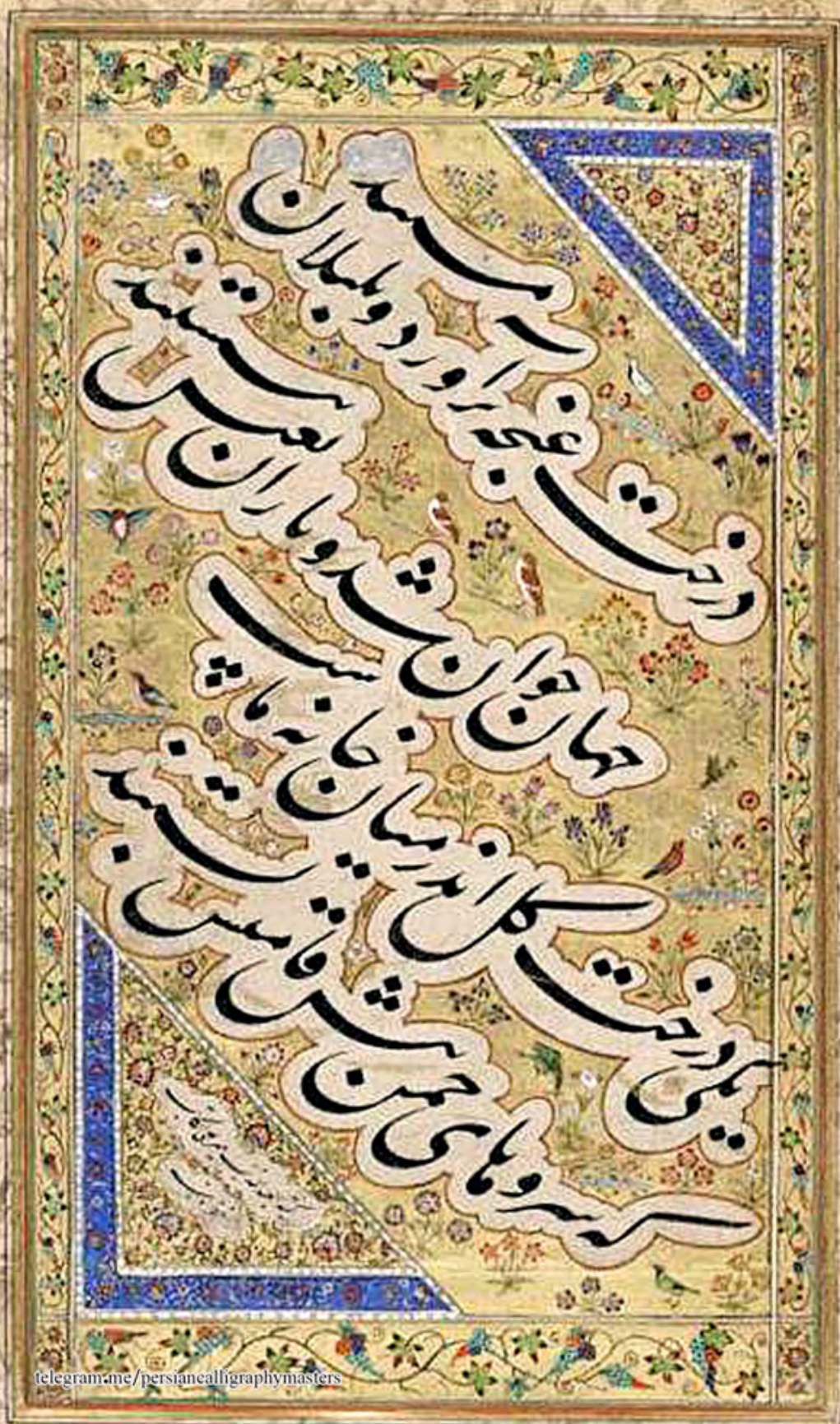
۱۴۰۲ هجری قمری

دعای مردم اهل بخارا در شب عید نوروز:
تن صحت، خاطر جمع، عمر دراز، رزق فراخ،
گشایش کار، دشمنان پیاده، دوستان زیاده،
رفع کل بلا و بلیات

خط استاد غلامحسین امیرخانی



موسسه فرهنگی ایکوموس ایران



موسسه فرهنگی ایکوموس ایران، فرارسیدن نوروز ۱۴۰۰
خورشیدی را به همه ایرانیان و دوستداران فرهنگ
ایرانی تبریک می گوید.

درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
یکی درخت گل اندر فضای خلوت ماست
که سروهای چمن پیش قامتش پستند

شیخ اجل، سعدی، چلیپای نستعلیق به خط میرعلی هر وی



موسسه فرهنگی ایکوموس ایران



**ICOMOS Iran Scientific
Committee on
Vernacular Architecture
(CIAV-IRAN)**

NO 7 / Winter 1399 / 91 Pages

committee.bumi@gmail.com